

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مناسك عمره مفرد ه

مطابق با فتاواى حضرت
آية الله العظمى مكارم شيرازى (مدّ ظلّه العالى)

تهيه و تنظيم : مسعود مكارم

فهرست نویسی پیش از انتشار: توسط انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

مناسک عمره مفرده / مکارم شیرازی؛ گردآوری: مسعود مکارم. -
قم: امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۴.

ISBN: 978-964-8139-55-6

۳۲۰ ص.

۱. حج و عمره . ۲. حج . ۳. فقه جعفری -- رساله عملیه. الف. مکارم،

مسعود، ۱۳۴۷ - ، گردآورنده. ب. عنوان.

۲۹۷ / ۳۵۷

BP ۱۸۸/۸/م۷م۸

ناشر برتر

نوزدهمین نمایندگانه بین المللی کتاب تهران

● مناسک عمره مفرده ●

● حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی) ●

تهیه و تنظیم: مسعود مکارم

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: چهارم

صفحه و قطع: ۳۲۰ صفحه / جیبی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷

چاپخانه: سلیمانزاده

ناشر: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۳۹-۵۵-۶



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفکس: ۷۷۳۲۴۷۸

www.amiralmomeninpub.com

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۳

عمره مفرده / ۱۷

فاصله معتبر بین دو عمره مفرده ۲۰

اعمال عمره مفرده ۲۵

۱- احرام از میقات / ۲۷

میقات‌های پنج‌گانه ۲۸

۱- مسجد شجره ۲۸

۲- جُحْفَه ۲۹

۳- وادی عقیق ۳۰

۴- قرن المنازل ۳۱

۵- یلملم ۳۳

أدنی الحل ۳۱

احرام از محاذات یکی از میقاتها ۳۳

احکام میقاتها ۳۷

واجبات احرام ۴۱

أول: پوشیدن لباس احرام ۴۱

- دوّم: نیت ۵۰
- سوّم: گفتن لبّیک ۵۳
- احکام إحرام ۵۹
- محرمات احرام ۶۱
- ۱- پوشیدن لباس دوخته ۶۳
- ۲- پوشیدن چیزی که تمام پشت پا را بپوشاند (برای مردان) ۶۷
- ۳- پوشانیدن سر (برای مردان) ۶۸
- ۴- پوشانیدن صورت (برای زنان) ۷۱
- ۵- زینت کردن ۷۳
- ۶- سرمه کشیدن ۷۵
- ۷- نگاه کردن در آینه ۷۶
- ۸- استعمال بوی خوش ۷۷
- ۹- مالیدن انواع روغن‌ها و کرهما به بدن ۸۰
- ۱۰- ناخن گرفتن ۸۱
- ۱۱- زیر سایه رفتن در حال احرام (برای مردان) ۸۴
- ۱۲- زایل کردن مو از بدن ۸۹
- ۱۳- عقد ازدواج ۹۲
- ۱۴- نگاه کردن ۹۵
- ۱۵- لمس کردن ۹۵
- ۱۶- بوسیدن ۹۶
- ۱۷- نزدیکی کردن ۹۷

- ۱۸- استمناء کردن ۹۸
- ۱۹- کشتن حشرات ۹۹
- ۲۰- بیرون آوردن خون از بدن ۱۰۰
- ۲۱- کشیدن دندان ۱۰۱
- ۲۲- دروغ و دشنام و تفاخر ۱۰۲
- ۲۳- مجادله و نزاع ۱۰۳
- ۲۴- شکار حیوانات صحرايي ۱۰۶
- ۲۵- حمل اسلحه ۱۰۸
- قطع درخت و گیاه حرم ۱۰۹
- دیگر مسائل محرمات و کفّارات احرام ۱۱۰
- کفّارات احرام به طور خلاصه ۱۱۳

۲- طواف / ۱۱۷

- شرایط پنج گانه طواف ۱۱۷
- اول: نیت ۱۱۷
- دوّم: طهارت از حدث ۱۱۹
- حکم مسلوس ۱۳۶
- حکم مبطون ۱۳۷
- سوّم: طهارت از نجاست ۱۳۸
- چهارم: ختنه برای مردان ۱۴۱
- پنجم: پوشانیدن عورت ۱۴۳

طواف در لباس مشمول خمس	۱۴۴
حدّ پوشش در طواف	۱۴۴
واجبات هفتگانه طواف	۱۴۷
اول و دوم: شروع از حجر الاسود و ختم به آن	۱۴۷
سوم: خانه کعبه سمت چپ طواف کننده باشد	۱۴۹
چهارم: «حجر اسماعیل» داخل طواف باشد	۱۵۴
پنجم: طواف در خارج خانه کعبه باشد	۱۵۶
ششم: حدّ مطاف	۱۵۷
هفتم: موالات	۱۵۹
احکام طواف	۱۶۷
عدم تمکن از طواف	۱۶۷
نقصان طواف	۱۶۷
کم یا زیاد کردن طواف	۱۶۸
قران در طواف	۱۷۳
شک در طواف	۱۷۵
نیابت در طواف	۱۷۹
دیگر سؤالات طواف	۱۸۱

۳- نماز طواف / ۱۸۵

محلّ نماز طواف	۱۸۵
کیفیت نماز طواف	۱۹۱

اصلاح قرائت نماز	۱۹۲
ترک نماز طواف	۱۹۴
زمان نماز طواف	۱۹۵
شک در نماز طواف	۱۹۷
وظیفه زنان حائض	۱۹۸
مسائل دیگر	۱۹۸
طوافهای مستحبی	۲۰۱

۴- سعی صفا و مروه / ۲۰۵

واجبات سعی	۲۰۵
۱- نیت	۲۰۶
۲- شروع از «صفا»	۲۰۶
۳- ختم کردن به «مروه»	۲۰۷
۴- سعی هفت دور تمام باشد	۲۰۸
۵- سعی در داخل مسعی انجام گیرد	۲۱۳
۶- سعی به صورت متعارف انجام گیرد	۲۱۴
۷- غصبی نبودن لباس، ستر عورت در مردان و حجاب	۲۱۵
در زنان	۲۱۵
زمان انجام سعی	۲۱۶
احکام سعی	۲۱۷
ترک سعی	۲۱۷

قطع کردن سعی	۲۱۸
شک در سعی	۲۲۰
انجام محرمات احرام بعد از سعی	۲۲۲
طهارت از حدث	۲۲۳
امور باقی مانده در سعی	۲۲۵

۵- تقصیر / ۲۲۹

چگونگی تقصیر	۲۲۹
زمان تقصیر	۲۳۱
محل تقصیر	۲۳۲
شرایط تقصیر کننده	۲۳۲
احکام تقصیر	۲۳۳

۶ و ۷- طواف نساء و نماز آن / ۲۳۷

احکام مصدود و محصور / ۲۴۵

مسائل متفرقه / ۲۵۱

شرکت در نماز جماعت اهل سنت	۲۵۱
سجده گاه	۲۵۴
نماز مسافر	۲۵۶
روزه مستحبی	۲۵۸
وقت نماز و روزه	۲۵۸

اعلان عید	۲۵۹
حج و خمس	۲۵۹
لقطه (گمشده) حرم	۲۶۰
استفتائات مرتبط با مسائل عمره	۲۶۲

چند مسأله مهم و محلّ ابتلاء در عمره / ۲۶۹

آداب و مستحبات عمره / ۲۷۷

مستحبات سفر	۲۷۸
مستحبات احرام	۲۷۹
مکروهات احرام	۲۸۳
مستحبات دخول حرم	۲۸۴
مستحبات ورود به مکه معظمه و آداب مسجد الحرام	۲۸۵
آداب و مستحبات طواف	۲۸۹
دعاهای اشواط طواف	۲۹۳
شوط اول	۲۹۳
شوط دوم	۲۹۴
شوط سوم	۲۹۴
شوط چهارم	۲۹۵
شوط پنجم	۲۹۵
شوط ششم	۲۹۶
شوط هفتم	۲۹۶

۲۹۷	مستحبات نماز طواف
۲۹۹	مستحبات سعی
۳۰۱	دعاهای اشواط سعی
۳۰۲	دور اول (از صفا به مروه)
۳۰۳	دور دوم (از مروه به صفا)
۳۰۴	دور سوم
۳۰۵	دور چهارم
۳۰۶	دور پنجم
۳۰۷	دور ششم
۳۰۸	دور هفتم
۳۰۹	مستحبات دیگر مکه معظمه
۳۱۰	طواف وداع
۳۱۱	قسمتی از مستحبات مدینه طیبه
۳۱۱	زیارت حضرت رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۳۱۲	زیارت حضرت صدیقه <small>عالیه</small>
۳۱۲	زیارت جامعه که هر یک از ائمه <small>علیهم السلام</small> را می توان با آن زیارت نمود
۳۱۳	زیارت ائمه بقیع <small>علیهم السلام</small>
۳۱۷	زیارت حضرت حمزه
۳۱۸	زیارت وداع پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۳۱۹	زیارت وداع ائمه بقیع <small>علیهم السلام</small>

پیشگفتار

از آنجا که هر سال، خیل کثیری از مردم با ایمان و علاقه مند ما جهت بجا آوردن عمره مفرده عازم بیت الله الحرام شده و این اقبال روز به روز بیشتر می شود و از طرفی مواجهه روحانیون محترم با مسائل جدید و احساس نیاز نسبت به تدوین مناسکی جامع در این زمینه، سبب شد که بازنگری کاملی در کلیه مسائل عمره و تطبیق مسائل حج بر آن، زیر نظر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله العالی) را به انجام برسانیم؛ تا از طرفی حجاج محترم به تمامی مسائل و آداب و اعمال این فریضه بزرگ آگاه شده و از طرف دیگر دغدغه های روحانیون محترم کاروانها نسبت به اطلاع از آخرین فتاوی معظم له برطرف گردد و همگان بتوانند اعمال عمره را با خیالی آسوده به جای آورده و با دستی پر از معنویت از این

سفر روحانی بازگردند.

از مزایای این کتاب می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- جمع‌آوری کلیه نظرات فقهی حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی در باب عمره که در کتب مختلف آمده، به همراه آخرین فتاوی‌ای معظم له.
- ۲- حذف مسائل تکراری و غیر ضروری و جایگزین شدن مسائل جدید بجای آن.
- ۳- قرارگرفتن مسائل و استفتائات هر موضوع در کنار هم برای سهولت در یافتن مسائل مورد نیاز.
- ۴- قرارگرفتن مسائل در ابواب و فصول مناسب.
- ۵- بکارگیری زبان و ادبیات روز.
- ۶- حذف مسائلی که امروزه مصداق خارجی ندارد.

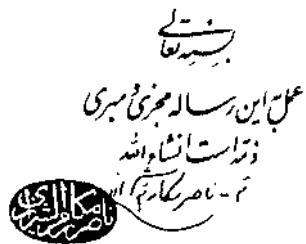
* * *

از خوانندگان عزیز بویژه روحانیون محترم کاروان‌ها، صمیمانه درخواست می‌کنیم ما را از نظرات و پیشنهادهای خویش بهره‌مند سازند تا در چاپ‌های بعدی از آن استفاده کنیم. در خاتمه از جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین

آقای علیان‌نژادی که در تهیه این اثر ما را یاری نمودند، تشکر و سپاسگزاری کرده و از خداوند متعال توفیق و عزت ایشان را خواستاریم.

مسعود مکارم

ربیع الثانی ۱۴۲۶



عمره مفرده

- مسأله ۱-** عمره مفرده یکی از بهترین اعمال است، و فضیلت بسیار دارد. از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:
- «الْعُمْرَةُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ ذَنْبٍ!» عمره كفارة تمام گناهان است.»
- مسأله ۲-** عمره را در هر ماهی از سال می‌توان بجا آورد؛ ولی در ماه رجب از همه ماهها بهتر است^۱، و در اخبار اسلامی درباره آن بسیار تأکید شده است.
- مسأله ۳-** عمره همانند حج بر دو قسم است: واجب و مستحب.

۱. وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۶۶، ابواب وجوب الحج، باب ۳۸، حدیث ۷، و جلد ۱۰، صفحه ۲۴۰، ابواب العمره، باب ۳، حدیث ۷.
۲. روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد، که تنها در کتاب وسائل الشیعه، جلد ۱۰، صفحه ۲۳۹، ابواب العمره، باب ۳، شانزده روایت نقل شده است.

مسأله ۴- کسی که فقط توانایی بر عمره مفرده داشته باشد احتیاط واجب آن است که آن را بجا آورد؛ هر چند استطاعت و توانایی بر حج نداشته باشد، و یک مرتبه در تمام عمر بیشتر واجب نیست، بنابراین کسانی که حج نیابتی بجا می‌آورند، احتیاط واجب آن است که بعد از انجام عمل نیابت، عمره مفرده‌ای برای خود بجا آورند.

مسأله ۵- هر کس قصد دارد وارد مکه شود واجب است با احرام وارد شود، و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد، و اگر موسم حج نیست واجب است عمره مفرده انجام دهد. لکن کسانی که به مقتضای شغلشان زیاد به مکه رفت و آمد می‌کنند (مانند رانندگان اتومبیل، و خدمه کاروانها)، از این حکم استثنا شده‌اند. همچنین کسانی که عمره بجا آورده‌اند اگر از مکه خارج شوند و دوباره در همان ماه داخل مکه شوند، احرام و عمره مجدد بر آنها واجب نیست.

سؤال ۶- آیا انجام عمره مفرده در ماههای حج پیش از عمره تمتع جایز است؟ آیا در این مسأله فرقی بین سروره و غیر سروره هست؟

جواب: مانعی ندارد، و در این مسأله بین کسی که برای اولین بار به حج می‌رود و غیر او تفاوتی نیست.

سؤال ۷- هرگاه شخصی رجاءاً به احرام عمره مفرده محرم شود، آیا باید در تمام اعمال عمره کلمه رجاء را در نیت بیاورد، یا این کار لازم نیست؟

جواب: همین اندازه که نیت رجاء در ذهن او نسبت به تمام اعمال عمره وجود دارد کافی است، و لازم نیست کلمه رجاء را تکرار کند.

سؤال ۸- زنی که احتمال می‌دهد عادت شود و نتواند داخل مسجد الحرام گردد، آیا می‌تواند برای عمره مستحیی محرم شود، و اگر عادت شد برای طواف و نماز نایب بگیرد؟ همچنین اگر بیمار احتمال دهد که نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد، آیا می‌تواند چنین کند؟

جواب: اشکال ندارد، و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شود برای طواف و نماز طواف نایب می‌گیرد، و بقیه را با رعایت ترتیب خودش انجام می‌دهد.

سؤال ۹- آیا کسی که نمازش را غلط می‌خواند، و وقت

تصحیح آن را ندارد، می‌تواند عمره مفرده مستحبی بجا آورد؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰- آیا انجام عمره مفرده پس از اتمام عمره تمتع و قبل از آغاز اعمال حج تمتع، جایز است؟

جواب: نباید عمره مفرده بجا آورده شود، و اگر بجا آورند صحّت آن محلّ اشکال است، ولی ضرری به عمره و حجّ تمتع نمی‌زند.

فاصله معتبر بین دو عمره مفرده:

مسأله ۱۱- شخصی که بیش از یک ماه در مکه بوده و همین مدت از عمره مفرده قبلی او گذشته، اگر برای کاری به جدّه رود و در بازگشت بدون احرام وارد مکه شود، کار خلاف شرعی انجام داده، و باید به میقات برگردد و محرم شود و عمره مفرده بجا آورد؛ زیرا با گذشتن ماه قمری، کسی که وارد مکه می‌شود باید عمره دیگری انجام دهد.

مسأله ۱۲- کسانی که عمره را مثلاً در ماه شعبان بجا آورده، و در ماه رمضان به (جهت بازدید) به عرفات می‌روند، با توجه

به این که از محدوده حرم خارج می‌شوند در بازگشت باید محرم شوند، و عمره مفرده دیگری بجا آورند.

مسأله ۱۳- تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است، ولی در هر ماه قمری بیش از یک عمره نمی‌توان بجای آورد.

مسأله ۱۴- همان‌گونه که گفته شد در هر ماه قمری یک عمره مستحب است، بنابراین اگر کسی در اواخر ماه رجب وارد مکه شود و عمره مفرده بجا آورد، و بعداً ماه شعبان شروع شود، می‌تواند دوباره عمره مفرده‌ای بجا آورد، و اما در همان ماه، دو عمره مفرده اشکال دارد، و اگر کسی بخواهد در یک ماه بیش از یک عمره بجا آورد، به قصد رجاء انجام می‌دهد؛ یعنی به امید این که مطلوب درگاه الهی باشد (نه به نیت دستور قطعی) ولی بهتر آن است که زائران محترم به جای این گونه عمره‌های مکّرر، به طواف بپردازند که مشروعیت آن مسلم است.

مسأله ۱۵- اگر ماه رجب می‌گذرد برای درک فضیلت عمره این ماه می‌تواند محرم شده و اعمال را در ماه شعبان انجام دهد ولی نمی‌تواند عمره دیگری را در ماه شعبان بجای آورد.

بنابراین اگر چنین شخصی در ماه شعبان برای بازدید، عرفات برود در برگشت نیاز به احرام جدیدی ندارد.

سؤال ۱۶- فرموده‌اید که: «در هر ماه قمری بیش از یک عمره نمی‌توان انجام داد» آیا در این مسأله بین دو عمره مفرده‌ای که برای خودش بجا می‌آورد، با دو عمره مفرده‌ای که هر دو، یا یکی از آنها را به نیابت از دیگران انجام می‌دهد، تفاوتی هست؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند.

سؤال ۱۷- هرگاه در یک ماه قمری دو عمره مفرده انجام دهد، و عمره دوم نیابتی باشد، آیا نایب می‌تواند برای انجام آن اجرت بگیرد؟ و چنانچه عمره مفرده بر منوب عنه واجب شده باشد، آیا چنان عمره‌ای کفایت می‌کند؟

جواب: لازم است احتیاط را مراعات کند، و چنانچه با اطلاع اجیرکننده از آنچه انجام شده اجرت بگیرد اشکال ندارد؛ ولی کفایت کردن چنین عمره‌ای از عمره واجب محل اشکال است.

سؤال ۱۸- همان گونه که عمره مفرده را قبل از عمره تمتع، هر چند در همان ماه قمری باشد، اجازه داده‌اید، آیا بعد از عمره تمتع و قبل از حج نیز می‌توان در همان ماه قمری عمره مفرده‌ای انجام داد، یا باید به قصد رجاء باشد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۹- گاه محل توزیع کالا در مکه مکرمه یک کیلومتر بعد از مسجد تنعیم قرار دارد. وظیفه خدمه‌ای که مجبورند برای گرفتن سهمیه کاروان به آن محل رفت و آمد کنند، چیست؟

جواب: در عمره مفرده، هرگاه قبل از گذشتن ماهی که در آن عمره انجام داده، خارج شود و بازگردد، تکرار عمره لازم نیست؛ اما اگر در ماه بعد برگردد، باید از همان مسجد تنعیم محرم شود، و عمره به جا آورد، مگر این که شغلش به طور مرتب رفت و آمد به بیرون حرم باشد.

سؤال ۲۰- بعضی از فقها می‌گویند: «خدمه‌ای که می‌خواهند از مکه خارج شوند، اگر فقط به جدّه بروند برای ورود مجدد به مکه لازم نیست محرم شوند، ولی اگر به مدینه بروند، برای ورود مجدد به مکه باید دوباره در مسجد شجره محرم

شده، و با احرام وارد مکه شوند» نظر حضرتعالی چیست؟
جواب: اگر بازگشت او در همان ماه قمری باشد که خارج شده، احرام مجدد لازم نیست، و اگر در ماه بعد بوده، باید مجدداً محرم شود و اعمال را بجا آورد.

سؤال ۲۱- هرگاه خدمه کاروانها، عمره مفرده را بجا آورده باشند، آیا هر بار که از مکه خارج می‌شوند و برای انجام کارهای کاروان مثلاً به جدّه می‌روند، در موقع بازگشت به مکه باید محرم شوند؟

جواب: لازم نیست محرم شوند، مگر این که در ماه بعد (ماه قمری دیگر) وارد شوند.

اعمال عمره مفرده

مسأله ۲۲- اعمال عمره مفرده هفت چیز است:

- ۱- احرام از میقات.
- ۲- طواف خانه خدا (هفت دور).
- ۳- نماز طواف.
- ۴- سعی صفا و مروه.
- ۵- تقصیر، یعنی کوتاه کردن مو و ناخن.
- ۶- طواف نساء.
- ۷- نماز طواف نساء.

۱- احرام از میقات

مسأله ۲۳- منظور از میقات جایی است که باید از آنجا برای عمره احرام بست، و بدون احرام نمی‌توان از آن گذشت.

مسأله ۲۴- محلّ بستن احرام عمره، ادنی الحل یعنی اولین نقطه خارج از حرم است و جایز است از یکی از میقاتهای معروف پنجگانه محرم شود ولی بهتر این است احرام عمره مفرده نیز از یکی از میقاتهای پنجگانه انجام گیرد، بنابراین کسانی که قصد عمره مفرده دارند و قبلاً به مدینه می‌روند، بهتر است از مسجد شجره یا لا اقل از جحفه محرم شوند؛ هر چند از «حدیبیه» یا محاذی آن در جاذه جدید نیز مانعی ندارد.

هیقات‌های پنج‌گانه:

۱- مسجد شجره

مسأله ۲۵- «مسجد شجره» در کنار مدینه قرار دارد، و امروز به نام «آبار علی» معروف است، آن را «ذو الحلیفه» نیز می‌نامند. تمام کسانی که می‌خواهند از راه مدینه به حج بروند باید از آنجا مُحرم شوند، و جایز نیست تأخیر بیندازند، و مثلاً از «جحفه» - که میان راه مکه و مدینه است - محرم شوند، مگر بیماران و افراد ضعیف و کسانی که موانع دیگری دارند، و نمی‌توانند از مسجد شجره محرم شوند.

مسأله ۲۶- واجب نیست احرام از داخل مسجد شجره باشد، بلکه می‌توان در کنار مسجد نیز احرام بست، و تفاوتی میان مسجد سابق، و مسجد امروز - که بسیار توسعه یافته - وجود ندارد؛ بنابراین، زنانی که در حال عادت ماهانه هستند می‌توانند در بیرون مسجد احرام ببندند.

مسأله ۲۷- شخص جنب یا حائض می‌تواند در حال عبور از مسجد محرم شود، و نباید در مسجد توقف کند. همان گونه که می‌تواند در خارج از مسجد محرم شود.

مسأله ۲۸- چنانچه شخص جنب یا حائض بر اثر ازدحام

جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد، و بنا به عللی موفق بر غسل نیز نشود، می‌تواند تیمم بدل از غسل حیض یا جنابت کند، و از داخل مسجد محرم شود، و نیز می‌تواند بیرون مسجد احرام ببندد.

مسأله ۲۹- احتیاط مستحب آن است که از خود مسجد شجره محرم شوند، نه در کنار و اطراف مسجد، و مستحب است که در محل اصلی و قدیمی مسجد احرام ببندند؛ هر چند در قسمت‌های توسعه یافته مسجد، بلکه در خارج از مسجد - چنان که گفتیم - نیز می‌توان احرام بست.

سؤال ۳۰- هرگاه حائض یا جنب، عمداً و عصباناً وارد مسجد شجره شده، و همانند دیگران در آنجا توقف نموده، و محرم شود. آیا احرامش صحیح است؟

جواب: اگر عمداً باشد خالی از اشکال نیست؛ ولی همان گونه که قبلاً گفته‌ایم احرام از خارج مسجد نیز جایز است.

۲- جُحْفَه

مسأله ۳۱- «جحفه» محلی است میان مکه و مدینه در فاصله ۱۵۰ کیلومتری مکه، و فعلاً با جاده اصلی مقداری

فاصله دارد، و در آنجا مسجد بزرگی ساخته‌اند، و آن، میقات کسانی است که از مصر و شمال آفریقا و سوریه و اردن و لبنان (از طریق زمینی) به حج می‌آیند، بلکه میقات تمام کسانی است که از آنجا عبور می‌کنند.

مسأله ۳۲- مسلمانان ایران و سایر نقاط که با هواپیما وارد فرودگاه جدّه می‌شوند، و نمی‌خواهند به مدینه بروند، می‌توانند به جحفه رفته و از آنجا محرم شوند.

مسأله ۳۳- همان گونه که گفته شد در جحفه مسجدی است که می‌توان از بیرون یا داخل آن احرام بست، و بهتر داخل مسجد است، ولی زنان حائض از بیرون مسجد محرم می‌شوند.

۳- وادی عقیق

مسأله ۳۴- «وادی عقیق» محلی است در سمت شمال شرقی مکه، که حدود ۹۴ کیلومتر با آن فاصله دارد، و آن، میقات اهل «عراق» و مردم «نجد» است، و تمام کسانی که از آن محل عبور می‌کنند، می‌توانند از آنجا مُحْرِم شوند. این میقات دارای سه قسمت است: قسمت اول را «مَسْلَخ» می‌نامند، و قسمت دوم را «عَمْرَه»، و قسمت سوم را «ذات

عرق» می‌گویند، و احرام بستن از تمام آنها جایز است، هر چند افضل احرام از «مَسْلَخ» است.

۴- قرن المنازل

مسأله ۳۵- «قرن المنازل» محلی است نزدیک «طائف» که حدود ۹۴ کیلومتر با مکه فاصله دارد، و آن میقات مردم آنجا، یا کسانی است که از آنجا عبور می‌کنند. بلکه تمام کسانی که وارد جدّه می‌شوند، می‌توانند به آنجا رفته و محرم شوند، هم اکنون در آنجا مسجدی وجود دارد که همه می‌توانند از آن محرم شوند.

۵- یلملم

مسأله ۳۶- نام کوهی است در نواحی جنوبی مکه که حدود ۸۴ کیلومتر با آن فاصله دارد و آن میقات کسانی است که از جنوب شبه جزیره عربستان مانند یمن، به سوی مکه می‌آیند، و نیز تمام کسانی که از آنجا می‌گذرند، می‌توانند از آنجا محرم شوند.

أدنی الحل

«أدنی الحل» یعنی اولین نقطه خارج از حرم، میقات کسانی

است که عمره مفرده بجا می‌آورند.

مسئله ۳۷- بهتر این است که برای عمره مفرده از یکی از این سه محل: «حدیبیه» یا «جرانه» یا «تنعیم» که نزد اهل مکه معروف است، احرام ببندد، و آسانتر برای کسانی که می‌خواهند بعد از حج، عمره مفرده بجا آورند این است که به مسجد تنعیم - که حدود هشت کیلومتر با مسجد الحرام فاصله دارد و در حال حاضر جزء شهر مکه است - بروند، و از آنجا محرم شوند.

مسئله ۳۸- کسانی که از طریق جدّه مستقیماً برای عمره مفرده به سوی مکه می‌روند باید از «حدیبیه» که فاصله آن با مکه حدود ۱۷ کیلومتر است، محرم شوند (حدیبیه دورترین حدّ حرم است).^۱

مسئله ۳۹- شاغلین در جدّه (از ایرانیان و سایر کشورها) در عمره مفرده می‌توانند مانند سایرین از «حدیبیه» یا محاذی آن در جاده جدید محرم شوند، و چنانچه بر اثر جهل به مسئله در جای دیگری محرم شوند، احرام آنها صحیح نیست، و محرمات

۱. حدیبیه در کنار جاده قدیم «جدّه، مکه» واقع شده، و محاذی آن در جاده جدید در نزدیکی پل شمسی مسجدی ساخته‌اند که محاذی آن است، و می‌توان از آنجا محرم شد.

احرام بر آنها حرام نمی‌شود. در صورت علم و عمد نیز حکم مسئله همین است، ولی در صورت جهل، اگر بعد از اعمال مسئله را بفهمند عمل آنان صحیح است.

احرام از محاذات یکی از میقاتها:

مسئله ۴۰- کسانی که از میقات نمی‌گذرند هرگاه به محاذات هر یک از میقاتها برسند باید از همانجا محرم شوند، و لزومی ندارد که حتماً به یکی از میقاتهای پنجگانه معروف بروند، و اگر از محاذات دو میقات می‌گذرند باید وقتی به محاذات نخستین میقات می‌رسند احرام ببندند، و در محاذات میقات بعد، نیت احرام را تجدید نمایند.

مسئله ۴۱- کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور می‌کنند، احتیاط مستحب آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند، و بهتر آن است که در محاذات تجدید احرام کنند (ولی واجب نیست).

مسئله ۴۲- منظور از محاذات برای کسی که به طرف مکه می‌رود آن است که به جایی برسد که میقات در سمت راست یا

چپ او واقع شده، به گونه‌ای که اگر از آن نقطه عبور کند میقات متمایل به پشت او گردد.

مسأله ۴۳- اگر محاذات را نداند باید از اهل اطلاع مورد اطمینان بپرسد، و اگر نتواند مکان محاذات را تشخیص دهد، قبل از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهد محاذات باشد بنا بر احتیاط با نذر محرم می‌شود.

مسأله ۴۴- هرگاه از راهی بگذرد که محاذی هیچ یک از میقاتها نیست (مانند جدّه)، احتیاط آن است که به میقات رود و از آنجا محرم شود، یا به جایی برود که محاذی یکی از میقاتها باشد، و اگر آن هم امکان ندارد، از هر جا که احتمال می‌دهد محاذی یکی از میقاتهاست محرم می‌شود، سپس به اولین نقطه حرم (در اطراف مکه) که رسید، احرام خود را تجدید می‌کند (یعنی دوباره نیت نموده، و لتیک گوید).

مسأله ۴۵- در مسأله محاذات میقات، فرقی میان صحرا و دریا نیست.

مسأله ۴۶- محاذات با علم و یقین و نیز شهادت دو شاهد عادل ثابت می‌شود، و اگر از این دو راه ثابت نشد، هرگاه از قول

کسانی که مطلع به آن مکانها هستند گمان قوی حاصل شود کافی است. همچنین از قول کسانی که اهل خبره هستند، و از روی قواعد علمی محاذات را تعیین می‌کنند، اگر گمان قابل ملاحظه‌ای حاصل شود ظاهراً کافی است.

مسأله ۴۷- در صورتی که ثابت نشود «رائغ» محاذی جحفه است، احرام از آن محل صحیح نیست.

احکام میقات‌ها

مسأله ۴۸- احرام بستن قبل از میقات جایز نیست. همان گونه که گذشتن از میقات بدون احرام حرام است، و تنها باید در خود میقات محرم شوند؛ مگر در دو صورت:

۱- در صورتی که نذر کند قبل از میقات محرم شود، لازم است به نذر خود وفا کند، از هر جا که باشد، و نیازی به تجدید احرام در میقات نیست، به همین جهت هنگامی که انسان در میقات یا محاذات آن شک کند، می‌تواند قبل از رسیدن به محلّ مشکوک، «نذر احرام» نماید، و از همان جا محرم شود، و فرقی میان حجّ واجب و مستحب نیست؛ و نذر زن در صورتی که مزاحم حقّ شوهر نباشد اشکالی ندارد.

۲- برای کسی که می‌خواهد عمرهٔ ماه رجب را بجا آورد، و

بیم آن دارد که ماه رجب قبل از رسیدن به میقات تمام گردد، جایز است قبل از میقات محرم شود، تا فضیلت عمره ماه رجب را درک کند.

مسأله ۴۹- رسیدن به میقات باید به طور یقین، یا اطمینان، یا شهرت در میان اهل محل، یا حداقل شهادت یک نفر عادل ثابت شود، و در صورت شک، احرام بستن جایز نیست؛ مگر از طریق نذر کردن.

مسأله ۵۰- کسانی که میقات برای آنها مشخص نیست نمی‌توانند به گفتهٔ راهنما، یا رئیس کاروان، که می‌گوید فلان محل میقات است، محرم شوند، مگر این که از گفتهٔ آنها اطمینان پیدا کنند، بلکه ظن حاصل از گفتهٔ اهل اطلاع نیز کافی است. در غیر این صورت باید به اهل محل مراجعه کنند.

مسأله ۵۱- عبور از میقات بدون احرام جایز نیست، مگر این که میقات دیگری در پیش داشته باشد که در این صورت احرام از میقات دوم صحیح است؛ هر چند کار خلافی کرده است.

مسأله ۵۲- جایز نیست اختیاراً احرام را از میقات تأخیر بیندازد. بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات هم

بدون احرام عبور نکند؛ اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد.

مسأله ۵۳- کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می‌شوند، و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند، نمی‌توانند بدون احرام از میقات عبور کنند، و اگر چنین کنند، واجب است به میقات بازگردند، و از آنجا محرم شوند، و اگر نتوانند برگردند، از همان جا که هستند محرم می‌شوند.

مسأله ۵۴- اگر بدون احرام از میقات بگذرد، و میقات دیگری بعد از آن میقات باشد، لازم نیست به میقات اول بازگردد، بلکه از میقات دوم محرم می‌شود.

مسأله ۵۵- هرگاه از روی جهل یا فراموشی در میقات محرم نشود، هنگامی که یادش آمد اگر بیرون حرم است، باید از همان جا احرام ببندد، و اگر وارد حرم شده به بیرون حرم (مثلاً تنعیم) برود و احرام ببندد، و اگر نمی‌تواند از حرم بیرون برود، از همان جا که هست احرام می‌بندد.

مسأله ۵۶- هرگاه زن در حال عادت ماهیانه باشد، و خیال کند احرام بستن برای او جایز نیست، و در میقات احرام نبندد، اگر می‌تواند، باید به میقات برگردد و محرم شود، و اگر

نمی‌تواند، به خارج حرم رود و در آنجا احرام ببندد، و اگر نمی‌تواند، از همان جا که هست احرام ببندد، و عمره او صحیح است.

مسأله ۵۷- هرگاه از روی جهل یا فراموشی احرام را ترک کند، و بعد از تمام شدن اعمال متوجه شود، اعمال او صحیح است.

مسأله ۵۸- کسی که با احرام عمره مفرده وارد مکه می‌شود، در صورتی که در ماههای حج (شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) احرام بسته باشد، جایز است آن را عمره تمتع قرار دهد، و به دنبال آن حج تمتع بجا آورد.

سؤال ۵۹- آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۶۰- زنی بدون اجازه شوهرش نذر نموده، و قبل از رسیدن به میقات با نذر محرم می‌شود. آیا احرام وی و اعمال پس از آن صحیح است؟

جواب: اگر نذر او منافاتی با حق شوهرش ندارد، احرامش صحیح است.

واجبات احرام

مسأله ۶۱- نخستین اعمال عمره مفرده «احرام» است و واجبات احرام سه چیز است: پوشیدن لباس احرام، نیت و گفتن لبیک.

اول: پوشیدن لباس احرام

مسأله ۶۲- شخصی که می‌خواهد احرام ببندد واجب است قبلاً لباسهایی را که پوشیدنش بر محرم حرام است از تن بیرون آورد، سپس دو جامه احرام را بر تن کند. یکی را (که آزار گویند) به صورت لنگ دور کمر ببندد، و دیگری را مانند عبا بر دوش ببندد (و آن را «رداء» گویند). این حکم مخصوص مردان است، و برای زنان پوشیدن دو جامه احرام، نه زیر لباسها و نه

روی لباسها، لازم نیست. بلکه همان لباسها، لباس احرامشان محسوب می‌شود.

مسئله ۶۳- احتیاط واجب آن است که دو جامهٔ احرام و طرز پوشیدن آن به همین شکلی که معمول است باشد؛ یعنی لنگ را طوری ببندد که لااقل از ناف تا زانو را بپوشاند، و رداء را روی شانه بیفکند، به طوری که بقیهٔ بدن را بپوشاند، ولی جنس و رنگ خاصی در جامهٔ احرام شرط نیست، اما نباید دوخته باشد.

مسئله ۶۴- احتیاط واجب آن است که پوشیدن دو جامهٔ احرام قبل از نیت و گفتن لبیک باشد، و اگر بعد از لبیک بیوشد، احتیاط آن است که لبیک را دوباره بگوید.

مسئله ۶۵- احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند، و اگر از روی جهل یا فراموشی گره بزند احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرری نمی‌زند و چیزی بر او نیست (اما گره زدن آن به دور کمر مانعی ندارد). و بهترین راه آن است که روی لنگ کمر بند یا مانند آن ببندد تا کاملاً راحت باشد؛ اما گره زدن دو طرف رداء مانعی ندارد. همچنین بستن آن به وسیلهٔ سنجاق، یا گذاشتن سنگی در یک طرف حوله و

بستن آن با یک قطعه کش یا نخ به طرف دیگر (آن گونه که در میان بعضی از حجاج معمول است) نیز مانعی ندارد؛ هر چند ترک این امور بهتر است.

مسئله ۶۶- احتیاط واجب آن است که در حال اختیار به یک جامهٔ بلند، که مقداری از آن را لنگ و مقداری را رداء قرار می‌دهند، اکتفا نکنند؛ بلکه باید دو جامهٔ جداگانه باشد.

مسئله ۶۷- احتیاط واجب آن است که در پوشیدن جامهٔ احرام قصد قربت و جلب رضای الهی داشته باشد، و احتیاط مستحب آن است که به هنگام بیرون آوردن جامهٔ دوخته هم قصد قربت داشته باشد.

مسئله ۶۸- تمام چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط است در دو جامهٔ احرام نیز شرط می‌باشد؛ بنابراین لباسهای احرام باید پاک باشد، و از اجزای حیوان حرام گوشت، یا ابریشم خالص، و زربفت نباشد. (در این حکم، بنا بر احتیاط واجب، فرقی میان زن و مرد نیست، هر چند در نماز در مورد پارچهٔ ابریشم و زربفت میان زن و مرد تفاوت است).

مسئله ۶۹- در مواردی که نجس بودن لباس نمازگزار

بخشوده شده، در لباس احرام نیز بخشوده شده است.

مسئله ۷۰- إزار (لنگ) باید بدن نما نباشد، و احتیاط واجب آن است که رداء نیز چنین نباشد.

مسئله ۷۱- احتیاط واجب آن است که جامه احرام از پوست نباشد.

مسئله ۷۲- احتیاط واجب آن است که جامه احرام منسوج و بافتنی نباشد، و چیزهایی مانند نمد کافی نیست.

مسئله ۷۳- واجب نیست همیشه لباس احرام را به تن داشته باشد؛ بلکه می‌تواند برای شستن، یا عوض کردن، یا حمام رفتن، یا مقصود دیگری، موقتاً آن را از تن درآورد.

مسئله ۷۴- هرگاه لباس احرام نجس شود باید آن را بشوید، و اگر میسر نبود هر وقت ممکن شد اقدام به تطهیر آن می‌کند. (و اگر رداء نجس شود می‌تواند موقتاً آن را بردارد) و احتیاط آن است که اگر بدن نیز در حال احرام نجس شود، مبادرت به تطهیر آن کند.

مسئله ۷۵- اگر جامه احرام یا بدن را تطهیر نکند کفارہ ندارد.

مسئله ۷۶- هرگاه محرم جامه احرام را بنا بر عللی عوض کرده، بهتر است هنگامی که وارد مکه می‌شود، برای طواف همان جامه‌ای را که در آن محرم شده، بپوشد.

مسئله ۷۷- اگر از روی نادانی یا فراموشی در حالی که پیراهن یا لباسهای معمولی دیگر در تن دارد احرام ببندد، احرام او صحیح است؛ ولی باید فوراً آن لباس را از تن بیرون آورد، و فقط لباس احرام بپوشد، و اگر این کار از روی علم و عمد باشد، احتیاط آن است که در این صورت بعد از بیرون آوردن آن لباس و پوشیدن لباس احرام، دوباره نیت کند و لَبَّيْكَ بگوید.

مسئله ۷۸- هرگاه بعد از احرام به خاطر ندانستن مسأله یا فراموشی، پیراهن به تن کند احرامش صحیح است؛ ولی باید آن را از طرف پایین درآورد، و اگر ممکن نشد، باید آن را بشکافد و بیرون آورد.

مسئله ۷۹- هرگاه بیمار باشد و نتواند لباس معمولی خود را در میقات از تن در آورد، کافی است نیت احرام کند و لَبَّيْكَ بگوید، و در صورت امکان لباسهای معمولی را موقتاً در آورد و لباس احرام بپوشد و محرم شود، و بعداً اگر ناچار است لباس

معمولی خود را به تن کند، و اگر در میقات این کار ممکن نشد، و بعداً حال او برای پوشیدن لباس احرام مساعد شد، احتیاط واجب آن است که اگر توانایی دارد به میقات برگردد، و مجدداً احرام ببندد، و اگر بازگشت به میقات میسر نبود، از همان جا لباس را عوض می‌کند، و تجدید احرام لازم نیست.

مسأله ۸۰- پوشیدن بیش از دو جامه (مثلاً دو حوله) برای احرام جهت جلوگیری از سرما یا گرما یا غیر آن، اشکالی ندارد.

مسأله ۸۱- هرگاه محرم بر اثر سردی هوا، یا علت دیگر، ناچار شود لباس دوخته بپوشد، این کار اشکالی ندارد، ولی اگر ممکن است، لباس دوخته را پایین و بالا کند و بر دوش بیندازد، و دست در آستین آن نکند، و احتیاط آن است که آن را پشت و رو نیز بنماید، و اگر اضطرار به پوشیدن لباس دوخته به این نوع پوشش رفع نمی‌شود، می‌تواند به طور معمولی لباس بپوشد.

سؤال ۸۲- آیا به هنگام پوشیدن لباس احرام، چه در میقات باشد یا ساعتها قبل از بستن احرام در مدینه صورت گرفته باشد، قصد خاصی لازم است؟

جواب: هیچ قصدی لازم نیست، بلکه هنگام احرام مطابق آنچه در بحث احرام گذشت نیت می‌کند.

سؤال ۸۳- هرگاه شخصی در میقات، یا محاذات آن، یا ادنی الحل، یا شهر مکه، و خلاصه هر جا که وظیفه‌اش بوده محرم شود، و سپس پشیمان گردد، آیا می‌تواند احرامش را بر هم بزند؟

جواب: نمی‌تواند از احرام خارج شود. حتی اگر لباس احرام را از تن بیرون کند، و لباس دوخته بپوشد، و قصد بیرون آمدن از احرام کند، احرامش به هم نمی‌خورد، و آنچه به سبب احرام بر او حرام شده حلال نمی‌شود، و اگر کاری کند که موجب کفاره است، باید کفاره بدهد و راه خروج از احرام فقط انجام عمره یا حج است که نیت آن را کرده است.

سؤال ۸۴- بعضی از مردان محرم برای این که موقع وزش باد، یا به هنگام سوار شدن ماشین، یا مانند آن، عورت آنها ظاهر نشود، علاوه بر دو حوله احرام، یک متر پارچه ندوخته از وسط پا عبور می‌دهند، به گونه‌ای که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می‌گیرد. این عمل چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد؛ ولی اجتناب از این گونه کارها جز در موارد ضروری بهتر است.

سؤال ۸۵- آیا لباس احرام منحصر به دو جامه است، و نباید

بیشتر باشد؟

جواب: مقدار واجب آن دو جامه است، و زیادتر مانعی

ندارد؛ مشروط بر این که مانند لباس احرام باشد، مثلاً از حوله‌های متعدّد استفاده کند.

سؤال ۸۶- اینجانب به علت قطع نخاع و عدم کنترل بول و

مشکلات دیگر، نمی‌توانم بدن و لباس احرام خود را پاک نگهدارم، وظیفه‌ام چیست؟

جواب: آن مقدار که می‌توانید محافظت کنید، و آنچه

موجب عُسر و حرج است اشکالی ندارد.

سؤال ۸۷- اگر لباس احرام زنان به قدری نازک باشد که بدن

آنها نمایان گردد، آیا به اعمال حج آنان ضرری می‌رساند؟

جواب: این کار برای احرام اشکال دارد و طواف و نماز

طواف را باطل می‌کند.

سؤال ۸۸- طبق فتوای بعضی از مراجع که فرموده‌اند:

«احتیاطاً زنان هم مثل مردان محرم شوند» آیا زن بعد از پوشیدن حوله‌های احرام، می‌تواند حوله‌ها را کنار بگذارد، و

اعمال حج را با لباس معمولی‌اش انجام دهد؟

جواب: زنان می‌توانند در همان لباسهای معمولی محرم

شوند، و پوشیدن حوله‌های احرام لازم نیست، و به فرض که

احتیاطاً با آن محرم شوند، بعد می‌توانند بیرون آورند.

سؤال ۸۹- اگر جامه احرام را از پول خمس یا زکات نداده

خریده باشند، آیا احرام در آن صحیح است؟

جواب: احرام در آن حرام است.

سؤال ۹۰- آیا پرداخت خمس لباس احرام، که معلوم نیست

از پول خمس نداده تهیّه شده، یا از پولی که خمس به آن تعلق

نگرفته (مانند مال الارث) واجب است؟

جواب: با فرض شک در تعلق خمس، پرداختن خمس آن

لازم نیست، هر چند احتیاط در آن مطلوب است.

سؤال ۹۱- چنانچه شخصی که سال خمسی نداشته به

عمره مفرده مشرف شود، و با همان پولهای خمس نداده

هزینه‌های عمره، از جمله لباس احرام را تأمین نماید. عمره او

چه حکمی دارد؟

جواب: اعمال او اشکال دارد.

سؤال ۹۲- شخصی با پول خمس نداده لباس احرام خریده، و با همان لباس محرم شده، و طواف و نماز طواف را بجا آورده است. اکنون وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر از روی علم و عمد نبوده، عمره و حج او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصر بوده، احتیاط واجب آن است طواف و نماز آن، را اعاده کند.

سؤال ۹۳- غسل احرام، زیارت و مانند آن، تا چه زمانی اعتبار دارد؟ و با چه چیزهایی باطل می شود؟

جواب: تا یک روز معتبر است؛ و اگر حدث اصغر از او سرزند، به قصد رجا آن را اعاده می کند، ولی واجب نیست.

دوم: نیت

مسألة ۹۴- نیت احرام چنین است که قصد می کند اموری را که بعداً به آن اشاره می شود بر خود حرام بشمرد، و به دنبال آن به اعمال عمره بپردازد، و کافی است با در نظر گرفتن این معنی، به زبان، یا در قلبش بگوید: «احرام می بندم برای عمره مفرده برای خودم (یا برای کسی که از طرف او نیابت دارم) قربه

الی الله» و منظورش از «احرام می بندم» بناگذاری بر تحریم کارهای مزبور بر خویش است.

مسألة ۹۵- لازم نیست نیت را بر زبان جاری کند، بلکه کافی است چنین قصدی در دل او باشد، ولی بهتر است علاوه بر قصد باطنی، بر زبان نیز جاری سازد.

مسألة ۹۶- مستحب است ولی طفل غیر ممیز، یا هر کسی که عهده دار کارهای کودک است او را محرم کند، و لباس احرام بر وی بپوشاند، و از طرف او نیت کند؛ یعنی به هنگام عمره مفرده بگوید: «این طفل را محرم می کنم به عمره مفرده قربه الی الله» و در صورت امکان او را وادار کند که لَبَّیک بگوید، و اگر توانایی ندارد خودش از طرف او لَبَّیک بگوید؛ اما اگر ولی می ترسد که نتواند وظائف مربوط به کودک را بدرستی انجام دهد، بهتر است از محرم کردن وی صرف نظر کند.

مسألة ۹۷- هرگاه در موقع نیت احرام قصد شکستن بعضی از محرمات را داشته باشد (مثل این که در همان موقع در حال سفر باشد، و بدون ضرورت زیر سقف اتومبیل یا هواپیما قرار گیرد) برای احرام او خالی از اشکال نیست، و اگر در آغاز نیت

ترک همه را داشته، ولی پس از احرام نیت او عوض شود، یا بعضی از آن اعمال را مرتکب گردد، ضرری به احرام او نمی‌زند؛ هر چند در مواردی باید کفاره دهد.

مسأله ۹۸- دانستن اموری که بر محرم حرام است به طور مشروح لازم نیست؛ بلکه کافی است به طور اجمال نیت ترک همه را داشته باشد.

سؤال ۹۹- هرگاه کسی که به دیگران «نیت احرام» و «تلبیه» را تلقین می‌کرده، فراموش کند که خودش نیت نماید، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر به قصد انجام عمره تلبیه نگفته، محرم نشده است، و باید - در صورت امکان - به میقات بازگردد و محرم شود، و اگر بازگشت به میقات ممکن نیست، به خارج حرم می‌رود و در آنجا مجدداً احرام می‌بندد.

سؤال ۱۰۰- هرگاه شخصی رجاءاً به احرام عمره مفرده محرم شود، آیا باید در تمام اعمال عمره کلمه رجاء را در نیت بیاورد، یا این کار لازم نیست؟

جواب: همین اندازه که نیت رجاء در ذهن او نسبت به

تمام اعمال عمره وجود دارد کافی است، و لازم نیست کلمه رجاء را تکرار کند.

سؤال ۱۰۱- آیا قصد باطل کردن عمره، یا قسمتی از مناسک آن (بدون آن که هنگام قصد ابطال عمل را ادامه دهد) موجب بطلان آن می‌گردد؟

جواب: قصد ابطال موجب بطلان نمی‌گردد.

سوّم: گفتن لَبَّيْكَ

مسأله ۱۰۲- واجب است هنگام احرام «لَبَّيْكَهَيَّ اِحْرَامًا» را به عربی صحیح بگویند، و احتیاط واجب آن است که بصورت زیر باشد: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ؛ یعنی خداوند! اجابت (و اطاعت) می‌کنم دعوت تو را، و دگر بار هم اجابت می‌کنم تو را، همتایی برای تو نیست، اجابت می‌کنم تو را، ستایش تنها تو را سزاوار است، و نعمت و ملک از آن تو است، هیچ همتایی نداری!».»

مسأله ۱۰۳- احتیاط واجب آن است از افزودن لَبَّيْكَ پنجم و

عبارات دیگر خودداری شود؛ مگر آنچه در مستحبات خواهد آمد.

مسأله ۱۰۴- واجب است لَبَّیکهای چهارگانه فوق را، همانند تکبیره الاحرام نماز، به طور صحیح اداء کند.

مسأله ۱۰۵- در صورتی که زائر نتواند این عبارات را با عربی صحیح ادا کند، باید آن را یاد بگیرد، و اگر نتواند، یا وقت نباشد، کافی است دیگری شمرده شمرده برای او بخواند و او تکرار نماید، و چنانچه قادر بر تلفظ صحیح نباشد، احتیاط آن است آنچه را می‌تواند بخواند، و ترجمه آن را نیز بگوید.

مسأله ۱۰۶- شخص گنگ بجای گفتن «لَبَّیک» با دست خود اشاره می‌کند، و زبان خود را طبق معمول حرکت می‌دهد، و بهتر است علاوه بر این، کسی به نیابت از او نیز لَبَّیک بگوید، ولی واجب نیست.

مسأله ۱۰۷- کودکان نیز می‌توانند برای عمره مُحرم شوند، و چنانچه خودشان تمیز بدهند «لَبَّیک» را همراه با نیت می‌گویند، و اگر غیر ممیز باشند کسی از طرف آنها نیت می‌کند و لَبَّیک می‌گوید، و هرگاه کسی در میقات بیهوش باشد، از طرف او نیز می‌توان نیت کرد و لَبَّیک گفت.

مسأله ۱۰۸- در احرام فقط یک بار لَبَّیک گفتن (به صورتی که گفته شد) واجب است، و بعد از آن، مستحب است آن را در حالات مختلف به مقدار امکان تکرار کند؛ یعنی در موقع سوار شدن بر مرکب و پیاده شدن، و گذشتن از پستیها و بلندیها، و پس از خواب، و بعد از نمازها تکرار می‌نماید، و بهتر است مردان صدای خود را به لَبَّیک بلند کنند.

مسأله ۱۰۹- در احرام عمره مفرده واجب است هنگام مشاهده کعبه اگر از مکه برای احرام به خارج رفته است، و هنگام داخل شدن به منطقه حرم اگر از خارج مکه به سوی آن می‌آید، لَبَّیک را قطع کند.

مسأله ۱۱۰- هرگاه محرم «لَبَّیک» واجب را، چه عمدأ و چه بر اثر عذر، نگفته باشد، محرمات احرام بر او حرام نمی‌شود، و اگر چیزی از محرمات احرام که کفاره دارد انجام دهد، کفاره بر او واجب نمی‌شود. همچنین اگر «لَبَّیک» اوّل را با ریا باطل کند.

مسأله ۱۱۱- پیش از گفتن «لَبَّیک» اعمالی که بر محرم حرام است، بر او حرام نمی‌شود؛ هر چند نیت احرام کرده، و لباس احرام را نیز پوشیده باشد. بنابراین، اگر قبل از گفتن لَبَّیک

چیزی از آنها را بجا آورد کفاره‌ای ندارد، و در حقیقت «لَبَّيْكَ» مانند «اللَّهُ اكْبَرُ» اوّل نماز است، که تا آن را نگوید وارد نماز نمی‌شود، و هرگاه شک کند که «لَبَّيْكَ» گفته یا نه؟ باز هم چیزی بر او حرام نمی‌شود.

مسأله ۱۱۲- هرگاه در میقات باشد و شک کند لبّیک گفته، یا نه باید لبّیک را بگوید، و اگر از میقات گذشته، احتیاط آن است اگر می‌تواند بازگردد و لبّیک را بگوید، و اگر نمی‌تواند، در همانجا بگوید، و اگر لبّیک گفته، اما نمی‌داند صحیح گفته یا نه؟ بنابر درست گفتن می‌گذارد، و احرامش صحیح است.

مسأله ۱۱۳- اگر لبّیک را فراموش کند، یا به خاطر ندانستن مسأله آن را نگوید، واجب است در صورت امکان به میقات برگردد و احرام ببندد و لبّیک بگوید، و اگر نتواند برگردد، و هنوز داخل حرم نشده، همانجا لبّیک می‌گوید، و اگر داخل حرم شده، واجب است به خارج حرم بازگردد، و در آنجا احرام ببندد و لبّیک بگوید، و چنانچه نمی‌تواند بازگردد، همانجا محرم می‌شود و لبّیک می‌گوید، و اگر بعد از اتمام عمره یادش بیاید، عمل او صحیح است.

مسأله ۱۱۴- جایز نیست لبّیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد، و اگر عمداً تأخیر بیندازد، باید به وظیفه کسی که بدون احرام از میقات عبور کرده عمل کند؛ یعنی اگر می‌تواند بازگردد.

سؤال ۱۱۵- بعضی از زائران ایرانی، کلماتی مانند «لَبَّيْكَ»، «غیر»، «یوم» و مانند آن را به گونه‌ای ادا می‌کنند که گاه احساس می‌شود متمایل به کسره است. در مقابل بعضی از اهل دقت، یا وسواسیها، اظهار می‌دارند که فتحه باید کاملاً ظاهر شود، و به هنگام تلفّظ چنان اشباع می‌کنند که شبیه به «الف» می‌شود (و لبّیاک می‌گویند) در حالی که اساتید قرائت زبان عربی و حتی خود عربها نیز به دقتی که گروه دوم لازم می‌دانند، ادا نمی‌کنند. لطفاً بفرمائید طرز صحیح قرائت این کلمات چگونه است؟

جواب: در این گونه مسائل باید به تلفّظ اهل لسان توجه کرد؛ و از آنجا که اهل لسان فتحه را به صورتی که گروه دوم معتقدند نمی‌گویند، احتیاط آن است که از آن پرهیز شود؛ و آنچه از اهل لسان بارها شنیده‌ایم این است که فتحه را کمی مایل به کسره ادا می‌کنند، و همین صحیح است.

سؤال ۱۱۶- یکی از حُجَّاج شنوایی خود را به کَلّی از دست داده، و زبانش هم لکنت دارد، و قادر بر تکلم صحیح نمی‌باشد. مسؤولین و دوستانش به این موضوع توجه نداشته، و آن شخص در میقات نیت نکرده، و تلبیه هم نگفته، و به همین شکل همراه بقیه وارد مکه شده است، وظیفه او چیست؟

جواب: باید به میقات برگردد و با نیت و تلبیه مُحرم شود؛ هر چند با بردن همراه باشد، و اگر نمی‌تواند به میقات بازگردد، باید در خارج از حرم محرم شود، و اگر نمی‌تواند تلبیه را، هر چند با تلقین، صحیح بگوید احتیاط آن است که به هر نحو می‌تواند بگوید، و ترجمه‌اش را نیز بر زبان آورد.

سؤال ۱۱۷- چنانچه پس از خروج از میقات متوجه شود که تلبیه را نگفته، یا نیت نکرده، یا به جهت دیگری احرامش درست نبوده، و از طرفی نمی‌تواند از نیمه راه به میقات برگردد، بلکه باید به مکه بیاید، و از آنجا به میقات بازگردد. وظیفه چنین شخصی چیست؟

جواب: باید از اَدْنی الحَلِّ به نیت عمره مفرده محرم گردد.

سؤال ۱۱۸- آیا خانمها می‌توانند تلبیه را به گونه‌ای بلند

بگویند که مرد نامحرم صدای آنها را بشنود؟
جواب: اشکالی ندارد.

احکام احرام:

مسألة ۱۱۹- لازم نیست محرم به هنگام احرام بستن، از حدث اصغر و اکبر پاک باشد، بنابراین بدون وضو، و در حال جنابت یا حیض، یا نفاس می‌تواند محرم شود. (البته روشن است که در صورت جنابت و حیض و نفاس هم باید خارج از مسجد محرم شود)، بلکه غسل احرام بر زن حائض و نفساء نیز مستحب است.

مسألة ۱۲۰- اگر احرام را فراموش کند و بعد از پایان مناسک و اعمال متوجه شود، عمره او صحیح است.

مسألة ۱۲۱- احرام کسی که ختنه نشده صحیح است، ولی طواف و نماز طواف‌های او اشکال دارد، و در احرام باقی می‌ماند. مگر آن که ختنه کرده و سپس طواف و نماز طواف را بجای آورد.

مسألة ۱۲۲- اگر بچّه ختنه نشده را وادار به احرام کنند، یا او را

محرم نمایند، احرام او صحیح است؛ ولی تمام طوافهای او اشکال دارد. بنابراین، چنین فردی در احرام باقی می‌ماند، و در آمدن از احرام برای او مشکل می‌شود؛ مگر آن که او را ختنه کنند، و سپس طواف کند، یا او را طواف دهند.

محرمات احرام

مسأله ۱۲۳- هنگامی که انسان محرم می‌شود کارهای زیر بر او حرام می‌گردد، و بعضی دارای کفاره است، به عقیده ما بعضی از آنها مکروه است، که شرح آن خواهد آمد. این کارها به ترتیب زیر است:

- ۱- پوشیدن لباس دوخته (برای مردان).
- ۲- پوشیدن چیزی که پشت پا را می‌پوشاند (برای مردان).
- ۳- پوشانیدن سر (برای مردان).
- ۴- پوشانیدن صورت (برای زنان).
- ۵- زینت کردن برای همه.
- ۶- سرمه کشیدن.
- ۷- نگاه کردن در آینه.

۸- استعمال بوی خوش.

۹- مالیدن کرم و روغن به بدن.

۱۰- ناخن گرفتن.

۱۱- زیر سایه رفتن در حال سفر (برای مردان).

۱۲- زائل کردن مو از بدن.

۱۳- عقد ازدواج.

۱۴- نگاه به همسر از روی شهوت.

۱۵- لمس کردن.

۱۶- بوسیدن.

۱۷- نزدیکی کردن.

۱۸- استمناء کردن.

۱۹- کشتن حشرات.

۲۰- بیرون آوردن خون از بدن.

۲۱- کشیدن دندان.

۲۲- مجادله کردن.

۲۳- دروغ گفتن.

۲۴- صید حیوانات صحرائی.

۲۵- حمل اسلحه.

مسأله ۱۲۴- پس از آن که کودک محرم شد، یا او را محرم نمودند، ولی یا سرپرست او باید او را از محرمات احرام باز دارد، و اگر ممیز نیست، او را از محرمات احرام حفظ کند.

مسأله ۱۲۵- اگر کودک محرم مرتکب یکی از محرمات احرام شد، کفاره آن در صید بر عهده ولی او است، نه آن که از اموال طفل بپردازد، و احتیاط مستحب آن است که در غیر صید نیز ولی از طرف او کفاره بدهد.

۱- پوشیدن لباس دوخته

مسأله ۱۲۶- پوشیدن لباسهایی مانند پیراهن، قبا، کت و شلوار، زیر پیراهن، شورت، بر مردان در حال احرام حرام است؛ بلکه احتیاط واجب آن است که از هر لباس دوخته اجتناب کنند. همچنین از لباسهای بافتنی، و لباسهایی که قطعات آن را به هم می‌چسبانند، یا مانند نمد درست می‌کنند، و به صورت پیراهن و پالتو و شلوار و مانند آن است، هر چند دوختنی نباشد و نخ و سوزن در آن به کار نرود، احتیاط واجب این است که از همه این‌ها پرهیز شود.

مسألة ۱۲۷- در لباس دوخته تفاوتی میان لباس کوچک و بزرگ نیست، ولی انداختن پتوهایبی که اطراف آن دوخته شده بر شانه برای دفع سرما و مانند آن، یا کشیدن لحاف دوخته شده به روی بدن (به شرط این که سر خود را با آن نپوشاند) اشکال ندارد، بلکه اگر لبه‌های احرامی نیز دوخته باشد ضرری ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب در ترک آن است.

مسألة ۱۲۸- بستن «همیان»^۱ بر کمر مانعی ندارد، هر چند دوخته شده باشد. همچنین بستن کمر بند روی احرامی نیز مانعی ندارد؛ خواه دوخته باشد، یا غیر دوخته. بستن شال دوخته شده روی احرامی نیز بی‌مانع است، اما احتیاط مستحب در تمام اینها ندوخته بودن است.

مسألة ۱۲۹- استفاده از فتق بند، هر چند دوخته باشد، مانعی ندارد. همچنین کیفهای دوخته‌ای که احیاناً به گردن یا شانه می‌اندازند، و قمقمه آب که در محفظه دوخته‌ای قرار دارد، ضرری ندارد.

۱. همیان چیزی است که، بر کمر می‌بندند و پول نقد و مانند آن را در آن می‌گذارند.

مسألة ۱۳۰- همان گونه که در باب احرام گفتیم احتیاط واجب آن است که لنگ احرامی را به گردن گره نزنند؛ اما گره زدن آن به دور کمر، مخصوصاً در آنجا که احتیاج به آن باشد، و همچنین گره زدن رداء، یا استفاده از سنجاق برای نگهداشتن آن، یا لنگ مانعی ندارد، ولی بهتر ترک آن است، و آنچه در میان بعضی از حجاج معمول است، که سنگی در کنار حوله گذاشته، و با یک قطعه کش یا نخ آن را به طرف دیگر می‌بندند نیز جایز است، و بهترین راه برای حفظ لنگ، استفاده از کمر بند است.

مسألة ۱۳۱- پوشیدن انواع لباس دوخته برای زنان بی مانع است؛ مگر دستکش که جایز نیست، هر چند دوخته نباشد.

مسألة ۱۳۲- کسی که عمداً لباس دوخته بپوشد، کفاره آن یک گوسفند است؛ اما اگر از روی فراموشی یا جهل باشد چیزی بر او نیست.

مسألة ۱۳۳- پوشیدن لباس دوخته در حال اضطراب حرام نیست، ولی کفاره دارد.

مسألة ۱۳۴- اگر محرم چند لباس دوخته بپوشد، باید برای

هر کدام یک کفاره بدهد، و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کند و یک دفعه بیوشد، برای هر یک کفاره جداگانه بپردازد.

مسأله ۱۳۵- اگر از روی اضطرار لباسهای متعدّد بیوشد کفاره ساقط نمی‌شود؛ مگر این که کفاره متعدّد موجب عسر و حرج شود.

مسأله ۱۳۶- اگر لباسی، مثلاً پیراهن، بیوشد و کفاره آن را بپردازد، و دوباره پیراهن دیگری بیوشد، یا همان را که پوشیده از تن بیرون آورد و مجدداً بیوشد، باید دوباره کفاره بپردازد.

سؤال ۱۳۷- آیا مردان محرم، برای محافظت از سرما، می‌توانند از پتوهائی که حاشیه آن دوخته شده استفاده کنند؟

جواب: اشکالی ندارد، و حکم لباس دوخته بر آن جاری نمی‌شود.

سؤال ۱۳۸- آیا منظور از لباس دوخته - که در حال احرام بر مردان حرام است - دوختنیهایی است که قطعات جدا از هم را به هم متصل می‌کنند، یا حتی اگر بر روی حوله احرام هم دوخت بزنند اشکال دارد؟

جواب: این گونه دوختن‌ها اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۹- آیا استفاده از دست و پای مصنوعی، که با چرمهای دوخته شده به بدن می‌بندند، برای جانبازان و معلولین محرم جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد، و کفاره هم ندارد.

سؤال ۱۴۰- آیا پوشیدن لباسهایی که قسمتهایی از آن، به عنوان تزیین، تور دوزی یا گلدوزی شده، برای زنان محرم جایز است؟ و آیا مقنعه جز لباس است؟

جواب: از لباسهای زینتی در حال احرام باید پرهیز کرد، و مقنعه نیز جزء لباس است.

۲- پوشیدن چیزی که تمام پشت را بپوشاند (برای مردان)

مسأله ۱۴۱- پوشیدن کفشهایی که تمام پشت پا را می‌پوشاند، مانند چکمه، گیوه، کفشهای معمولی و امثال آن، و همچنین جوراب در حال احرام جایز نیست؛ خواه ساق پا را بپوشاند، یا نه؛ اما اگر قسمتی از پشت پا را بپوشاند، مانند بند نعلین، و کفشهایی که قسمتی از پشت پا در آن پوشیده نمی‌شود، مانعی ندارد. البته این حکم مخصوص مردان است، و پوشیدن کفش

و جوراب برای زنان در حال احرام اشکال ندارد.

مسئله ۱۴۲- هرگاه حولهٔ احرامی بلند باشد و پشت پا را بیوشاند، یا مثلاً برای رفع درد پا، پارچه‌ای را داغ کنند و روی پشت پا بگذارند، اشکالی ندارد.

مسئله ۱۴۳- هرگاه مرد عمداً، یا در حال اضطرار، کفش و جوراب بیوشد کفاره ندارد، و احتیاط مستحب آن است که اگر مجبور به پوشیدن کفش و جوراب شود، قسمت روی پا را شکاف دهد.

سؤال ۱۴۴- آیا احرام در کفش دوخته شده، که تمام پشت پا را نگیرد، جایز است؟

جواب: آری جایز است؛ ولی بهتر است مردان در حال احرام چنین کفشی نپوشند.

۳- پوشانیدن سر (برای مردان)

مسئله ۱۴۵- پوشانیدن تمام سر برای مردان در حال احرام حرام است، و احتیاط واجب آن است که قسمتی از سر را نیز نپوشانند، ولی پوشانیدن قسمتی از سر با دست، یا موقع خشک

کردن با حوله، یا به هنگام خواب به وسیلهٔ بالش جایز است. همچنین انداختن بند مشک و ساک و مانند آن، بر سر جایز است، و پوشانیدن صورت نیز برای مردان مانعی ندارد.

مسئله ۱۴۶- احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهایی مثل گِل، حنا، دارو، و مانند آن نیز نپوشاند.

مسئله ۱۴۷- احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد؛ مثلاً باری را که می‌خواهد حمل کند بر روی سر قرار ندهد.

مسئله ۱۴۸- احتیاط واجب آن است که گوشه‌ها را نیز نپوشانند.

مسئله ۱۴۹- جایز نیست محرم سر خود را در آب فرو برد؛ خواه بقیهٔ بدن زیر آب باشد یا نه؛ اما ریختن آب بر سر خواه برای غسل باشد یا غیر آن مانعی ندارد، همچنین زیر دوش رفتن؛ ولی سر خود را در وان حمام زیر آب نکند.

مسئله ۱۵۰- دستمالی که برای سردرد به سر می‌بندند اشکال ندارد، و خشک کردن سر با دستمال و حوله نیز جایز است؛ مشروط بر این که سر را با آن نپوشاند.

مسئله ۱۵۱- اگر پارچه‌ای را روی کمانی بیندازند، به گونه‌ای

که بالای سر قرار گیرد، و سر را برای حفظ از پشه زیر آن کنند اشکالی ندارد. همچنین استفاده از پشه بند اشکال ندارد.

مسئله ۱۵۲- مرد محرم نباید به هنگام خوابیدن سر خود را بیوشاند، و اگر بدون توجه، یا از روی فراموشی چنین کند، باید فوراً سر خود را برهنه نماید.

مسئله ۱۵۳- کفاره پوشانیدن سر به طور عمد برای مردان یک گوسفند است (بنابر احتیاط واجب)؛ ولی در صورت جهل و فراموشی و غفلت کفاره ندارد.

مسئله ۱۵۴- احتیاط واجب آن است که اگر سر را به طور مکرر بیوشاند، کفاره را نیز تکرار کند؛ یعنی برای هر دفعه یک گوسفند بدهد، مگر این که موجب عُسر و حرج شود.

سؤال ۱۵۵- اگر محرم سر درد بگیرد و بدین جهت دستمالی بر سر ببندد، که تمام سر را بیوشاند، چه حکمی دارد؟

جواب: این کار در حال ضرورت جایز است؛ ولی بنابر احتیاط واجب کفاره دارد.

سؤال ۱۵۶- مُحرمی سرش را شسته و موهایش خیس است. اگر صبر کند تا موها به طور طبیعی خشک شود و سپس وضو

بگیرد، نمازش به تأخیر می افتد. وظیفه اش چیست؟
جواب: مانعی ندارد سرش را با حوله خشک کند، و سپس وضو بگیرد، ولی حوله را آهسته بکشد، تا مویی جدا نشود، همچنین دقت نماید تا همه سر را نپوشاند.

سؤال ۱۵۷- اگر مرد محرم سرش را با چیز دوخته - مانند کلاه دوخته شده - بیوشاند، آیا باید دو کفاره بدهد، یا یک کفاره کافی است؟

جواب: در مثل پارچه دوخته شده - که به صورت کلاه نیست - یک کفاره دارد؛ ولی کلاه دوخته و مانند آن، بنابر احتیاط واجب دو کفاره دارد.

۴- پوشانیدن صورت (برای زنان)

مسئله ۱۵۸- پوشانیدن صورت برای زنان در حال احرام جایز نیست، خواه به وسیله نقاب باشد، یا پوشیه، یا بادبزن، یا مانند آن. حتی احتیاط واجب آن است که به وسیله سدر و مانند آن هم صورت خود را نپوشاند.

مسئله ۱۵۹- پوشانیدن قسمتی از صورت، به طوری که به

آن نقاب و برقع نگویند حرام نیست. همچنین پوشانیدن در حال خواب به وسیله لحاف و گذراندن صورت بر بالش، یا پوشانیدن به وسیله دست، مانعی ندارد.

مسأله ۱۶۰- بر زنان واجب است که به هنگام نماز سر خویش را بیوشانند، و بدین منظور برای این که یقین حاصل کنند می‌توانند مقداری از صورت را نیز با مقنعه و مانند آن بیوشانند.

مسأله ۱۶۱- جایز است زن چادر خود را پایین بکشد، به طوری که نصف یا تمام صورت را فراگیرد، و احتیاط آن است که به صورت نچسبد، و در صورتی که نامحرمی نباشد صورت را باز نگه دارد (باز بودن گردی صورت در غیر حال احرام نیز جایز است).

مسأله ۱۶۲- کفاره پوشانیدن صورت برای زنان، بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند است، و می‌توان این احتیاط را ترک کرد.

سؤال ۱۶۳- هرگاه زن محرم از مقنعه‌ای استفاده کند که روی چانه را تا لبها بیوشاند، چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد؛ هر چند بهتر آن است که مقنعه روی خط چانه باشد.

سؤال ۱۶۴- آیا زن مُحَرَّم می‌تواند صورت خود را با حوله خشک کند.

جواب: خشک کردن صورت برای زنان با حوله مانعی ندارد. به شرط اینکه تمام صورت را نپوشانند.

سؤال ۱۶۵- صورت خانمهای محرم در حال پوشیدن یا درآوردن مقنعه خواه و ناخواه پوشیده می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: این مقدار مانعی ندارد.

۵- زینت کردن

مسأله ۱۶۶- جایز نیست مردان انگشتر زینتی بپوشند؛ ولی انگشترهایی که برای ثواب در دست می‌کنند، اگر جنبه تزئینی نداشته باشد، بی‌اشکال است. بنابراین اگر انگشتر زینتی باشد، باید از پوشیدن آن خودداری کند، خواه به قصد زینت باشد، یا نباشد.

مسأله ۱۶۷- اگر انگشتری به دست کند، نه برای زینت و نه برای استحباب، مثل آن که برای خاصیتی به دست کند، و عرفاً جنبه زینتی نداشته باشد، اشکال ندارد.

مسئله ۱۶۸- پوشیدن زینت آلات مطلقاً برای زنان در حال احرام جایز نیست؛ اما زینت آلاتی که قبلاً به طور معمول آن را می پوشیده، اگر در حال احرام پنهان باشد مانعی ندارد، و آنها را نباید به مردان نشان بدهد؛ حتی به شوهر خود.

مسئله ۱۶۹- بستن «حنا» برای مردان و زنان، اگر جنبه زینت داشته باشد، در حال احرام جایز نیست.

مسئله ۱۷۰- احتیاط واجب آن است که محرم، خواه زن باشد یا مرد، از پوشیدن هرگونه زینت آلات دیگر نیز اجتناب کند؛ حتی احرامی زینتی، یا نعلین زینتی نپوشد، و از هرگونه آرایش سر و صورت و سایر اعضای بدن پرهیز نماید.

مسئله ۱۷۱- رنگ کردن موها، در صورتی که به آن تزیین گفته شود، برای محرم اشکال دارد؛ هر چند قصد زینت نکرده باشد، و در صورتی که جنبه تزیین نداشته باشد (مثل این که برای درمان حنا ببندد) مانعی ندارد. همچنین رنگ کردن موها و بستن حنا قبل از احرام، به طوری که اثرش تا موقع احرام باقی بماند، اشکالی ندارد؛ مگر این که از اول قصدش تزیین برای حالت احرام باشد، که معمولاً کسی این کار را نمی کند.

مسئله ۱۷۲- پوشیدن زیور آلات برای زنان در حال احرام حرام است، ولی کفاره ندارد.

سؤال ۱۷۳- در مورد زینت کردن زن در حال احرام فرموده اید: «اگر به قصد بقاء زینت قبل از احرام زینت کند، و اثرش پس از احرام نیز باقی باشد، اشکال دارد» آیا حکم مزبور تکلیفی است، یا وضعی؟

جواب: حکم مذکور تکلیفی است، و احرام او باطل نمی شود، و کفاره ای ندارد.

۶- سرمه کشیدن

مسئله ۱۷۴- سرمه کشیدن برای زنان و مردان با مواد سیاه، یا غیر آن، اگر جنبه زینت داشته باشد در حال احرام حرام است، و اگر جنبه زینت ندارد، مثلاً برای درمان چشم استفاده شود و شکل زینت به خود نگیرد، اشکالی ندارد.

مسئله ۱۷۵- سرمه کشیدن در حال احرام موجب کفاره نمی شود؛ مگر این که بوی خوش در آن باشد، که در این صورت اگر عمداً سرمه بکشد احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۱۷۶- در صورتی که محرم به خاطر درمان و مانند آن احتیاج به سرمه کشیدن داشته باشد مانعی ندارد.

۷- نگاه کردن در آینه

مسأله ۱۷۷- نگاه کردن در آینه برای تزیین خود و اصلاح سر و وضع خویش در حال احرام حرام است؛ خواه مرد باشد، یا زن؛ اما برای هدفهای دیگر، مثل نگاه کردن رانندگان در آینه برای دیدن اطراف اتومبیل، یا نگاه کردن پزشک برای دیدن دهان و دندان بیمار، یا نگاه به آینه بی آن که عکس خویش را در آن ببیند، یا نگاه کردن به آینه برای دیدن محلّ زخم صورت و مانند آن، مانعی ندارد.

مسأله ۱۷۸- نگاه کردن در آب صاف و اشیاء صیقلی برای اصلاح سر و وضع خویش، حکم نگاه در آینه را دارد، و در حال احرام جایز نیست.

مسأله ۱۷۹- احتیاط مستحب آن است که به آینه نگاه نکند؛ هر چند برای زینت کردن نباشد.

مسأله ۱۸۰- اگر بدون اختیار چشمش به آینه بیفتد اشکالی

ندارد؛ و بهتر این است که در ایام حج، در اطاقهایی که افراد محرم سکونت دارند، و نیز در آسانسورها، روی آینه چیزی بکشند که نگاه غیر اختیاری افراد محرم نیز به آن نیفتد.

مسأله ۱۸۱- نگاه کردن به آینه موجب کفّاره نمی‌شود، ولی مستحب است بعد از نگاه کردن لبتیک بگوید.

مسأله ۱۸۲- نگاه کردن در شیشه اطاق، یا شیشه عینک که پشت آن پیدا است، در حال احرام بی مانع است، ولی اگر عینک زینتی باشد استفاده از آن برای محرم، خواه مرد باشد یا زن، جایز نیست.

سؤال ۱۸۳- آیا عکس گرفتن در حال احرام، یا فیلمبرداری در این حال، اشکال دارد؟ چون عکس گیرنده به شیشه دوربین، که حالت شفاف و آینه ماندی دارد، نگاه می‌کند.

جواب: عکس‌برداری و فیلم‌برداری در حال احرام اشکالی ندارد.

۸- استعمال بوی خوش

مسأله ۱۸۴- استعمال بوی خوش، مانند انواع عطرها،

مُشک، زعفران، گلاب و غیر آن، خواه از طریق بوییدن باشد، یا مالیدن بر بدن و لباس، یا پراکندن در فضای اطاق به وسیله اسپری، یا خوردن غذاهای معطر، بر مرد و زن مُحرم حرام است.

مسئله ۱۸۵- خوردن میوه‌های خوشبو مانند سیب و پرتغال و مانند آن مانعی ندارد؛ ولی بهتر است از بوییدن آنها خودداری شود.

مسئله ۱۸۶- احتیاط واجب آن است که از تمام انواع گلها و سبزیهایی که بوی خوش می‌دهد اجتناب شود.

مسئله ۱۸۷- خرید و فروش عطریات در حال احرام اشکالی ندارد، ولی نباید حتی به عنوان امتحان آنها را ببوید، یا استعمال کند.

مسئله ۱۸۸- احتیاط آن است که محرم از «دارچین»، «زنجبیل»، «هیل» و هر آنچه بوی خوش دارد، اجتناب کند.

مسئله ۱۸۹- محرم نمی‌تواند با صابونهای عطری، یا شامپوهای معطر، خود را بشوید، و لازم است از گذاشتن این‌گونه اشیاء در کنار لباس احرامی خود، که سبب بوگرفتن آنها می‌شود، خودداری کند.

مسئله ۱۹۰- هرگاه محرم در جایی قرار گیرد که بوی خوش در آنجا باشد، باید چیزی در برابر بینی خود بگیرد که بوی خوش را استشمام نکند؛ مگر این که موجب عسر و حرج شود، ولی اگر از محلی بگذرد که بوی بد در آنجاست، نباید بینی خود را بگیرد، اما می‌تواند به سرعت از آنجا بگذرد.

مسئله ۱۹۱- اگر ناچار شود لباسی که بوی خوش می‌دهد بپوشد، یا غذایی که بوی خوش دارد بخورد، باید چیزی در برابر بینی خود قرار دهد که بوی خوش را استشمام نکند؛ مگر این که موجب عسر و حرج شود.

مسئله ۱۹۲- مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه (چیزی که کعبه را با آن خوشبو می‌کنند) حرام نیست؛ ولی چون معلوم نیست خلوق کعبه چیست احتیاط آن است که از بوی خوشی که فعلاً به کعبه می‌مالند نیز اجتناب شود.

مسئله ۱۹۳- اگر عمداً بوی خوش استعمال کند، کفاره آن بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند است.

مسئله ۱۹۴- اگر در زمان واحد به طور مکرر بوی خوش استعمال کند، بعید نیست یک گوسفند کفایت کند؛ ولی احتیاط

در تعدّد است، و چنانچه در زمانهای مختلف از بوی خوش استفاده نماید، تکرار کفّاره را ترک نکند، و اگر پس از استفاده از بوی خوش کفّاره دهد، و دوباره بوی خوش استعمال کند، واجب است مجدداً کفّاره دهد.

سؤال ۱۹۵- آیا برای محرم جایز است از صابون، یا شامپوهایی که بویی دارد - هر چند بوی خیلی خوشی نیست - استفاده کند؟

جواب: اگر صدق بوی خوش می‌کند باید از آن اجتناب نماید؛ در غیر این صورت مانعی ندارد، و اگر مشکوک هم باشد، اشکالی ندارد.

۹- مالیدن انواع روغن‌ها و کره‌ها به بدن

مسأله ۱۹۶- مالیدن هر نوع روغن و کرم به بدن، خواه معطر باشد یا نه، برای محرم جایز نیست؛ حتی مالیدن روغنهای خوشبو قبل از احرام در صورتی که عطر آن در حال احرام باقی بماند ممنوع است؛ اما روغن و کرم غیر معطر قبل از احرام مانعی ندارد.

مسأله ۱۹۷- مالیدن انواع پمادهای طبی بر بدن برای معالجه و درمان مانعی ندارد.

مسأله ۱۹۸- خوردن غذاهای چرب، هر چند اطراف دست و دهان را چرب کند، برای محرم جایز است.

مسأله ۱۹۹- خوردن روغن اگر بوی خوش - همانند بوی زعفران - نداشته باشد، مانعی ندارد.

مسأله ۲۰۰- اگر در روغن بوی خوش باشد کفّاره آن یک گوسفند است؛ هر چند از روی اضطرار باشد، و اگر بوی خوش نداشته باشد، در صورت مالیدن به بدن، کفّاره آن نیز بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

۱۰- ناخن گرفتن

مسأله ۲۰۱- گرفتن ناخن دست یا پا، حتی گرفتن یک ناخن یا بعضی از آن، بر محرم حرام است؛ ولی اگر ناخن آسیب دیده، و ماندن آن ضرر دارد، یا مایه ناراحتی شدید است، می‌تواند آن را قطع کند.

مسأله ۲۰۲- تفاوتی در گرفتن ناخن‌ها با قیچی و ناخن‌گیر و حتی با دندان نیست.

مسأله ۲۰۳- در آنچه که گفته شد تفاوتی میان انگشت اضافی و غیر آن نیست (بنابر احتیاط واجب).

مسأله ۲۰۴- هرگاه گرفتن ناخن از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، چیزی بر او نیست، و اگر از روی عمد باشد، کفاره گرفتن هر ناخن یک مدّ طعام است؛ (حدود ۷۵۰ گرم) و هرگاه تمام ناخن دستها را بگیرد، کفاره آن یک گوسفند است. همچنین اگر تمام ناخنهای دست و پا را در یک مجلس بگیرد، کفاره آن یک گوسفند است؛ اما اگر ناخن دستها را در یک مجلس، و ناخن پاها را در مجلس دیگر بگیرد، کفاره آن دو گوسفند است.

مسأله ۲۰۵- هرگاه تمام ناخن دستها را بگیرد، ولی تمام ناخن پاها را نگیرد، یک گوسفند برای ناخن دستها کفاره می‌دهد، و برای هر یک از ناخنهای پا، یک مدّ طعام به نیازمند می‌پردازد. همچنین اگر تمام ناخن پاها را بگیرد، ولی تمام ناخن دستها را نگیرد.

مسأله ۲۰۶- اگر پنج ناخن دست و پنج ناخن پا را بگیرد، باید برای یک از ناخنها یک مدّ طعام کفاره بدهد. همچنین اگر کمتر

از ده ناخن از دستها یا پاها را بگیرد.

مسأله ۲۰۷- اگر بیش از ده ناخن داشته باشد، و تمام ناخنها را بگیرد، باید یک گوسفند کفاره بدهد، و احتیاط مستحب آن است که برای هر یک از ناخنهای اضافه بر ده ناخن اصلی، کفاره مدّ طعام بدهد.

مسأله ۲۰۸- هرگاه شخصی بیش از ده ناخن دارد، و ده ناخن اصلی را در حال احرام بگیرد، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد، ولی اگر بعضی از ناخنهای اصلی و بعضی از ناخنهای اضافه را بگیرد، برای هر یک از ناخنهای اصلی یک مدّ طعام، و برای هر یک از ناخنهای اضافی نیز، بنابر احتیاط مستحب، یک مدّ طعام می‌پردازد.

مسأله ۲۰۹- اگر ناچار به گرفتن ناخن شود، احتیاط واجب آن است که کفاره آن را - به همان شرحی که گذشت - بپردازد.

سؤال ۲۱۰- گرفتن ناخن شخص غیر محرم توسط محرم چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد.

۱۱- زیر سایه رفتن در حال احرام (برای مردان)

مسأله ۲۱۱- مرد محرم هنگام سفر نباید زیر سایه برود، یا سایبانی مانند چتر بر سر بگیرد. بنابراین، سوار شدن بر هواپیما، یا اتومبیل سر پوشیده، و مانند آن، هنگام روز برای مردان محرم جایز نیست؛ ولی برای زنان و بچه‌ها جایز است، و کفاره‌ای هم ندارد.

مسأله ۲۱۲- در منازل وسط راه، یا در مکه، عرفات، مشعر و منی، رفتن زیر خیمه و سقف منزل مانعی ندارد؛ هر چند در حال راه رفتن باشد. همچنین گذشتن از بازارهای سر پوشیده، و تونلهایی که برای عابران درست کرده‌اند، بی مانع است.

مسأله ۲۱۳- گذشتن از زیر پلهای وسط راه مانعی ندارد. همچنین بودن در سایه‌ای که از دیواره‌های اتومبیل سرباز به وجود می‌آید، جایز است.

مسأله ۲۱۴- در این حکم فرقی بین افراد پیاده و سواره نیست.

مسأله ۲۱۵- در مواقعی که سایبان اثری برای حفظ از آفتاب و باران ندارد، رفتن مردان محرم زیر سایبان در حال سفر

مانعی ندارد. بنابراین، مردان محرم می‌توانند در شبها، یا بین الطلوعین، یا روزهای کاملاً ابری، از ماشین سقف دار یا هواپیما استفاده کنند؛ ولی در شبهای بارانی استفاده از سایبان کفاره دارد.

مسأله ۲۱۶- کسانی که نذر کرده‌اند از کشور خود احرام ببندند، و ناچارند با هواپیما به مکه مُسَرَف شوند، نذر آنها صحیح است، و باید در کشورشان محرم شوند، ولی برای زیر سقف بودن در حال سفر، باید کفاره بدهند.

مسأله ۲۱۷- برای بیماران، و کسانی که از حرارت آفتاب شدیداً ناراحت می‌شوند، یا تابش آفتاب به آنها زیان می‌رساند، جایز است از ماشین سقف دار و مانند آن استفاده کنند؛ اما باید کفاره بدهند.

مسأله ۲۱۸- هرگاه محرم از روی سهو و فراموشی، یا جهل، به هنگام سفر زیر سایه برود، کفاره ندارد؛ اما اگر عمدتاً، یا به خاطر ضرورتی باشد، کفاره دارد، و کفاره آن یک گوسفند برای هر احرام است؛ یعنی برای مجموع احرام عمره یک گوسفند، و برای مجموع احرام حج نیز یک گوسفند واجب است.

سؤال ۲۱۹- طبق فتوای حضرتعالی، محرم از منزل خود در مکه تا مسجدالحرام می‌تواند از ماشین سقف‌دار استفاده کند. آیا کسانی که در مسجدالحرام برای حج احرام می‌بندند نیز می‌توانند در مکه زیر سقف بروند؟

جواب: در شهر مانعی ندارد؛ هر چند در حال حرکت به سوی عرفات باشد، ولی هنگامی که به خارج شهر رسید سایبان جایز نیست؛ مگر این که شب باشد.

سؤال ۲۲۰- استظلال برای شخصی که از تنعیم محرم می‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: با توجه به این که تنعیم در حال حاضر جزء شهر مکه شده و مکه منزل است، استظلال در فرض سؤال اشکالی ندارد.

سؤال ۲۲۱- افرادی که از مسجد شجره محرم شده، و شبانه با ماشین سقف‌دار به سمت مکه حرکت کرده‌اند، نزدیک طلوع آفتاب در ماشین به خواب رفته، و پس از طلوع آفتاب بیدار شده، و بلافاصله ماشین را متوقف کرده‌اند. آیا برای مدتی که در حال حرکت روزانه در زیر سقف بوده‌اند کفاره‌ای به آنها تعلق

می‌گیرد؟ اکنون که ماشین توقف کرده و می‌خواهند با حرکت در زیر سقف از ماشین پیاده شوند، چه حکمی دارد؟

جواب: در این صورت کفاره‌ای لازم نیست.

سؤال ۲۲۲- پیاده و سوار شدن از ماشینی که ایستاده، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف جلو ماشین باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۲۲۳- آیا استظلال مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید است، یا شامل سایه حاصل از تابش مایل خورشید هم می‌شود؟

جواب: سایه دیوارهای ماشین بدون سقف و مانند آن مانعی ندارد.

سؤال ۲۲۴- آیا استظلال مربوط به سایه‌ای است که بر سر محرم می‌افتد، یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد نیز حکم استظلال دارد؟

جواب: در فرض سؤال، که سایه بر سر نیست، مانعی ندارد.

سؤال ۲۲۵- در شهر مکه تونلهائی وجود دارد که طول آن بیش از هزار متر است. آیا محرم می‌تواند با اتومبیل مسقف از آن عبور کند؟

جواب: مانعی ندارد؛ زیرا داخل شهر است.

سؤال ۲۲۶- آیا محرم به محض رسیدن به شهر مکه می‌تواند از سایه استفاده کند، یا این کار بعد از رسیدن به محل اقامت و منزل جایز است؟

جواب: با رسیدن به مکه استظلال مانعی ندارد.

سؤال ۲۲۷- با ماشین بدون سقف در حال احرام به سمت مکه حرکت کردیم، برای نوشیدن آب مجبور شدم به قسمت جلو اتوبوس که مسقف است بروم. آیا مرتکب خلافی شده و باید کفاره بپردازم؟

جواب: این کار جایز نیست، و اگر عمداً باشد کفاره دارد، و کفاره آن یک گوسفند برای تمام مدت احرام است؛ ولی اگر در شب غیر بارانی باشد اشکال ندارد.

سؤال ۲۲۸- یکی از خدمه کاروان‌ها مجبور است به عنوان راهنما به همراه زنان با ماشین سقف‌دار روزانه به سوی مکه

حرکت کند، چه حکمی دارد؟

جواب: رفتن زیر سایه در موقع ضرورت جایز است، ولی کفاره دارد، و کفاره آن برای هر احرام یک گوسفند است.

سؤال ۲۲۹- برخی از حجاج، که برای عمره مفرده محرم می‌شوند، مجبورند روزانه و با ماشین مسقف حرکت کنند، و در بین راه برای نماز و غذا چند مرتبه پیاده و سوار می‌شوند. چند کفاره بر آنان واجب است؟

جواب: برای تمام مدت احرام عمره، یا تمام مدت احرام حج، یک کفاره کافی است.

۱۴- زایل کردن هو از بدن

مسأله ۲۳۰- مُحرم نباید مو از بدن خود جدا کند؛ خواه با تراشیدن باشد، یا قیچی کردن، یا کندن به هر وسیله دیگر (مثلاً به وسیله دارو)، خواه شخصاً این کار را انجام دهد، یا دیگری را وادارد تا او را اصلاح نماید؛ حتی جدا کردن یک مو از بدن جایز نیست، و فرقی میان اعضای بدن نمی‌باشد.

مسأله ۲۳۱- در حرمت جدا کردن مو از بدن، تفاوتی بین کم و زیاد بودن موی ازاله شده نیست، بلکه همان‌گونه که گفته شد ازاله یک مو نیز حرام است؛ هر چند از نظر کفاره تفاوت دارد.

مسأله ۲۳۲- اگر بداند شانه زدن موی سر و صورت، سبب جدایی موها می‌شود جایز نیست؛ بلکه احتیاط مستحب آن است که از شانه کردن موها در حال احرام مطلقاً خودداری کند، و هنگام خاراندن بدن نیز باید مواظب باشد مویی جدا نشود.

مسأله ۲۳۳- هرگاه داشتن مو سبب بیماری، یا ناراحتی شدید گردد، جایز است آن را زایل کند؛ ولی کفاره دارد.

مسأله ۲۳۴- اگر به هنگام انجام وضو یا غسل، مویی بدون قصد کنده شود اشکالی ندارد.

مسأله ۲۳۵- هرگاه عمداً سر خود را بتراشد، یا موهای زیر هر دو بغل یا یکی را زایل کند، کفاره آن یک گوسفند است؛ ولی اگر از روی ضرورت سر خود را بتراشد مخیر است میان یک گوسفند، یا سه روز روزه، یا اطعام شش فقیر، که به هر کدام دو مدّ طعام (تقریباً یک کیلو و نیم) بدهد، و احتیاط واجب آن است که در زایل کردن موی زیربغل نیز همین کفاره را بدهد؛

اما اگر مقداری از موی سر، یا صورت، یا زیر بغل، یا زیر گلو، و مانند آن را زایل کند، کافی است یک فقیر را اطعام نماید.

مسأله ۲۳۶- اگر موی سر را به غیر تراشیدن ازاله کند، احتیاط واجب آن است که کفاره تراشیدن را بدهد.

مسأله ۲۳۷- اگر از روی ندانستن مسأله، یا فراموشی، یا غفلت، موی بدن را زایل کند کفاره ندارد، و هرگاه در موقع وضو و غسل دست بر بدن بکشد، و موهایی کنده شود، همان طور که گفته شد، کفاره‌ای ندارد؛ اما اگر بدون هدف دست بر سر و صورت یا بدن خود بکشد، و موهایی از او جدا شود، احتیاط واجب آن است که مقداری غذا به فقیر بدهد.

مسأله ۲۳۸- محرم نمی‌تواند مو از بدن دیگری زایل کند. خواه طرف مقابل مُحَرَّم باشد، یا غیر مُحَرَّم، خواه با تیغ باشد، یا با وسیله دیگر؛ ولی این کار کفاره‌ای ندارد. بنابراین، باید دقت کرد که در منی به هنگام بیرون آمدن از احرام، افراد محرم نمی‌توانند سر دیگران را بتراشند، یا اصلاح کنند؛ بلکه اول باید خودشان از احرام خارج شوند، و بعد چنین کنند.

سؤال ۲۳۹- مُحَرَّمی سرش را شسته و موهایش خیس است.

اگر صبر کند تا موها به طور طبیعی خشک شود و سپس وضو بگیرد، نمازش به تأخیر می‌افتد. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: مانعی ندارد سرش را با حوله خشک کند، و سپس وضو بگیرد، ولی حوله را آهسته بکشد، تا مویی جدا نشود، همچنین دقت نماید تا همه سر را نپوشاند.

سؤال ۲۴۰- هرگاه شخصی که از احرام خارج شده موهای شخص محرم را بتراشد یا کوتاه کند، یا یکی دیگر از کارهایی که بر محرم حرام است برای او انجام دهد، مانند گرفتن ناخن یا زینت کردن او و امثال آن، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که محرم به میل و اختیار حاضر به این کار شود، مرتکب کار حرامی شده و باید کفاره بدهد؛ ولی چنانچه بدون اختیار، یا از روی فراموشی بوده، کفاره‌ای برای هیچ کدام ندارد.

۱۳- عقد ازدواج

مسئله ۲۴۱- ازدواج کردن در حال احرام برای مُحرم، اعم از زن و مرد، جایز نیست؛ خواه خودش صیغه عقد را بخواند، یا به

دیگری وکالت دهد که این کار را انجام دهد. خواه عقد دائم باشد یا موقت، و در هر صورت عقد او باطل است، و هرگاه علم به حرام بودن آن داشته باشد، و اقدام به این کار کند، آن همسر برای او حرام ابدی خواهد شد.

مسئله ۲۴۲- جایز نیست مُحرم برای دیگری صیغه عقد بخواند، هرچند او مُحرم نباشد، و در این صورت نیز عقد او باطل است؛ اما حرام ابدی نمی‌شود، و در هیچ یک از دو صورت فوق کفاره واجب نیست.

مسئله ۲۴۳- جایز نیست مُحرم در مجلس عقد ازدواج به عنوان شاهد حضور پیدا کند. همچنین (بنا بر احتیاط واجب) جایز نیست شهادت بر انجام عقد ازدواج دهد؛ هر چند قبل از احرام شاهد عقد بوده باشد، و برای خود یا دیگری خواستگاری کند.

مسئله ۲۴۴- اگر با علم به مسأله، همسری را در حال احرام برای خود عقد کند، همان گونه که گفته شد آن همسر بر او حرام دائمی می‌شود، ولی اگر با جهل به مسأله چنین کاری کند، عقد باطل است، اما حرام ابدی نمی‌شود، و احتیاط مستحب آن

است که با او ازدواج نکند؛ مخصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد.

مسئله ۲۴۵- در احکامی که گفته شد، فرقی بین عقد دائم و موقت نیست.

مسئله ۲۴۶- هرگاه مرد غیر مُحْرِمِ زن مُحْرِمی را عقد کند، احتیاط واجب آن است که او را طلاق دهد، و در صورت علم به مسأله، حرام ابدی نیز می‌شود؛ بنابر احتیاط واجب.

مسئله ۲۴۷- رجوع کردن در حال احرام به زنی که وی را طلاق رجعی داده، اشکالی ندارد.

مسئله ۲۴۸- هرگاه شخص سوّمی زنی را برای کسی که در احرام است عقد کند، و محرم دخول نماید، و هر سه نفر عالم به حکم بطلان باشند، بر هر یک از آنان یک شتر به عنوان کفّاره واجب است، ولی اگر آمیزش صورت نگیرد، بر هیچ کدام کفّاره‌ای واجب نمی‌شود، و در این حکم تفاوتی نیست بین آن که زن و عاقد محرم باشند، یا نباشند، و اگر بعضی از آنها حکم را می‌دانسته، و بعضی دیگر نمی‌دانسته‌اند، کفّاره فقط بر کسی که می‌دانسته واجب است.

۱۴- نگاه کردن

مسئله ۲۴۹- جایز نیست مُحْرِم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند؛ ولی صحبت کردن با او و نگاه بدون قصد لذّت مانعی ندارد و می‌تواند مانند سایر محارم با او معاشرت نماید.

مسئله ۲۵۰- هرگاه به قصد لذّت به همسرش نگاه کند، باید یک گوسفند کفّاره بدهد، و اگر با این کار منی از او خارج شود، احتیاط واجب آن است که یک شتر کفّاره بدهد.

مسئله ۲۵۱- هرگاه عمداً به زن دیگری غیر از همسرش نگاه کند، و با این کار منی از او خارج شود، احتیاط واجب آن است که در صورت توان یک شتر، و اگر نمی‌تواند یک گاو، و اگر قدرت بر آن هم ندارد، یک گوسفند کفّاره دهد.

۱۵- لمس کردن

مسئله ۲۵۲- برای شخص مُحْرِم جایز نیست که دست بر بدن همسرش بگذارد، ولی این کار بدون قصد لذّت مانعی ندارد.

مسأله ۲۵۳- هرگاه به قصد لذت بدن همسرش را لمس نماید، باید یک گوسفند کفاره دهد، و اگر با این کار انزال منی شود، کفاره آن بنابر احتیاط واجب یک شتر است.

سؤال ۲۵۴- آیا شوهر پس از خروج از احرام می‌تواند زوجه در حال احرامش را از روی شهوت لمس کند؟

جواب: برای شوهر اشکالی ندارد؛ ولی اگر زن نیز از این کار لذت می‌برد احتیاط آن است که به این کار رضایت ندهد.

۱۶- بوسیدن

مسأله ۲۵۵- جایز نیست مُحَرَّم همسر خود را از روی شهوت ببوسد، و احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را نیز ترک کند.

مسأله ۲۵۶- اگر همسرش را به قصد لذت ببوسد، کفاره آن یک شتر است؛ خواه انزال شود، یا نشود.

مسأله ۲۵۷- اگر زنی را از روی شهوت ببوسد، کفاره آن بنابر احتیاط واجب یک شتر است، و اگر بدون شهوت باشد، یک گوسفند کفاره دارد.

سؤال ۲۵۸- مردی از احرام خارج می‌شود، سپس همسرش را که هنوز در احرام است می‌بوسد، هر چند زن راضی به این کار نبوده است. حکم زن و مرد در این مسأله چیست؟

جواب: اگر زن اختیاری نداشته و راضی نبوده، چیزی بر او نیست، و بر مرد هم کفاره‌ای واجب نشده است.

۱۷- نزدیکی کردن

مسأله ۲۵۹- نزدیکی با همسر در حال احرام عمره مفرده حرام است، و آن دو حالت دارد:

اگر قبل از اتمام سعی صفا و مروه باشد عمره او باطل است، و یک شتر باید کفاره بدهد، و احتیاط واجب آن است که عمره را تمام کرده، و یک ماه صبر کند، سپس به یکی از میقاتها رفته مجدداً احرام ببندد، و عمره مفرده را اعاده کند، و فرقی میان عمره واجب و مستحب نیست؛ اما اگر بعد از سعی (و قبل از تقصیر) باشد، عمره او باطل نخواهد شد.

مسأله ۲۶۰- هرگاه از روی فراموشی، یا غفلت، یا ندانستن مسأله نزدیکی کند، ضرری به عمره او نمی‌زند، و کفاره هم

ندارد. بنابراین، احکام فوق مربوط به کسی است که عالماً آن را انجام می‌دهد.

مسئله ۲۶۱- هرگاه مرد محرم با همسر خود، که وی نیز محرم است، از روی اجبار نزدیکی کند، چیزی بر زن نیست، ولی مرد در صورت علم و عمد علاوه بر کفاره خود، باید کفاره زن را نیز بدهد؛ اما اگر این کار با علم و رضایت زن صورت گیرد، هر کدام باید یک کفاره - به شرحی که گذشت - بدهند.

مسئله ۲۶۲- کفاره در همه این موارد، بنابر احتیاط واجب، یک شتر است، و فرقی میان همسر دائم و موقت نیست. همچنین نزدیکی از جلو و عقب در این احکام یکسان است.

۱۸- استمناء کردن

مسئله ۲۶۳- هرگاه مُحْرِم با خود بازی کند و منی از او خارج شود، حکمش حکم کسی است که با زنی نزدیکی کرده باشد، که شرح آن در مسائل سابق گذشت، و اگر با همسر خود بازی کند، یا به وسیله نگاه کردن، یا فکر و تصوّر کردن چنان صحنه‌هایی، منی از او خارج گردد، کفاره بر او واجب است؛ بلکه

بنابر احتیاط واجب تمام احکام جماع را، که در مسائل سابق گذشت، دارد.

۱۹- کشتن حشرات

مسئله ۲۶۴- احتیاط واجب آن است که مُحْرِم حشرات (مانند پشه، مگس، مورچه و امثال آن) را نکشد؛ چه روی بدن یا لباس او باشد، یا جای دیگر. بلکه احتیاط واجب آن است که هیچ جنده‌ای را به قتل نرساند، مگر این که مایه آزار او شوند، یا از حیوانات موذی و خطرناک، مثل مار و عقرب و مانند آن باشد؛ حتی احتیاط واجب آن است که حشرات مذکور را از روی بدن نیفکند، و اگر از روی خطا چنین کند، مقداری طعام به فقیر دهد.

مسئله ۲۶۵- احتیاط واجب آن است که حشرات را از مکانی که محفوظ است به جایی که در معرض سقوط است منتقل نکند؛ بلکه احتیاط آن است که مطلقاً از محلی به محل دیگر منتقل ننماید؛ مگر این که مکان دوم محفوظتر باشد.

مسئله ۲۶۶- کشتن و انتقال حشرات در حال احرام کفاره

دارد، و کفاره آن، خواه عمداً باشد یا از روی خطا، مقداری طعام است.

۲۰- بیرون آوردن خون از بدن

مسئله ۲۶۷- بیرون آوردن خون از بدن، خواه به وسیله حجامت باشد، یا جراحی، یا مسواک نمودن، یا خاراندن بدن، به طوری که خون از آن خارج شود، در غیر حال ضرورت مکروه است، و چون جمعی از فقها آن را حرام می‌دانند، احتیاط مستحب ترک آن است.

مسئله ۲۶۸- بهتر است در حال احرام از دادن خون به روش امروز نیز خودداری کند؛ مگر در مواقع ضرورت و برای حفظ جان مسلمان.

مسئله ۲۶۹- بیرون آوردن خون از بدن کفاره‌ای ندارد.

سؤال ۲۷۰- تزریق آمپول برای تزریق کننده و تزریق شونده، که در حال احرام است، چه حکمی دارد؟

جواب: تزریق آمپول در حال احرام مانعی ندارد؛ ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن گردد مکروه است.

سؤال ۲۷۱- آیا می‌توان پوستهای زاید را، که از لبها یا کنار ناخن‌ها بر آمده، از بدن جدا کرد؟

جواب: در صورتی که خون نیاید اشکالی ندارد، و اگر خون بیاید مکروه است، و در هر حال کفاره‌ای ندارد.

۲۱- کشیدن دندان

مسئله ۲۷۲- کشیدن، یا کندن، یا جرم‌گیری، یا پر کردن دندان، اگر باعث خونریزی شود در حال احرام مکروه است، ولی اگر موجب خونریزی نشود اشکالی ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب ترک آن است.

مسئله ۲۷۳- کفاره کشیدن دندان در حال احرام، بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند است.

سؤال ۲۷۴- آیا منظور از کشیدن دندان - که در فرض خونریزی مکروه است - دندان شخص محرم است، یا شامل دندان دیگری هم می‌شود؟ مثلاً اگر دندانپزشک محرم باشد، و دندان شخص محرم یا غیر محرمی را بکشد آیا کراهت دارد؟

جواب: شامل دندان غیر نمی‌شود.

سؤال ۲۷۵- آیا در حال احرام می‌توان دندان‌هایی که شدیداً درد دارد، و دکتر سفارش به کشیدن آن کرده، را کشید هر چند باعث خونریزی شود؟

جواب: خارج کردن خون از بدن در حال احرام چه در حال ضرورت و غیر ضرورت حرام نیست، ولی مکروه است و کفاره‌ای هم ندارد.

۲۲- دروغ و دشنام و تفاخر

مسئله ۲۷۶- دروغ گفتن و دشنام دادن در همه حال حرام است، ولی در حال احرام به خصوص نهی شده است؛ یعنی از کارهایی است که مُحَرِّم باید آن را ترک کند، بلکه احتیاط واجب آن است که از اظهار برتری بر دیگران، یا بیان نقص دیگران نسبت به خود، نیز اجتناب کند، و این سه کار (دروغ، دشنام و تفاخر) مطابق بعضی از روایات معصومین علیهم‌السلام در معنی «فسوق» در آیه شریفه «فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ»^۱ جمع است.

۱. سوره بقره، آیه ۱۷۹.

مسئله ۲۷۷- هرگاه مُحَرِّم هر یک از امور سه گانه فوق را انجام دهد کار خلافی کرده، ولی احرام او باطل نمی‌شود، و کفاره آن استغفار است، و بهتر این است که انسان در حال احرام زبان خود را از هر سخن ناروا و زشت حفظ کند، و جز به نیکی سخن نگوید.

سؤال ۲۷۸- در بین مردم معروف است که شخص محرم نباید به کسی دستور بدهد؛ بلکه باید خود کارهایش را انجام دهد. آیا چنین مطلبی صحیح است؟ اگر در حال احرام به کسی دستور دهد آیا گناه کرده و کفاره دارد؟

جواب: این کار اشکال ندارد؛ ولی تفاخر و برتری جوئی حرام است.

۲۳- مجادله و نزاع

مسئله ۲۷۹- «جدال» در حال احرام ممنوع است، همان گونه که در آیه شریفه ۱۷۹ سوره بقره به آن اشاره شده است، و منظور از «جدال» در اینجا آن است که از روی خصومت و دشمنی برای اثبات مطلبی در مقابل دیگری به خدا سوگند یاد

کند، و بگوید: «بَلَىٰ وَاللَّهِ...؛ آری، به خدا سوگند که مطلب چنین است» یا برای نفی مطلبی بگوید: «لَا وَاللَّهِ...؛ نه، به خدا سوگند مطلب چنین نیست» و فرقی میان عربی و فارسی و زبانهای دیگر نمی‌باشد؛ بلکه هر عبارتی که این مفهوم را برساند در حال احرام حرام است.

مسئله ۲۸۰- گفتن کلمه «لَا» و «بَلَىٰ» و مرادف آن در سایر زبانها، مثل «نه» و «آری» در فارسی، جدال نیست؛ بلکه قسم خوردن برای اثبات یا ردّ مطلبی، از روی خصومت و مخالفت جدال است.

مسئله ۲۸۱- اگر قسم به غیر «الله» و خداوند باشد، حکم جدال ندارد.

مسئله ۲۸۲- سایر نامهای خداوند نیز حکم لفظ جلاله (الله) را دارد؛ (بنابر احتیاط واجب) بنابراین اگر مُحرم در مقام خصومت و مجادله برای اثبات یا نفی مطلبی در مقابل دیگری، به «رحمان» یا «رحیم» یا «خالق آسمان و زمین» و مانند آن قسم بخورد، جدال محسوب می‌شود.

مسئله ۲۸۳- در مقام ضرورت قسم به لفظ جلاله، یا سایر اسما

الله، برای شخص محرم، جهت اثبات حقّ یا ابطال باطلی جایز است.

مسئله ۲۸۴- در موضوع جدال سوگند دروغ و راست یکسان است؛ ولی اگر قسم دروغ باشد، کفّاره آن در همان مرتبه اول یک گوسفند است، و احتیاط آن است که برای دو بار قسم دروغ یک گاو، و برای سه بار یک شتر کفّاره دهد، و اگر راست باشد، چنانچه سه مرتبه تکرار کند کفّاره اش یک گوسفند می‌باشد؛ اما کمتر از سه بار کفّاره ندارد؛ هر چند در حال احرام کار خلافی کرده، و باید استغفار کند.

مسئله ۲۸۵- اگر محرم بیش از سه مرتبه قسم راست بخورد، هر مقدار که باشد، کفّاره آن یک گوسفند است؛ مگر آن که بعد از سه مرتبه کفّاره بدهد، که در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند، باید یک گوسفند دیگر کفّاره بدهد.

مسئله ۲۸۶- اگر به دروغ مثلاً ده مرتبه یا بیشتر جدال کند، کفّاره آن بنابر احتیاط یک شتر است؛ مگر این که پس از سه مرتبه یا بیشتر، کفّاره را بپردازد که در این صورت باید در دفعه اول گوسفند، و در دفعه دوم گاو، و در دفعه سوم شتر کفّاره دهد.

مسأله ۲۸۷- بهتر است که در حال احرام از هر نوع مجادله و خصومت بپرهیزد؛ هر چند جمله‌های قسم - که در مسائل قبل گفته شد - در آن نباشد، ولی اظهار تنفر و بیزاری و برائت از دشمنان اسلام، نه تنها ضرری برای احرام ندارد، بلکه از وظائف مسلمین در برابر کفار می‌باشد.

مسأله ۲۸۸- هرگاه از روی محبت (نه به خاطر خصومت) بگوید: «به خدا قسم این کار را نکن» یا بگوید: «به خدا سوگند بگذار من برای تو این کار را انجام دهم» حرام نیست، و کفاره هم ندارد.

۲۴- شکار حیوانات صحرائی

مسأله ۲۸۹- شکار کردن حیوانات صحرائی یا ذبح آنها در حال احرام، حرام است؛ همچنین شکار پرندگان، و در این مورد تفاوتی نمی‌کند که به تنهایی شکار کند، یا به کمک دیگران.

مسأله ۲۹۰- نشان دادن شکار به شخص شکار کننده، یا بستن و نگهداری آن، یا خوردن گوشت شکار (هر چند دیگری شکار کرده، یا خودش قبل از احرام آن را شکار کرده باشد) حرام است.

مسأله ۲۹۱- کشتن ملخ نیز برای محرم جایز نیست؛ بنابراین اگر از راهی بگذرد که ملخ در آن است، چنانچه می‌تواند راه خود را تغییر دهد، و اگر نمی‌تواند باید مواظب باشد ملخ‌ها را حتی الامکان پایمال ننماید، ولی در صورت ناچاری و مشقت و عسر و حرج اشکالی ندارد.

مسأله ۲۹۲- کشتن حیوانات موذی، مانند مار و عقرب و درندگان، در جایی که ایجاد خطر نمایند جایز است.

مسأله ۲۹۳- ذبح حیوانات اهلی، مانند مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر، در حال احرام اشکالی ندارد.

مسأله ۲۹۴- شکار حیوانات دریایی برای محرم جایز است.

مسأله ۲۹۵- منظور از حیوانات دریایی حیواناتی است که تخم‌گذاری و رشد نوزاد آنها هر دو در دریا انجام شود، و در دریا هم زندگی کند.

مسأله ۲۹۶- نگاه داشتن صید در حال احرام بنا بر احتیاط واجب حرام است؛ هر چند مالک آن باشد.

مسأله ۲۹۷- هر حیوانی که شکار آن حرام است، نوزاد و تخم آن نیز حرام است؛ هر چند در دسترس باشد.

مسأله ۲۹۸- اگر محرم شکاری ذبح کند، بنا بر مشهور در حکم میتة (مردار) خواهد بود، و بنا بر احتیاط واجب هیچ کس (چه محرم و چه غیر محرم) نمی‌تواند از آن استفاده کند.

مسأله ۲۹۹- برای کشتن و شکار کردن هر یک از حیوانات صحرائی کفاره‌ای معین شده است، ولی چون در حال حاضر این مسأله چندان مورد ابتلا نیست، و حجاج بیت الله مطلقاً اقدام به شکار نمی‌کنند، از شرح آن صرفنظر می‌شود.

۲۵- حمل اسلحه

مسأله ۳۰۰- محرم نباید با خود اسلحه بردارد؛ خواه اسلحه گرم باشد، یا سرد، بلکه احتیاط آن است که از سلاحهای دفاعی، مانند سپر و امثال آن، نیز استفاده نکند؛ ولی در موقع ضرورت، خطر و ترس از دزد و دشمن و حیوان درنده، حمل هر نوع سلاحی که لازم باشد جایز است.

مسأله ۳۰۱- آنچه ممنوع است حمل نمودن اسلحه با خویش است؛ مانند بستن شمشیر به کمر، و گرفتن تفنگ بر دوش، یا با دست، ولی اگر در خانه و خیمه و اثاثیه خود سلاحی داشته

باشد، برای احرام او ضرر ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که آن را نیز در غیر موارد ضرورت ترک کند.

مسأله ۳۰۲- هرگاه عمداً اسلحه با خود بردارد، احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

قطع درخت و گیاه حرم:

مسأله ۳۰۳- حرمت قطع گیاه و درخت حرم، اختصاص به حال احرام و شخص محرم ندارد؛ بلکه بر همه کس حرام است.

مسأله ۳۰۴- اگر گیاه یا درختی در منزل انسان باشد، چنانچه خودش آن را کاشته باشد قطع آن جایز است، و اگر دیگری کاشته قطع آن نیز مانعی ندارد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که آن را قطع نکند؛ اما قطع درختان و گیاهان خودرو - که قبل از بنای منزل در آن بوده - حرام است.

مسأله ۳۰۵- گیاه اذخر که یکی از گیاهان خوشبو است از حکم بالا مستثنی است و قطع آن مانعی ندارد.

مسأله ۳۰۶- اگر به صورت متعارف و عادی راه برود، و گیاهی بر اثر راه رفتن قطع شود، اشکالی ندارد.

مسئله ۳۰۷- چنانچه درختی را که قطع آن جایز نیست قطع کند، احتیاط آن است که یک گاو کفاره دهد؛ خواه آن درخت بزرگ باشد، یا کوچک.

مسئله ۳۰۸- اگر قسمتی از درخت را قطع کند، نه همه آن را، لازم است قیمت آن را به عنوان کفاره بپردازد.

مسئله ۳۰۹- قطع گیاه حرم کفاره‌ای جز استغفار ندارد.

مسئله ۳۱۰- اگر نایب موجبات کفاره را انجام دهد، کفاره بر عهده خود اوست، نه منوب عنه.

دیگر مسائل محرّمات و کفارات احرام:

مسئله ۳۱۱- هر یک از محرّمات احرام که موجب کفاره است اگر بر اثر جهل به مسأله، یا از روی غفلت، یا فراموشی واقع شود کفاره‌ای ندارد، و ضرری به عمره شخص محرم نمی‌زند، مگر صید که در هر صورت کفاره دارد.

مسئله ۳۱۲- شخصی که بر اثر جهل به مسأله، یا فراموشی حکم، یا موضوع آن، یا بر اثر غفلت، بعضی از محرّمات احرام را بجا آورده، کفاره ندارد، مگر در صید و شکار که در هر صورت

کفاره دارد. بنابراین، به طور کلی در غیر شکار، هرگاه از روی علم و عمد مرتکب محرّمات احرام شود، کفاره واجب می‌گردد.

مسئله ۳۱۳- شرایط قربانی حج تمتع در حیوانی که برای کفاره تقصیر قربانی می‌شود، معتبر نیست، بنابراین می‌توان گوسفند خصی و معیوب را برای این منظور قربانی کرد.

مسئله ۳۱۴- مصرف کفارات فقط فقراء و مستمندان هستند، و احتیاط آن است که کفاره غیر سادات به سادات داده نشود.

مسئله ۳۱۵- تأخیر انداختن انجام کفارات تا هنگام بازگشت به محل مانعی ندارد. بنابراین، می‌تواند گوسفند کفاره را در وطنش ذبح کند، تا صرف فقرای شیعه گردد.

مسئله ۳۱۶- شخص فقیر نمی‌تواند گوشت کفاره خود را به مصرف کسانی که واجب‌النفقه او هستند برساند؛ هر چند نیازمند باشند.

مسئله ۳۱۷- استفاده از گوشت کفاره برای شخصی که کفاره بر او واجب شده جایز نیست.

کفّارات احرام به طور خلاصه

گرچه کفّاره هر یک از محرمات احرام، به هنگام ذکر آنها بیان شد، ولی مناسب است برای سهولت امر همه را یکجا بیاوریم:

کفّاره	کار حرام	ردیف
یک شتر (با تفصیلی که قبلاً ذکر شد)	جماع (آمیزش)	۱
یک گوسفند (بنابر احتیاط واجب)	استعمال بوی خوش	۲
برای هر ناخن یک مدّ طعام (۷۵۰ گرم)	گرفتن کمتر از ده ناخن	۳
یک گوسفند	گرفتن تمام ناخنهای دست یا پا	۴
یک گوسفند	گرفتن تمام ناخنهای دست و پا در یک مجلس	۵
دو گوسفند	گرفتن تمام ناخنهای دست با پا در دو مجلس	۶

۷	قطع درخت حرم قطع گیاه حرم	یک گاو (بنابر احتیاط واجب) استغفار
۸	پوشیدن لباس دوخته حتی در حال ضرورت	یک گوسفند
۹	پوشیدن کفش و جوراب برای مردان	کفاره ندارد
۱۰	پوشانیدن صورت برای زنان	یک گوسفند (احتیاط مستحب)
۱۱	زیر سایه رفتن برای مردان	یک گوسفند
۱۲	تراشیدن سر یا موهای زیر بغل	یک گوسفند
۱۳	تراشیدن سر در حال ضرورت	تخیر بین یک گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام شش فقیر به دو مد طعام
۱۴	زایل کردن موی زیر بغل در حال ضرورت	مانند مورد قبل (بنابر احتیاط واجب)
۱۵	زایل کردن مقداری از موی سر یا صورت یا زیر بغل و مانند آن	اطعام یک فقیر
۱۶	ازدواج برای خود	کفاره ندارد
۱۷	اجرای صیغه عقد برای دیگران	کفاره ندارد
۱۸	نگاه یا لمس همسر بقصد لذت	یک گوسفند
۱۹	نگاه یا لمس همسر با انزال	یک شتر (احتیاط واجب)
۲۰	پوسیدن همسر بقصد لذت	یک شتر
۲۱	کشتن حشرات حتی سهواً	مقداری طعام (بنابر احتیاط واجب)
۲۲	دروغ گفتن، دشنام دادن و تفاخر نمودن	استغفار
۲۳	قسم دروغ	برای هر مرتبه یک گوسفند

۲۴	قسم راست (سه مرتبه)	یک گوسفند
۲۵	قسم راست (کمتر از سه مرتبه)	کفاره ندارد
۲۶	حمل سلاح	یک گوسفند (بنابر احتیاط واجب)
۲۷	سر مه کشیدن	کفاره ندارد
۲۸	نگاه کردن به آینه	کفاره ندارد
۲۹	پوشیدن زیور آلات	کفاره ندارد
۳۰	استعمال روغن که بوی خوش دارد	یک گوسفند
۳۱	خارج کردن خون از بدن	کفاره ندارد
۳۲	کشیدن دندان	یک گوسفند (بنابر احتیاط مستحب)
۳۳	پوشاندن سر	یک گوسفند (بنابر احتیاط واجب)
۳۴	مالیدن روغن	یک گوسفند (بنابر احتیاط واجب)

۲- طواف

مسأله ۳۱۸- دؤم از واجبات عمره، طواف است؛ طواف یعنی هفت دور گردش به دور خانه خدا.

مسأله ۳۱۹- هرگاه طواف را سهواً ترک کند، لازم است هر وقت یادش آمد آن را بجا آورد، و اگر به وطن خود بازگشته و نمی‌تواند یا زحمت شدید دارد که به مکه بازگردد، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد.

شرایط پنج گانه طواف:

اوّل: نیت

مسأله ۳۲۰- باید طواف را با قصد خالص برای خدا بجا آورد؛ زیرا طواف از عبادات است، و بدون نیت همراه با قصد قربت صحیح نیست.

مسألة ۳۲۱- لازم نیست محرم نیت را به زبان آورد، یا حتی از قلب خود بگذراند؛ بلکه همین مقدار توجه داشته باشد که تصمیم دارد طواف انجام دهد، و این توجه تا پایان طواف وجود داشته باشد کافی است. به عبارت دیگر، نیت در عبادات مانند نیت در کارهای روز مره است؛ همانطور که (مثلاً) با قصد آب می‌خورد و راه می‌رود، اگر به همان شکل عبادت را بجا آورد نیت انجام شده است؛ تنها قصد قربت در عبادات لازم است.

مسألة ۳۲۲- اگر در انجام طواف، یا سایر اعمال عمره و حج، که عبادت است، ریا کند (یعنی برای نشان دادن، و به رخ دیگران کشیدن، و عمل خود را خوب جلوه دادن، عبادت را بجا آورد) آن عمل باطل است، و علاوه بر بطلان عمل، مرتکب معصیت و گناه بزرگی نیز شده است.

مسألة ۳۲۳- اگر در انجام عبادت، رضایت و خشنودی دیگری را هم مد نظر داشته باشد، و آن عمل خالص برای خدا نباشد، ریا و باطل است.

مسألة ۳۲۴- در صحیح بودن عمل کفایت می‌کند که آن را «برای خدا» یا «برای اطاعت امر خدا» یا «برای نجات از کیفر

الهی» یا «برای رسیدن به بهشت» و یا «برای وصول به ثواب معنوی» انجام دهد.

مسألة ۳۲۵- هرگاه بعد از تمام کردن طواف یا دیگر عبادات، مرتکب ریا شود، عبادت باطل نمی‌شود؛ هر چند کار خلافی کرده است.

سؤال ۳۲۶- شخصی که به نیابت از دیگری به حج آمده، در دور دوم طواف شک می‌کند که آیا طواف را به نیت منوب عنه آغاز کرده، یا برای خودش؟ اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: احتیاط آن است که طواف را به نیت منوب عنه به پایان برساند، پس از آن نماز طواف بخواند، سپس طواف و نماز را اعاده کند.

دوم: طهارت از حدث

مسألة ۳۲۷- منظور از «طهارت از حدث» این است که محرم به هنگام طواف، از جنابت و حیض و نفاس پاک باشد، و وضو داشته باشد.

مسألة ۳۲۸- «طهارت از حدث» در صورتی شرط است که

طواف واجب باشد، اما در طواف مستحب شرط نیست؛ هر چند افضل آن است که طهارت داشته باشد، بنابراین اگر جنب یا حائض، یا نفساء بوده و فراموش کرده، و با همان حال طواف نموده، طواف مستحب او صحیح است، اما در صورت علم و آگاهی، چون بودن جنب در مسجد الحرام حرام است، طواف او صحیح نمی‌باشد، ولی طواف مستحب بدون وضو اشکالی ندارد.

مسئله ۳۲۹- هرگاه شخصی که وضو نداشته، یا از جنابت، یا حیض، یا نفاس، پاک نبوده طواف واجب کند، طوافش باطل است؛ خواه از روی عمد باشد، یا بر اثر غفلت و نسیان، یا ندانستن مسأله.

مسئله ۳۳۰- هرگاه محرم دسترسی به آب پیدا نکند، یا از استعمال آب معذور باشد، و نتواند صبر کند تا عذرش برطرف شود، واجب است به جای آن تیمم کند؛ خواه تیمم بدل از غسل باشد، یا بدل از وضو؛ سپس طواف را بجا آورد.

مسئله ۳۳۱- اگر محرم تیمم بدل از غسل کرد، و سپس یکی از مبطلات وضو را انجام داد، لازم نیست تیمم بدل از غسل را

تکرار کند؛ بلکه تیمم بدل از وضو می‌کند، و تا زمانی که یکی از موجبات غسل حاصل نشده، و عذرش باقی است، همان تیمم بدل از غسل اول کافی است.

مسئله ۳۳۲- اگر امید دارد که عذرش مرتفع گردد، احتیاط واجب آن است که تا آخرین فرصت صبر کند؛ اگر عذر برطرف نشد تیمم کند.

مسئله ۳۳۳- اگر با طهارت بوده و شک کند که حدثی از او سر زده، بنا بر طهارت می‌گذارد، و لازم نیست دوباره آن را انجام دهد.

مسئله ۳۳۴- هرگاه یقین داشته باشد غسل بر او واجب شده، یا وضویش باطل گردیده، سپس شک کند که وضو گرفته یا غسل کرده، باید وظیفه غسل یا وضو را انجام دهد.

مسئله ۳۳۵- هرگاه بعد از انجام طواف شک کند آن را با وضو بجا آورده، یا شک کند غسل را انجام داده؟ طوافش صحیح است؛ ولی برای اعمال بعد (که نیاز به وضو، یا غسل دارد) باید آن را بجا آورد.

مسئله ۳۳۶- اگر در اثناء طواف شک کند وضو گرفته؟ و حالت

سابقه خود را از وضو و حدث نداند، اگر بعد از تمام شدن دور چهارم باشد طواف را رها می‌کند و وضو می‌گیرد، و از همانجا بقیه طواف را بجا می‌آورد، و سپس احتیاطاً آن را اعاده می‌کند، و اگر قبل از دور چهارم باشد، طواف او باطل است.

مسئله ۳۳۷- هرگاه در اثناء طواف شک کند غسلی که بر او واجب بوده انجام داده، یا نه؟ باید فوراً از مسجد الحرام خارج شود، و پس از غسل بازگردد، سپس اگر حداقل چهار دور را تمام کرده باشد، دنباله آن را بجا می‌آورد، و احتیاط آن است که پس از اتمام طواف آن را اعاده کند، و اگر قبل از شوط چهارم بوده، از اول شروع می‌کند.

مسئله ۳۳۸- بانوان می‌توانند با خوردن قرص، عادت را به عقب بیندازند و طواف و عمره را به جا آورند، و برای عمره آنها اشکال ندارد.

مسئله ۳۳۹- هرگاه بانوان بعد از خوردن قرص در ایام عادت لک ببینند، و سه روز پشت سر هم ادامه نداشته باشد، حیض محسوب نمی‌شود. وضو می‌گیرند، و اعمالشان صحیح است.

مسئله ۳۴۰- هرگاه زنی در غیر ایام عادت ماهانه لک ببیند،

و به اعتقاد این که خون عادت نیست، طواف و نماز طوافش را انجام دهد، و شب بعد از طواف خونی ببیند که تمام شرایط عادت ماهیانه را داشته باشد، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک (در شب قبل از طواف) خون در باطن بوده و قطع نشده، آن لک احکام حیض دارد و طواف و نماز طوافش باطل است، ولی عمره او صحیح است، اما باید طواف و نماز طواف را (بعد از قطع عادت و انجام غسل) اعاده کند، ولی اگر شک دارد، یا یقین دارد که آن لک مدتی قطع شده (و این خون تازه‌ای است)، حکم حیض ندارد و اعمالش صحیح است.

مسئله ۳۴۱- هرگاه کسی مشغول طواف واجب باشد و وضوی او باطل شود، تجدید وضو می‌کند و باز می‌گردد. اگر حداقل چهار دور را تمام کرده بود، بقیه را بجا می‌آورد، و اگر کمتر از چهار دور بوده از اول شروع می‌کند، و اگر زن در حال طواف عادت ماهانه شود، فوراً از مسجد الحرام خارج می‌شود، و حکم او نیز بعد از پاک شدن همین است.

مسئله ۳۴۲- اگر به خاطر پیش آمدن حاجت ضروری برای خودش یا یکی از برادران و خواهران دینی، طواف واجب خود

را قطع کند، مطابق مسأله سابق عمل می‌نماید.

مسأله ۳۴۳- هرگاه در اثناء طواف بیماری شدیدی به او دست دهد که قادر بر اتمام طواف نباشد طواف را قطع می‌کند، و پس از بهبودی اگر چهار دور را تکمیل کرده بوده، باقیمانده را بجا می‌آورد، و اگر کمتر از آن بوده، طواف را از سر می‌گیرد، و اگر بیماری ادامه یافت و نتوانست شخصاً طواف کند، او را طواف می‌دهند، و اگر به این صورت نیز نتوانست طواف کند، نایب می‌گیرد.

مسأله ۳۴۴- هرگاه طواف مستحب را رها کند و دنبال کاری برود (خواه ضروری باشد، یا غیر ضروری) هنگامی که باز می‌گردد می‌تواند از همانجا که رها کرده ادامه دهد؛ خواه چهار دور تمام شده باشد، یا نه.

مسأله ۳۴۵- نشستن در حال طواف برای رفع خستگی مانعی ندارد؛ ولی احتیاط واجب آن است که موالات عرفی به هم نخورد (یعنی مطابق معمول طواف را پشت سر هم و بدون فاصله زیاد بجا آورد).

سؤال ۳۴۶- شخصی پس از انجام تقصیر متوجه می‌شود که

در حال طواف و نماز طواف وضو نداشته، یا وضویش باطل بوده، اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا لازم است مجدداً لباس احرام بپوشد، و طواف کند؟

جواب: طواف و نماز طواف را اعاده کند، و عمره او صحیح است، و پوشیدن لباس احرام لازم نیست.

سؤال ۳۴۷- وضوی یکی از حُجَّاج در دور آخر طواف باطل شد. طواف را با همان حالت به پایان رسانده، سپس وضو گرفته و طواف را از اول شروع کرده، و پس از آن نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا عمل او صحیح می‌باشد؟

جواب: طواف دوّم و اعمال پس از آن صحیح است؛ هر چند می‌توانست طواف اول را پس از وضو تکمیل و به آن قناعت نماید.

سؤال ۳۴۸- شخصی به نیابت از پدر، عمره مفرده‌ای انجام داده، و روز بعد به نیابت از مادر احرام می‌بندد و در اثنای عمره دوّم متوجه می‌شود که طواف و نماز طواف عمره اول را بدون وضو انجام داده است. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: طواف و نماز عمره اول را اعاده می‌کند، و عمره

دوم را به قصد رجا ادامه می‌دهد (توجه داشته باشید که در یک ماه قمری بیش از یک عمره نمی‌توان انجام داد؛ مگر به قصد رجا، یعنی به امید این که مطلوب باشد، نه به طور قطعی).

سؤال ۳۴۹- کسی که وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای و تیمم بوده، از روی جهل و نادانی به احکام شرعی بدون تیمم اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه‌اش چیست؟
جواب: طواف و نماز آن باید اعاده شود، و احتیاط آن است که اعمال بعد از آن را هم اعاده نماید.

سؤال ۳۵۰- هنگام اذان صبح به مسجد الحرام رسیدیم. سرپرست کاروان گفت: «کمی صبر کنید، پس از نماز صبح طواف می‌کنیم». بر اثر خستگی زیاد خوابم برد، و چون آب در دسترس خود نمی‌دیدم تیمم کردم، و طواف و نماز طواف را با تیمم انجام دادم. آیا اعمال من صحیح است؟

جواب: در صورتی که برای شما امکان داشته وضو بگیرید، هر چند که به منزل بروید و مثلاً برای روز بعد اعمال را انجام دهید، تیمم صحیح نبوده است. وظیفه شما این

است که طواف و نماز طواف را اعاده کنید، و اگر خودتان نمی‌توانید، باید نایب بگیرید.

سؤال ۳۵۱- شخصی در طواف واجب احساس می‌کند لباس احرامش نجس شده، ولی اعتنا نمی‌کند، و با همان حال طواف و اعمال بعد را انجام می‌دهد، سپس لباسش را بررسی نموده، یقین پیدا می‌کند که در حال طواف چنین شده است، و بدون جبران اعمال به وطن باز می‌گردد. اکنون وظیفه‌اش چیست؟ آیا هنوز در حال احرام است؟

جواب: اگر در حال طواف یقین نداشته که وضویش باطل و احرامی‌اش نجس شده (هر چند بعد از اعمال یقین پیدا کرده باشد)، از احرام خارج شده است، ولی باید طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر شخصاً نمی‌تواند، باید نایب بگیرد.

سؤال ۳۵۲- خانمی طبق تاریخ تولدش، بیش از پنجاه سال شمسی دارد، و یک سال و نیم است که عادت ماهانه نشده؛ ولی در حال احرام خون می‌بیند. آیا می‌توان در یائسگی او تردید کرد؟ وظیفه او چیست؟

جواب: هرگاه شرایط و صفات عادت ماهیانه را نداشته باشد، حکم مستحاضه را دارد و با انجام وظیفه مستحاضه حج و طواف او صحیح است.

سؤال ۳۵۳- هرگاه زنان سیده پس از شصت سال، و غیر سیده بعد از پنجاه سال، چند روز متوالی خونی ببینند، که همه نشانه‌های حیض را داشته باشد، برای طواف و نماز طواف چه کنند؟

جواب: در صورت داشتن تمام نشانه‌های حیض، حکم حیض را دارد. در ضمن زنان سادات در محیط ما حکم زنان قرشیه را ندارند، و آنها نیز در پنجاه سالگی قمری (حدود ۴۸/۵ سال شمسی) یائسه می‌شوند، یعنی هرگونه خون مشکوکی ببینند حکم استحاضه را دارد.

سؤال ۳۵۴- خانمی در حال طواف مستحاضه قلیله می‌شود. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده، پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام می‌کند، و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم بوده، پس از تجدید وضو و

تطهیر، طواف را از اول شروع می‌کند.

سؤال ۳۵۵- زن مستحاضه‌ای پس از انجام غسل و وضو مشغول طواف می‌شود، ولی در اثناء طواف لک می‌بیند. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر خون او مستمر است و به وظیفه‌اش عمل کرده، و در حد امکان از خروج خون جلوگیری نموده، وظیفه‌ای ندارد، ولی اگر خون کاملاً قطع شده و غسل کرده، سپس خون جاری شده، حکم حدث جدید را دارد.

سؤال ۳۵۶- زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد، و با این کار فاصله‌ای بین اعمال او پیش می‌آید، که گاهی از اوقات طولانی است، مثل این که باید برای غسل به منزل برود. آیا این فاصله اشکال ندارد؟

جواب: همانطور که قبلاً گفته شد، هنگامی که مستحاضه وظیفه غسل خود را برای نمازها انجام دهد به حکم طاهر است، و غسل دیگری برای طواف و نماز طواف لازم نیست.

سؤال ۳۵۷- خانم مستحاضه‌ای طبق وظیفه‌اش غسل کرد، یا وضو گرفت، و مشغول طواف شد. در بین طواف، نماز ظهر

شروع شد. طواف را قطع کرد و نمازش را خواند. پس از نماز، با همان وضو یا غسل طوافش را ادامه داد. آیا طوافش صحیح است؟

جواب: هرگاه مستحاضه کثیره غسلهای نماز خود را به موقع بجا آورد، غسل دیگری مطلقاً برای طواف و نماز طواف بر او واجب نیست.

سؤال ۳۵۸- بعضی از بانوان برای جلوگیری از عادت ماهیانه، مخصوصاً جهت اعمال حج، قرص می‌خورند؛ ولی با این حال به هنگام احرام لگه‌های مختصری می‌بینند. آیا ضرری به اعمال آنها می‌زند؟

جواب: لگه‌های مزبور، اگر سه روز مستمرّاً ادامه نیابد، حکم استحاضه را دارد، و ضرری به اعمال حج نمی‌زند، و باید مطابق اعمال استحاضه عمل کنند و چنانچه فقط لگه‌هایی دیده و ادامه نداشته، تنها وضو بر آنان واجب است، و غسل ندارد.

سؤال ۳۵۹- خانمی که پس از طواف عمره، خون دیده است وظیفه‌اش نسبت به نماز و اعمال بعدی چیست؟ ممکن است

حیض باشد و ممکن است با خوردن قرص قطع شود؟

جواب: اگر احتمال قطع خون با خوردن قرص می‌دهد پس از تطهیر و وضو و انجام اعمال مستحاضه، نماز طواف را بخواند و سعی و تقصیر و طواف نساء را بجا آورد و چنانچه بعد معلوم شود که اعمال را در حال حیض انجام داده، نماز طواف و طواف نساء و نماز آن را پس از پاک شدن اعاده کند و اگر یقین به حیض بودن خون می‌دهد از مسجد بیرون رود و پس از پاک شدن، نماز طواف و اعمال پس از آن را انجام دهد و در صورت تنگی وقت برای نماز طواف عمره و طواف نساء و نماز آن، نایب بگیرد.

سؤال ۳۶۰- اگر صاحب عادت «وقتیه و عددیه» که عدد روزهای عادتش همواره مثلاً هفت روز است، روز هفتم پاک شود و غسل کند، سپس اعمال حج را بجا آورد، ولی بعداً لک ببیند، اعمالش چگونه است؟

جواب: هرگاه اعمال او در حال پاکی واقع شده، صحیح است.

سؤال ۳۶۱- نظم عادت ماهانه بعضی از خانمها به خاطر

مصرف قرص جلوگیری بر هم می خورد؛ به طوری که گاه به مدّت طولانی مرتّب خون یا لک می بیند. وظیفه این دسته از زنان در حج چیست؟

جواب: اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، و در ایّام عادت دیده شود، هر چند به این صورت که پس از شروع تا سه روز باطن آلوده باشد، محکوم به حکم حیض است. در غیر این صورت، احکام استحاضه را دارد.

سؤال ۳۶۲- خانمی عادت ماهانه نمی شود؛ ولی هر دو ماه یکبار دو سه روزی لک و ترشحات می بیند، وظیفه اش چیست؟
جواب: اگر خون، هر چند در داخل و باطن، تا سه روز استمرار نداشته، حکم استحاضه را دارد.

سؤال ۳۶۳- خانمی بر اثر جهل و ناآگاهی از احکام شرع، پس از پاک شدن از عادت ماهانه، خیال می کرده جنب است، و لهذا نیت غسل جنابت کرده، و با همین حال اعمال را بجا آورده است. عمره او چه حکمی دارد؟

جواب: اگر منظورش انجام غسل برای عادت ماهانه بوده، و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

سؤال ۳۶۴- شخصی پس از به جا آوردن اعمال متوجّه می شود که غسل مسّ میّت بر او واجب بوده، و هنوز آن را انجام نداده است. آیا عمره اش صحیح است؟

جواب: هرگاه غسل واجب یا مستحبّ دیگری انجام داده کفایت می کند، و اعمالش صحیح است و اکنون وظیفه ای ندارد، ولی اگر هیچ غسلی نکرده، هر چند عمره او اشکالی ندارد، اما واجب است طوافها و نمازهای آن را اعاده کند، و اگر خودش قادر نیست نایب بگیرد.

سؤال ۳۶۵- دختر مجرّدی در اوائل سن بلوغ جنب شده، و تا کنون غسل جنابت نکرده؛ ولی غسلهایی مانند غسل حیض یا جمعه را انجام داده، و با این کیفیت به عمره رفته است. لطفاً بفرمائید:

۱- عبادتهایی که بعد از آن حالت تاکنون انجام داده چه وضعی دارد؟

۲- آیا هنوز از احرام خارج نشده، و جمیع محرّمات احرام بر او حرام است؟

۳- عمره او چه حکمی دارد، و اکنون وظیفه اش چیست؟

جواب: هرگاه غسل دیگری انجام داده کفایت می‌کند؛ بنابراین، اعمالی که بعد از غسل حیض یا جمعه انجام داده، از جمله عمره او، صحیح است، ولی نمازهایی را که بعد از جنابت و قبل از اولین غسل خوانده باید به تدریج قضا کند، و اگر بعد از جنابت تا زمان انجام عمره هیچ غسلی نکرده، باید طوافهای واجب و نمازهای آن را دوباره بجا آورد، و اگر نمی‌تواند، نایب بگیرد، و تا زمانی که این اعمال را اعاده نکرده، باید از بوی خوش و ازدواج و محرّماتی که با طواف نساء حلال می‌شود، احتیاطاً اجتناب کند.

سؤال ۳۶۶- هرگاه شخص محرم جنب شود و آب برایش ضرر داشته باشد و وقت تنگ باشد، آیا طواف و نماز آن با تیمم کافی است یا باید نایب هم بگیرد؟

جواب: کافی است و نایب گرفتن لازم نیست.

سؤال ۳۶۷- خانمی به تصوّر این که پاک شده، طواف و نماز طوافش را بجا آورده، مشغول سعی می‌شود. در اثناء سعی متوجه می‌شود که هنوز پاک نشده است، وظیفه‌اش چیست؟ اگر بعد از سعی متوجه این موضوع شود، تکلیفش چه می‌باشد؟

جواب: در فرض اوّل سعی را قطع می‌کند، و پس از پاک شدن، طواف و نماز طواف و سعی را اعاده نماید و در فرض دوم نیز اعاده طواف و نماز طواف لازم است، و احتیاطاً سعی را هم اعاده می‌کند.

سؤال ۳۶۸- اگر خانمی به نیت عمره مفرده محرم، و پس از آن عادت شود، و در همه روزهایی که در مکه است در حال عادت باشد، برای عمره مفرده باید چه کند؟ اگر بدون انجام اعمال به ایران آمده، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد، و چنانچه به ایران آمده، باید برگردد و اعمالش را انجام دهد، و اگر نمی‌تواند برگردد، باید برای اعمال عمره نایب بگیرد، ولی باید خودش تقصیر نموده، و ترتیب بین تقصیر و سایر اعمال را مراعات کند، و تا اعمال عمره را انجام ندهد، در احرام باقی می‌ماند.

حکم مسلوس:

سؤال ۳۶۹- وظیفه مسلوس (کسی که بی اختیار قطرات بول از او خارج می شود) نسبت به طواف و نماز طواف چیست؟

جواب: اگر در زمان خاصی بیماریش تخفیف پیدا می کند، به گونه ای که می تواند در آن زمان طواف و نماز طواف را با وضو و بدن پاک به جا آورد، باید این اعمال را در آن زمان انجام دهد و اگر چنین وقتی ندارد، در صورتی که زحمت زیادی نداشته باشد، هر بار که وضویش باطل شد تجدید وضو کند، و اگر زحمت زیاد دارد، برای طواف یک وضو، و برای نماز هم یک وضو می گیرد، و نایب گرفتن لازم نیست.

سؤال ۳۷۰- شخصی عمل جزاحی کرده، و فعلاً کیسه ای به او بسته اند که پیوسته قطرات بول در آن می ریزد؛ خواه از مجرای بول، یا از محلی که جزاحی و سوراخ شده است. آیا چنین شخصی حکم مسلوس را دارد؟

جواب: آری، حکم مسلوس را دارد که حکم آن در پاسخ قبل گذشت.

سؤال ۳۷۱- مُحرمی که مبتلا به خروج ریح است (یعنی مرضی دارد که نمی تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند) و در طول سال شاید یکی دو ماه بیماریش تخفیف پیدا کند، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می شود، تکلیفش چیست؟

جواب: چنانچه نتواند در اثناء طواف وضو بگیرد، یا این کار زحمت زیاد داشته باشد، می تواند برای طواف به یک وضو اکتفا کند، و برای نماز طواف وضوی دیگری بگیرد. هر چند در اثناء طواف و نماز، وضویش باطل شود، و نیازی به نایب گرفتن نیست.

سؤال ۳۷۲- پیرمردی سلس بول دارد و خود را برای طواف از تنجیس لباس و مسجد حفظ نمی کند و به راهنمایی و ارشاد دیگران توجه ندارد؛ آیا می تواند برای طواف نایب بگیرد؟

جواب: باید نایب بگیرد.

حکم مبطون:

سؤال ۳۷۳- مدتی است، که به علت بیماری و در اثر عمل

جراحی، مبطلون هستم و خروج مدفوع را احساس نمی‌کنم. بدین جهت از کیسه مخصوصی استفاده نموده، و برای وضو و نماز طبق رساله عمل می‌کنم. با توجه به این که سال آینده، انشاء الله، به زیارت خانه خدا نائل می‌شوم، وظیفه‌ام در رابطه با مراسم حج چیست؟

جواب: چنانچه زمانی باشد که بتوانید طواف و نماز طواف را بدون خروج آن انجام دهید، باید همان زمان را انتخاب نموده، و اعمالتان را انجام دهید و اگر چنین چیزی امکان پذیر نیست، و به هیچ وجه خروج آن را احساس نمی‌کنید، طواف را با یک وضو، و نماز طواف را با وضوی دیگر انجام دهید.

سوم: طهارت از نجاست

مسئله ۳۷۴- بدن و لباس طواف کننده (خواه در طواف واجب، یا مستحب) باید از هر نجاستی پاک باشد؛ حتی بعضی از نجاسات که در نماز بخشوده شده (مانند خون کمتر از یک درهم) در طواف بخشوده نیست، ولی در مورد خون زخمها، اگر

شستن آن باعث مشقت و عسر و حرج باشد، ضرری برای طواف ندارد.

مسئله ۳۷۵- اگر لباسهای کوچک مانند جوراب، شب کلاه و همیان، که به تنهایی نمی‌توان با آن ستر عورت کرد، نجس باشد عیبی ندارد.

مسئله ۳۷۶- اگر تطهیر خون قروح و جروح مشقت داشته باشد، شستن آن لازم نیست؛ ولی احتیاط واجب آن است که به مقداری که می‌توان بدن را تطهیر کرد، و لباس را عوض نمود، و موجب مشقت نیست، انجام دهد.

مسئله ۳۷۷- در صورتی که بتواند با تأخیر انداختن طواف، خود و لباس خویش را بدون مشقت تطهیر کند، احتیاط آن است که چنین نماید؛ به شرط آن که وقت باقی باشد.

مسئله ۳۷۸- هرگاه لباس یا بدن نجس باشد، و نداند یا می‌دانسته و فراموش کرده، چنانچه بعد از طواف بفهمد طوافش صحیح است، و اگر در حال طواف بفهمد باید لباس خود را عوض کند، و با لباس پاک طواف را ادامه دهد، و اگر لباس پاکی همراه ندارد طواف را متوقف می‌کند، و لباس یا بدن را آب

می‌کشد، سپس باقیمانده طواف را به جا می‌آورد، و طوافش صحیح است؛ خواه قبل از تکمیل کردن دور چهارم باشد، یا بعد از آن.

مسأله ۳۷۹- اگر شک داشته باشد که لباس یا بدنش نجس است یا پاک، می‌تواند در آن حال طواف کند؛ خواه بداند قبلاً پاک بوده، یا نداند، ولی اگر یقین داشته باشد که قبلاً نجس بوده، و نداند که آن را تطهیر کرده یا نه، نمی‌تواند در آن حال طواف کند، بلکه باید ابتدا تطهیر کند، و سپس طواف نماید.

مسأله ۳۸۰- اگر در بین طواف بدن یا لباس او نجس شود، دست از طواف بر می‌دارد، و لباس یا بدنش را آب می‌کشد، سپس طواف را از همانجا که قطع کرده بود ادامه می‌دهد، و طوافش صحیح است؛ خواه قبل از تکمیل چهار دور باشد، یا بعد از آن.

مسأله ۳۸۱- اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ملاحظه کند، و احتمال دهد که در همان حال طواف حاصل شده، طبق مسأله قبل عمل می‌کند.

سؤال ۳۸۲- شخصی در دور ششم طواف نجاستی در بدن خود مشاهده کرده، و یقین دارد که از دورهای قبل بوده است،

ولی بدون توجه به این مطلب، طواف را تکمیل کرده، و پس از تطهیر بدن طواف را اعاده می‌نماید، سپس بقیه اعمال عمره را به انجام می‌رساند. آیا اعمال او صحیح است؟

جواب: عمل او اشکالی ندارد.

سؤال ۳۸۳- شخصی در حین طواف متوجه اندکی خون بر بینی خود می‌شود. با دستمال آن را پاک کرده، و طواف را به انجام می‌رساند. آیا طوافش صحیح است؟

جواب: اگر بینی او نجس شده باید آن را آب بکشد، و طواف را تکمیل کند، و اگر این کار را نکرده، احتیاط آن است که بعد از تطهیر آن را تکمیل کند و نماز بخواند، سپس طواف و نماز را اعاده کند.

سؤال ۳۸۴- اگر بچه‌های کوچک در حال طواف یا سعی در قنடைه خود بول کنند، چه حکمی دارند؟

جواب: حج آنها صحیح است؛ انشاء الله.

چهارم: ختنه برای مردان

مسأله ۳۸۵- هرگاه مردی ختنه نکرده باشد، طوافش باطل

است، و احتیاط واجب آن است که پسر نابالغ نیز ختنه کرده باشد.

مسأله ۳۸۶- اگر بچه ختنه نشده را وادار به احرام کنند، یا او را محرم نمایند، احرام او صحیح است؛ ولی تمام طوافهای او اشکال دارد. بنابراین، چنین فردی در احرام باقی می ماند، و در آمدن از احرام برای او مشکل می شود؛ مگر آن که او را ختنه کنند، و سپس طواف کند، یا او را طواف دهند.

مسأله ۳۸۷- اگر کسی ختنه کرده به دنیا بیاید، طوافش صحیح است.

مسأله ۳۸۸- هرگاه کسی از روی عمد، یا فراموشی، یا ندانستن مسأله، طواف را بدون ختنه انجام دهد، طوافش باطل است.

سؤال ۳۸۹- تکلیف کسی که ختنه او به طور ناقص انجام شده، و با این حال اعمال حج را به جا آورده، چه می باشد؟
جواب: احتیاط واجب آن است که بعد از ختنه صحیح و کامل، طوافها و نماز طوافها را اعاده کند، و اگر نمی تواند به مکه برود، نایب می گیرد.

سؤال ۳۹۰- اگر شخصی را به طور ناقص ختنه کرده باشند، به این معنی که قسمت بالایی آلت کاملاً هویدا نیست، ولی در حال نعوظ آشکار می گردد. آیا چنین شخصی ختنه شده محسوب، و طوافهایش صحیح است؟ اگر پاسخ منفی است، و ختنه بر آن شخص برای بار دیگر لازم باشد، و او به علت سن بالا از انجام این کار خجالت بکشد، حکم مسأله چیست؟
جواب: احتیاط واجب آن است که طواف و نماز آن را بعد از ختنه کردن اعاده کند، و در این گونه مسائل خجالت کشیدن معنی ندارد. می تواند به طور پنهانی نزد طیب آگاهی برود و ختنه کند، و این کار در ایام ما بسیار آسان است.

پنجم: پوشانیدن عورت

مسأله ۳۹۱- پوشانیدن عورت بر طواف کننده واجب است؛ بلکه لازم است بدن خود را طوری بپوشاند که نگویند بدنش برهنه است.

مسأله ۳۹۲- احتیاط واجب آن است که تمام شرایط لباس نمازگزار را در حال طواف رعایت کند.

طواف در لباس هشمول خمس:

سؤال ۳۹۳- شخصی با پول خمس نداده لباس احرام خریده، و با همان لباس محرم شده، و طواف و نماز طواف را بجا آورده است. اکنون وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر از روی علم و عمد نبوده، عمره او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصر بوده، احتیاط واجب آن است طواف و نماز آن، را اعاده کند.

سؤال ۳۹۴- هرگاه محرم به هنگام طواف پول خمس نداده همراه داشته باشد، آیا طوافش اشکال پیدا می‌کند؟
جواب: اشکالی برای طوافش ایجاد نمی‌کند.

حدّ پوشش در طواف:

سؤال ۳۹۵- آیا حجاب زنان محرم در طواف، مانند حجاب در حال نماز است، یا تفاوت می‌کند؟

جواب: تفاوت می‌کند؛ در حال نماز پوشیدن پشت پا و کف آن نیز مستثنی است؛ ولی احتیاط آن است که در حال طواف آنها را پوشاند (جوراب بپوشد). همچنین در طواف

استفاده از نقاب جایز نیست، ولی در نماز ضرری ندارد.

سؤال ۳۹۶- اگر مقداری از موی سر زن محرم، یا جاهای دیگر بدنش، که پوشیدن آن در حال طواف لازم است، ظاهر باشد، طوافش چه حکمی دارد؟

جواب: طوافش صحیح است؛ هر چند گناه کرده است.

سؤال ۳۹۷- بعضی از خانمها از لباس احرام سفید نازک استفاده می‌کنند که بدن در حالت عادی یا در وقت عرق کردن از زیر آن پیدا می‌شود، طواف و نمازشان چگونه است؟

جواب: لباس باید ساتر باشد و با ظاهر بودن بدن، نماز و طواف باطل است.

سؤال ۳۹۸- خانمهایی که می‌دانند در وقت دست بلند کردن در مقابل حجرالاسود و یا کتاب دعا به دست گرفتن، قسمتی از دست آنها از آستین بیرون می‌آید، چنانچه با توجه چنین کنند طواف آنها چه صورتی دارد؟

جواب: با علم و عمد طواف آنها باطل است.

سؤال ۳۹۹- پیدا شدن دست یا سینه مردان در حال طواف چه صورتی دارد؟

جواب : مضرّ به طواف نیست، ولی بهتر است با وجود نامحرم آن را بیوشانند.

واجبات هفتگانه طواف

اول و دوم: شروع از حجر الاسود و ختم به آن

مسأله ۴۰۰- باید طواف را از «حجر الاسود» شروع کند، و به «حجر الاسود» ختم نماید، و همین اندازه که در عرف بگویند از حجر الاسود شروع کرده، و به آن خاتمه داده کافی است، و دقت در محاذی بودن اجزای بدن با حجر الاسود لازم نیست؛ ولی احتیاط واجب آن است که کمی قبل از حجر الاسود شروع کند، و کمی بعد از آن ختم نماید، تا یقین حاصل کند که هفت دور تمام انجام داده است.

مسأله ۴۰۱- در طواف باید همان‌گونه که همه مسلمین طواف می‌کنند شروع کند، و از دقتهای افراد و سواسی در مورد محاذات با حجر الاسود بپرهیزد، و در دورهای دیگر توقف در

نزد حجر الاسود لازم نیست، بلکه بدون توقّف ادامه می‌دهد تا هفت دور تمام شود تا مزاحمتی برای طواف کنندگان حاصل نگردد.

مسأله ۴۰۲- گاه دیده می‌شود که اشخاص جاهل در هر دوری که به هنگام طواف انجام می‌دهند توقّف نموده، و مقداری عقب و جلو می‌روند تا محاذات با حجر الاسود را رعایت کرده باشند، این کار به هیچ وجه لازم نیست، بلکه گاهی حرام است.

سؤال ۴۰۳- شخصی طواف را از حجر الاسود شروع، و به رکن یمانی - که قبل از حجر الاسود است - ختم کرده، و فاصله رکن یمانی تا حجر را بدون نیت ادامه داده، و دوباره از حجر الاسود نیت کرده، و به رکن یمانی ختم نموده، و هفت دور طواف را به همین صورت انجام داده است. طواف او چه حکمی دارد؟

جواب: این طواف باطل است، و باید اعاده شود.

سؤال ۴۰۴- اگر کسی قبل از حجر الاسود طواف را شروع نموده، و به همانجا ختم کند، آیا طوافش باطل است؟

جواب: طوافش باطل است.

سؤال ۴۰۵- وظیفه شخصی که به اشتباه طواف را از رکن یمانی شروع، و به همانجا ختم کرده، و سپس نماز طواف را خوانده، و پس از آن متوجه خطایش شده چیست؟ چنانچه در وسط طواف متوجه اشتباهش گردد، و طوافش را به حجر الاسود ختم کند، آیا مقدار اضافی برای طواف ضرر دارد؟

جواب: طواف و نماز آن را باید اعاده کند، و اعاده در صورت دوّم احتیاط است.

سؤال ۴۰۶- اگر شخصی یقین کرد رکن مستجار (رکن یمانی که قبل از حجر الاسود قرار دارد) حجر الاسود است، و طواف را از آنجا شروع و به همانجا ختم کرد، و بعد فهمید که این کار خطا بوده، تکلیفش چیست؟

جواب: طواف مذکور بنابر احتیاط واجب باطل است، و باید اعاده شود.

سؤم: خانه کعبه سمت چپ طواف کننده باشد

مسأله ۴۰۷- واجب است طوری طواف کند که خانه کعبه

طرف دست چپ او باشد (برخلاف حرکت عقربه ساعت) همان‌گونه که معمول همه مسلمین است.

مسأله ۴۰۸- واجب نیست صورت طواف کننده در حال طواف رو به جلو باشد؛ بلکه می‌تواند به سمت چپ و راست خود نگاه کند، و حتی صورت را برگرداند و به عقب نگاه کند.

مسأله ۴۰۹- لازم نیست شانه چپ در تمام حالات محاذی کعبه باشد؛ بلکه همین اندازه که مطابق معمول و متعارف مسلمین خانه کعبه را دور بزند کافی است، حتی اگر گاهی صورت خود را به سوی کعبه کند و به راه خود ادامه دهد مانعی ندارد.

مسأله ۴۱۰- آنچه بعضی از عوام در مورد محاذی بودن دائمی شانه چپ با کعبه (به خصوص موقع رسیدن به حجر اسماعیل) انجام می‌دهند هیچ لزومی ندارد؛ بلکه اگر موجب وهن مذهب گردد جایز نیست، و بهتر است به جای این‌گونه احتیاط‌های بیجا، در تمام حالات حضور قلب داشته باشند، و همانند سایر مسلمین کعبه را دور بزنند.

مسأله ۴۱۱- گاه دیده می‌شود برخی از افراد جاهل برای

احتیاط از شخص دیگری می‌خواهد که او را طواف دهد، و شانه‌های او را به سوی کعبه کند، به گونه‌ای که اختیار از طواف کننده سلب می‌شود. هر چند این کار موجب بطلان طواف نمی‌گردد، اما بدون شک کارهای این افراد بسیار بد و زننده است.

مسأله ۴۱۲- هرگاه بر اثر شلوغی مطاف، و ازدحام طواف کنندگان، مقداری از طواف برخلاف متعارف انجام شد؛ مثل این که بدن طواف کننده در حال حرکت به سمت کعبه واقع شد، یا پشت به کعبه قرار گرفت، یا مقداری عقب عقب حرکت کرد، و طواف را ادامه دهد باید آن مقدار را از سر بگیرد، و اگر نمی‌تواند برگردد، بدون قصد طواف همراه جمعیت دور می‌زند تا به محل مورد نظر برسد، و از آنجا نیت کند و ادامه دهد.

مسأله ۴۱۳- اگر بر اثر ازدحام طواف کنندگان، انسان را بدون اختیار به پیش ببرند، در صورتی که با توجه به این امر و با اختیار خود وارد طواف شده، ضرری به طوافش نمی‌زند.

مسأله ۴۱۴- به هنگام طواف کردن به هر شکل برود مانعی ندارد؛ می‌تواند آهسته یا تند، سواره یا پیاده راه برود، یا حتی

بدود، ولی بهتر آن است که به طور عادی و با آرامش راه برود، و ذکر خدا گوید.

سؤال ۴۱۵- شخصی در حال طواف کعبه را بوسیده، و احتمال می‌دهد در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، و این شک بعد از انجام طواف به وجود آمده است. طوافش چه حکمی دارد؟

جواب: چون شک بعد از طواف بوده، طوافش صحیح است.

سؤال ۴۱۶- شخصی در اثناء طواف به خاطر لمس و بوسیدن بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده، و نمی‌داند در بازگشت طواف را از همان نقطه ادامه داده یا نه، اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: هرگاه شک بعد از طواف بوده طوافش صحیح است، و الا باید از سر بگیرد.

سؤال ۴۱۷- یکی از حجّاج خیال کرده به هنگام طواف مقداری از شوط را بر اثر فشار جمعیت طی کرده، ولی یقین به این مطلب ندارد، و از آنجا که نمی‌توانسته آن مقدار را برگردد و

اعاده کند، بقیه شوط را به قصد رجاء و احتیاطاً انجام می‌دهد (تا اگر آن دور باطل بوده اضافه لغو باشد، و اگر صحیح بوده، اضافه بر طواف محسوب نشود) سپس هفت دور بجا آورده، و آن دور را حساب نکرده است. این طواف چه حکمی دارد؟

جواب: این طواف بنا بر احتیاط صحیح نیست.

سؤال ۴۱۸- شخصی به هنگام طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلو رفته، سپس به جای آن که همان مقدار را جبران کند، آن را رها کرده و یک دور دیگر به جا آورده، که مجموعاً هفت دور تمام و یک دور ناقص می‌شود. آیا این طواف صحیح است؟

جواب: طوافش اشکال دارد، و باید آن را اعاده کند.

سؤال ۴۱۹- اگر محرم از ابتدا بداند که بر اثر شلوغی طواف کنندگان مقداری از طواف یا همه آن را بی‌اختیار انجام خواهد داد، آیا از اول می‌تواند نیت کند آن مقدار، که جمعیت او را می‌برد، نیز جزء طواف باشد، و آن را مثل طواف سواره محسوب نماید؟

جواب: طوافش صحیح است، و اشکالی ندارد.

سؤال ۴۲۰- شخصی در حال طواف به یکی از طواف کنندگان که روی زمین افتاده، برخورد نموده، و او را از روی زمین بلند می‌کند. ممکن است در این حال چند گامی به جلو برود، در حالی که توجه به طواف ندارد. در نتیجه نمی‌داند که آیا مقداری از طواف را بدون قصد بجا آورده یا نه، تکلیفش چیست؟

جواب: اگر قصد طواف، و لو اجمالاً، داشته کافی است.

سؤال ۴۲۱- شخصی در شوط پنجم یقین پیدا می‌کند که پنج متر از شوط اول، و پنج متر از شوط دوم را بی‌اختیار طواف کرده است. تکلیف او چیست؟

جواب: اگر از اول قصد کرده خود را در میان طواف کنندگان قرار دهد و با آنها بچرخد، آنچه را با فشار جمعیت به جا می‌آورد، جزء طواف است و صحیح می‌باشد.

چهارم: «حجر اسماعیل» داخل طواف باشد

مسئله ۴۲۲- واجب است «حجر اسماعیل» را داخل در طواف کند، یعنی از بیرون حجر اسماعیل کعبه را دور بزند. بنابراین،

اگر از داخل «حجر اسماعیل» طواف کند باید آن دور را نادیده گرفته، و از حجر الاسود اعاده نماید (ولی نظر به این که به عقب برگشتن در این گونه موارد با ازدحام جمعیت مشکل است، بهتر این است که همراه طواف کنندگان آن دور را بدون نیت ادامه دهد، تا به حجر الاسود برسد، سپس نیت می‌کند و آن دور را ادامه می‌دهد).

مسئله ۴۲۳- هرگاه شخصی عمداً از داخل حجر اسماعیل طواف کند، حکم ابطال عمدی طواف را دارد که در ابتدای مسائل طواف حکم آن گذشت.

مسئله ۴۲۴- اگر کسی پس از انجام اعمال عمره متوجه شود که چند شوط از طواف را، سهواً از داخل حجر اسماعیل انجام داده، عمره او صحیح است، ولی باید آن طواف را تکمیل کند، سپس نماز طواف را اعاده نماید.

مسئله ۴۲۵- اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل طواف کند، کافی است همان مقدار را اعاده کند، و اعاده تمام طواف لازم نیست (البته در شرایط کنونی عملاً هیچ کس روی دیوار حجر نمی‌رود).

پنجم: طواف در خارج خانه کعبه باشد

مسأله ۴۲۶- طواف باید در خارج خانه کعبه باشد. بنابراین، طواف در داخل خانه کعبه جایز نیست.

مسأله ۴۲۷- جایز نیست روی آن قسمت از کناره کعبه که «شاذروان» نام دارد، طواف کند؛ هر چند امروز شاذروان طوری ساخته شده که عملاً امکان طواف روی آن نیست.

مسأله ۴۲۸- دست گذاشتن بر دیوار خانه کعبه، یا بر دیوار حجر اسماعیل، یا دست گذاردن روی حجر اسماعیل، ضرری برای طواف ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که در آن طرف کعبه که شاذروان قرار دارد، هنگام طواف دست بر دیوار کعبه نگذارند.

مسأله ۴۲۹- هرگاه در اثنای طواف داخل خانه کعبه شود طواف او باطل است، و باید اعاده کند، و هرگاه از درون حجر اسماعیل طواف کند همان دور را (چنان که در بالا گفته شد) از حجر الاسود اعاده کند؛ اما اگر از روی دیوار حجر اسماعیل، یا شاذروان طواف کند، اعاده همان مقدار کافی است.

ششم: حد مطاف

مسأله ۴۳۰- مشهور میان جمعی از فقها این است که باید طواف در فاصله مقام ابراهیم و خانه کعبه باشد^۱ و از هر طرف باید این فاصله در نظر گرفته شود، بنابراین در طرف «حجر اسماعیل» محدوده طواف شش ذراع و نیم (کمتر از سه متر و نیم) خواهد بود، زیرا حجر اسماعیل (که مجموعاً بیست ذراع است) از آن کم می‌شود، ولی حق این است که طواف در تمام مسجد الحرام جایز می‌باشد؛ هر چند در غیر مواقع ازدحام رعایت احتیاط مستحب است؛ یعنی اگر طواف کردن در فاصله مزبور مشکل نباشد، از آن حد خارج نشود.

مسأله ۴۳۱- اتصال صفوف طواف کنندگان شرط نیست.

مسأله ۴۳۲- طواف در طبقات بالا در حال ازدحام زیاد، و در مورد بیماران که اجازه طواف از پائین به آنها داده نمی‌شود، اشکالی ندارد؛ و گرفتن نایب لازم نیست.

سؤال ۴۳۳- خانمی بدون کمک دیگران قادر بر طواف نیست یا باید او را با تخت در خارج مطاف طواف دهند، یا شخص

۱. این فاصله بیست و شش ذراع و نیم، یعنی کمتر از سیزده متر می‌باشد.

نامحرمی او را بر پشت بگیرد، و در محدوده مطاف طواف دهد. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: با توجه به این که به فتوای ما مطاف حدّ معینی ندارد، او را با تخت در پشت مقام ابراهیم طواف دهند.

سؤال ۴۳۴- کسی که به حدود مطاف آگاهی نداشته، طواف را بجا آورده، و پس از آن شک می‌کند که در مطاف بوده یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

جواب: همان گونه که در بالا آمد در هر صورت طوافش صحیح است؛ چون طواف حدّ معینی ندارد.

سؤال ۴۳۵- چنانچه محرم یقین داشته باشد که در حال طواف در محدوده معین با مرد نامحرم یا زن نامحرم برخورد می‌کند، آیا باز هم لازم است در محدوده معین طواف کند؟

جواب: گفتیم که طواف حدّ معینی ندارد. به علاوه برخورد از روی لباس بدون قصد خاص اشکال ندارد.

سؤال ۴۳۶- گاه انسان ناچار می‌شود از محدوده طواف - فاصله میان مقام ابراهیم و کعبه - دورتر شود، خواه به سبب نظافت کارکنان مسجدالحرام باشد، یا تعمیراتی که احیاناً در

بعضی از اطراف کعبه انجام می‌دهند، یا کسانی که با ویلچر و تخت روان طواف داده می‌شوند و مانند اینها، آیا طوافشان صحیح است؟

جواب: همان گونه که قبلاً گفتیم طواف از نظر ما محدوده خاصی ندارد، و در حال اختیار نیز می‌توان از فاصله مقام و کعبه دورتر طواف کرد.

هفتم: موالات

مسألة ۴۳۷- موالات عرفی در طواف شرط است؛ یعنی باید هفت دور پی در پی دور خانه خدا بگردد، و کمتر از هفت دور کافی نیست؛ ولی در طواف مستحب موالات شرط نیست.

مسألة ۴۳۸- هرگاه طواف را عمداً قطع کند (برای رفع خستگی، یا نوشیدن آب، و مانند آن) ولی از مسجد خارج نشود، و قبل از فوت موالات بازگردد، و از همان جا که قطع کرده ادامه دهد، طوافش صحیح است. خواه کمتر از چهار شوط طواف کرده باشد، یا بیشتر.

مسألة ۴۳۹- هرگاه کسی مشغول طواف واجب باشد و وقت

نماز فریضه، یا نافله و تر فرا رسد، می‌تواند طواف را قطع کرده، و نماز را به‌جا آورد، سپس بقیه طواف را تکمیل کند؛ خواه قبل از چهار دور باشد، یا بعد از آن.

مسئله ۴۴۰- اگر شخصی در حال طواف باشد، و وقت نماز واجب تنگ گردد، واجب است طواف را رها کند، و نمازش را بخواند، سپس اگر بعد از چهار دور رها کرده، از همانجا طواف را تمام نماید، در غیر این صورت بنا بر احتیاط از اول شروع می‌کند.

مسئله ۴۴۱- قطع طواف برای رسیدن به نماز جماعت، یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، جایز بلکه مستحب است، و بعد از انجام نماز، طواف را از همانجا که قطع کرده ادامه می‌دهد، و احتیاط مستحب آن است که طبق مسئله بالا عمل کند. (توجه داشته باشید که این مسئله در مورد نماز جماعت است).

مسئله ۴۴۲- اگر بدون عذر طواف را قطع کرد، و کاری که منافات با طواف داشت انجام داد، مثل این که فاصله زیادی انداخت، و موالات عرفیه از بین رفت، احتیاط آن است که اگر

چهار دور بجا آورده طواف را تمام کند، و سپس اعاده نماید؛ ولی مانعی ندارد از آغاز طواف را از سر بگیرد.

مسئله ۴۴۳- هرگاه در اثناء طواف عذری پیدا شد، مثل بیماری شدید، یا حیض، یا باطل شدن وضو و مانند آن، اگر عذر مذکور بعد از تمام شدن چهار دور بوده، پس از رفع عذر برمی‌گردد، و طواف را تکمیل می‌کند، ولی اگر قبل از تمام شدن چهار دور بوده، آن طواف را رها کرده، دوباره از اول شروع می‌کند، و احتیاط مستحب در فرض اول (در غیر حیض) اتمام و اعاده است.

مسئله ۴۴۴- هرگاه عذر شخصی که طواف را قطع کرده، ادامه پیدا کند تا زمانی که وقت انجام طواف تنگ شود، در صورت امکان باید او را به مسجد الحرام بیاورند و طوافش دهند، و اگر ممکن نیست برایش نایب بگیرند.

مسئله ۴۴۵- اگر در حال سعی صفا و مروه یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده، باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند، سپس بقیه سعی را بجا آورد، و طواف و سعیش هر دو صحیح است. لکن احتیاط واجب آن

است که اگر طواف کمتر از چهار دور بوده، آن را تمام کند و سپس اعاده نماید. همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده، آن را تمام نموده و سپس اعاده کند، و در هر دو حالت می‌تواند طواف یا سعی را رها کرده، از اول بجا آورد.

مسأله ۴۴۶- حاجی می‌تواند طواف را رها نموده، خانه را بیوسد، و سپس برگردد و از همانجا که قطع کرده طواف را ادامه دهد، ولی بهتر است این کارها را انجام ندهد.

سؤال ۴۴۷- شخصی در شوط اول طواف بود که نماز جماعت شروع شد. بدین جهت طواف را قطع کرده، و مشغول نماز می‌شود. پس از نماز، طواف را از سر می‌گیرد، و هفت شوط کامل به جا می‌آورد. آیا طواف او صحیح است؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۴۴۸- شخصی در وسط طواف، آن را به هر دلیل رها کرده، و طواف را از سر می‌گیرد. آیا طوافش صحیح است؟ اگر اعمال بعدی را انجام داده باشد، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: طواف و اعمال بعدی در هر حال صحیح است.

سؤال ۴۴۹- تعدادی از زائران خانه خدا مشغول طواف بودند

که مأمورین نظافت مسجدالحرام شروع به نظافت نموده، و طواف کنندگان به ناچار طواف را رها کردند. مدتی طول کشید، خیال کردند موالات عرفیه به هم خورده، بدین جهت طواف را از سر گرفتند. در صورتی که به هم خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان چه حکمی دارد؟

جواب: در هر صورت اشکالی ندارد.

سؤال ۴۵۰- شخصی شوط اول طواف را، که به طور ناقص انجام شده بود، رها نموده، سپس شش شوط دیگر به جا می‌آورد، بعد از آن شوط اول را اعاده می‌کند. آیا طوافش صحیح است؟

جواب: هرگاه نیتش اجمالاً انجام طواف واجب شرعی بوده، مانعی ندارد.

سؤال ۴۵۱- شخصی نیت طواف را در دل می‌گذراند، و به قصد طواف حرکت می‌کند. پس از چند قدمی گمان می‌کند نیت طواف باید به زبان آورده شود، بدین جهت آن دور را رها نموده، و برمی‌گردد، و نیت را به زبان آورده، و طواف را از نو شروع می‌کند. آیا طوافش صحیح است؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۴۵۲- شخصی طواف خود را بر هم می‌زند و طواف دیگری را شروع می‌کند. آن را نیز بر هم زده و طواف سوم را آغاز و به اتمام می‌رساند. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: طواف آخر او اشکال ندارد. ولی سزاوار است مؤمنان از این گونه کارها حتی الامکان پرهیزند.

سؤال ۴۵۳- شخصی در شوط ششم بر اثر خستگی از ادامه طواف باز می‌ماند. بدین جهت طواف را قطع نموده، به استراحت می‌پردازد، و شخص دیگری را نایب می‌کند که بقیه طوافش را انجام دهد؛ سپس خودش نماز طواف را بجا می‌آورد. بعداً متوجه می‌شود که استراحت در وسط طواف موالات را بر هم نمی‌زند. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: بقیه طواف را خودش تکمیل می‌کند، سپس نمازش را اعاده می‌نماید.

سؤال ۴۵۴- شخصی در حال طواف غش کرده، و از ادامه طواف باز می‌ماند، و پس از چند ساعت به هوش می‌آید. آیا می‌تواند طوافش را از همان جا که قطع شده ادامه داده، سپس بقیه اعمالش را بجا آورد؟

جواب: اگر طوافش قبل از اتمام شوط چهارم قطع شده، وضو می‌گیرد و طواف را از اول شروع می‌کند، و اگر بعد از شوط چهارم بوده، پس از وضو از همانجا ادامه می‌دهد.

سؤال ۴۵۵- کسی که وظیفه‌اش اتمام و اعاده طواف است، هرگاه طواف ناقص خود را اتمام نموده، و به هنگام اعاده طواف، دوباره طوافش قطع شود. آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده کند؟

جواب: آری، فرقی نمی‌کند.

سؤال ۴۵۶- در مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند، سپس نماز طواف را بخواند، و پس از آن طواف و نماز آن را اعاده کند، اگر یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده باطل بوده، تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد، و چنانچه صحیح بوده فقط بقیه را قصد طواف داشته باشد) و سپس دو رکعت نماز طواف بخواند، آیا کفایت می‌کند؟

جواب: بهتر آن است که طواف اول را رها کرده، طواف دیگری را شروع کند. زیرا این احتیاط مستحب است.

سؤال ۴۵۷- در مواردی که طواف و سعی را اتمام و اعاده می‌کند، آیا ترتیب نیز لازم است؟

جواب: آری، احتیاط آن است که ابتدا طواف را تمام کند و نماز بخواند، سپس طواف و نماز آن را اعاده نماید، و بعد به سراغ سعی برود.

سؤال ۴۵۸- در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، آیا لازم است با لباس احرام باشد؟
جواب: لازم نیست.

احکام طواف

عدم تمکن از طواف:

مسأله ۴۵۹- هرگاه محرم بر اثر بیماری قادر بر انجام طواف نباشد تا وقت طواف تنگ شود، اگر ممکن است، او را به نحوی ببرند و طواف دهند (هر چند بر دوش بگیرند، یا بر چرخ یا تخت بنشانند. البته با رعایت شرایط و احکام طواف در حدّ ممکن) و اگر به این شکل هم ممکن نباشد، برای او نایب می‌گیرند.

نقصان طواف:

مسأله ۴۶۰- اگر محرم مشغول سعی بین صفا و مروه شود، سپس یادش بیاید که طواف را بجا نیاورده، باید سعی را رها

کرده و طواف و نماز طواف را انجام دهد، و پس از آن سعی را اعاده نماید.

سؤال ۴۶۱- اگر بعد از تقصیر متوجه نقصان یا بطلان طواف عمره شد، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: باید طواف و نماز آن را اعاده کند ولی ظاهراً از احرام خارج شده و کفاره‌ای ندارد.

سؤال ۴۶۲- اگر بعد از طواف و نماز آن متوجه شود که یک یا دو دور از طواف را بجا نیاورده، تکلیف چیست؟

جواب: باید مقدار نقصان را تدارک کند و نماز طواف را مجدداً بخواند.

کم یا زیاد کردن طواف:

مسأله ۴۶۳- کم یا زیاد کردن طواف جایز نیست. هرگاه کسی از روی عمد یا جهل چیزی بر هفت دور بیفزاید، طواف او باطل است، و اگر طواف واجب را کم کند، چنانچه قبل از فوت موالات عرفیه بازگردد و آن را تکمیل نماید، طوافش صحیح است، و الا طواف او باطل می‌شود، و باید از نو شروع کند.

مسأله ۴۶۴- طواف واجب یا مستحب را می‌توان قطع کرد، و از نو شروع نمود. (این حکم برای حل بسیاری از مشکلات طواف کارساز است؛ زیرا می‌تواند آن را رها کند، و از سر بگیرد).

مسأله ۴۶۵- هرگاه طواف را از روی عمد بیش از هفت دور به جا آورد طواف او باطل است؛ خواه از اول قصد زیادی داشته باشد، یا بعد از اتمام هفت دور قصد کند که چیزی بر آن اضافه نماید، و خواه زیادی به اندازه یک دور باشد، یا کمتر، یا بیشتر؛ اما اگر مقدار اضافی را به قصد طواف به جا نیاورد، مثل این که در اول کار یک دور با جمعیت حرکت می‌کند تا به طواف آشنا شود، سپس هنگامی که مقابل «حجر الاسود» رسید قصد طواف می‌کند، این کار ضرری ندارد، همچنین اگر بعد از تمام شدن هفت دور بر اثر کثرت جمعیت نتواند فوراً از دایره طواف خارج شود، مانعی ندارد مقداری با مردم بدون قصد طواف ادامه دهد، و بعد خارج شود.

مسأله ۴۶۶- هرگاه از روی سهو طواف را زیادتر از هفت دور به جا آورد، اگر اضافه کمتر از یک دور باشد، آن را قطع می‌کند و طوافش صحیح است، و اگر یک دور یا بیشتر باشد، احتیاط آن

است که به قصد قربت بر آن بیفزاید تا هفت دور دیگر به عنوان طواف مستحب کامل شود، و بعد دو رکعت نماز طواف واجب را به جا می‌آورد، و پس از سعی (در آنجا که سعی واجب است) دو رکعت دیگر برای طواف مستحب به جا می‌آورد. و لازم نیست قصد کند طواف اول واجب است، و دوم مستحب؛ بلکه همین اندازه که به قصد قربت انجام دهد کافی است.

مسئله ۴۶۷- هرگاه از روی سهو و فراموشی طواف واجب را ناقص بگذارد، اگر بعد از تمام کردن چهار دور باشد، برمی‌گردد و طواف را کامل می‌کند. (خواه موالات از دست رفته باشد، یا نه) و اگر قبل از چهار دور باشد چنانچه موالات به هم نخورده، می‌تواند آن را تکمیل نماید وگرنه، باید از نو شروع کند.

مسئله ۴۶۸- چنانچه پس از بازگشت به وطن متوجه نقصان در طواف شود، احتیاط آن است که برگردد، و طوافش را طبق آنچه در بالا گفتیم تکمیل کند، و اگر نتواند، یا مشکل باشد، نایب بگیرد. و احتیاط آن است که یک گوسفند در مکه، و اگر نتواند در شهر خود، قربانی نماید.

مسئله ۴۶۹- هرگاه طواف کننده از روی عمد از اول قصد کند

کمتر از هفت دور یا بیشتر بجا آورد، طوافش باطل است؛ هر چند به هفت دور تمام کند.

مسئله ۴۷۰- احتیاط واجب آن است که اگر طواف کننده از روی ندانستن مسأله، یا فراموشی یا غفلت کمتر از هفت دور یا بیشتر بجا آورد، طواف را اعاده کند.

مسئله ۴۷۱- اگر در وسط طواف از قصد هفت دور برگشت (چه قصد کرده باشد کمتر انجام دهد، و یا بیشتر) از همانجا که چنین نیتی کرده طوافش باطل است. و احتیاط آن است که طواف را به نیت صحیح تمام کرده، و سپس اعاده کند، و اگر با این قصد زیادتیر از هفت شوط انجام دهد، اصل طواف باطل می‌شود.

مسئله ۴۷۲- چنانچه شخصی گمان کند همانطور که هفت دور طواف مستحب است، یک دور هم استحباب دارد، و قصد کند هفت دور طواف واجب کند، و یک دور مستحب هم به دنبال آن انجام دهد، یا به همین نیت هشت دور طواف کند، طوافش صحیح است، ولی آن یک دور بی فایده و باطل است؛ زیرا طواف، کمتر از هفت دور نیست.

سؤال ۴۷۳- شخصی چند متر از یک شوط طواف را خراب کرده، و چون محلّ دقیق آن را نمی‌دانسته آن را رها نموده، و یک شوط دیگر از حجر الاسود شروع و به آنجا ختم کرده است. اگر نیت او این باشد که آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود، و زیادی قبلی و بعدی به عنوان مقدّمه علمیه باشد، طوافش چه حکمی دارد؟

جواب: طوافش صحیح است، مگر این که بعد از خراب شدن آن شوط، آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد.

سؤال ۴۷۴- کودک نابالغی با اجازه پدرش محرم شده، و طواف را نیمه کاره رها کرده، به تصوّر این که همان مقدار کافی است، و سعی را نیز از طبقه دوم انجام داده است. اکنون تکلیف او چیست؟

جواب: سعی و طواف باطل است. باید طواف و نماز و سعی را اعاده نموده، سپس تقصیر نماید.

سؤال ۴۷۵- شخصی پس از تمام شدن هفت دور طواف، دو دور دیگر برای جبران نقص احتمالی به قصد احتیاط به جا

می‌آورد. آیا این عمل ضرری به طوافش می‌رساند؟

جواب: طواف او اشکالی ندارد.

سؤال ۴۷۶- شخصی به هنگام سعی بین صفا و مروه متوجه می‌شود بیش از هفت دور طواف کرده است. وظیفه او چیست؟

جواب: احتیاط آن است که سعی را تکمیل نموده، سپس طواف و نماز طواف و سعی را دوباره بجا آورد، و پس از آن تقصیر کند.

سؤال ۴۷۷- اگر هنگام خروج از محلّ طواف بعد از دور هفتم، مقداری از مسافت را به قصد آن که جزء طواف باشد به جا آورد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر عمدی باشد، طوافش باطل می‌شود، و اگر سهوی باشد باید قطع کند، و طوافش صحیح است.

قران در طواف:

مسأله ۴۷۸- «قران»، یعنی دو طواف را پشت سر هم بجا آوردن بی آن که در وسط آن نماز طواف بخواند، اگر در طواف واجب باشد حرام است، ولی طواف اوّل باطل نمی‌شود؛ مگر

این که از آغاز چنین قصدی داشته باشد، که در این صورت صحیح بودن طواف اوّل او مشکل است.

مسأله ۴۷۹- «قران» در طواف مستحب مکروه است، ولی حرام و باطل نیست.

مسأله ۴۸۰- اگر شخص محرم یک دور، یا کمتر، یا بیشتر، بر هفت دور بیفزاید، و قصدش این باشد که مقدار اضافه جزء آن طواف نباشد، حکم قران میان دو طواف را دارد که حرام است، ولی طواف اوّل باطل نیست.

سؤال ۴۸۱- زنی به همراه شوهرش، که یک دور طواف را انجام داده بود، شروع به طواف می‌کند، و پس از اتمام طواف همسرش، که دور ششم او بوده، طواف را از سر می‌گیرد، و هفت دور دیگر می‌زند. طواف اوّل و دوّم زن چه حکمی دارد؟
جواب: طوافی را که از سر گرفته صحیح است.

سؤال ۴۸۲- آیا «قران در طواف» که حرام است، طواف را نیز باطل می‌کند؟

جواب: اگر از اوّل یا در وسط طواف اوّل، قصد قران داشته احتیاط در اعاده طواف است، و اگر بعد از تمام شدن طواف اوّل قصد قران کرده، طواف اوّل باطل نمی‌شود.

سؤال ۴۸۳- شخصی پس از انجام هفت دور طواف عمره مفرده، با خود می‌گوید: «این طواف دلچسب نشد» بدین جهت و بدون خواندن نماز طواف، هفت دور دیگر طواف می‌کند، سپس نماز و سعی را انجام داده، و تقصیر می‌کند. آیا عمل او صحیح است؟

جواب: عمل او صحیح است؛ هر چند ناآگاهانه داخل در قران حرام شده است.

شک در طواف:

مسأله ۴۸۴- اگر بعد از فراغت از طواف، در عدد دورهای طواف یا شرایط طواف مانند وضو و غیره شک کند اعتنا نمی‌کند.

مسأله ۴۸۵- هرگاه بعد از رسیدن به «حجر الاسود» شک کند هفت دور به جا آورده، یا هشت دور، یا بیشتر، نباید اعتنا کند، و طوافش صحیح است. همچنین اگر در وسط دور شک کند که دور هفتم است یا بیشتر، آن دور را تمام کند، و طوافش صحیح است.

مسألة ۴۸۶- اگر در آخر دور، یا در وسط دور، شک کند شش دور به جا آورده، یا هفت دور، طواف او بنا بر احتیاط واجب باطل است، و باید آن را رها کرده، از نو شروع کند. همچنین است در هر موردی که یک طرف شک کمتر از هفت دور باشد؛ اما در طواف مستحب در این موارد بنا بر کمتر می‌گذارد، و طواف را کامل می‌کند و طوافش صحیح است.

مسألة ۴۸۷- شخص کثیر الشک که در طواف زیاد شک می‌کند نباید به شک خود اعتنا کند، و آن طرفی را که مناسبتر برای او است بگیرد؛ مثلاً اگر میان پنج و شش شک کند، بنا بر شش می‌گذارد و اگر میان هفت و هشت شک کند، بنا را بر هفت می‌گذارد.

مسألة ۴۸۸- ظنّ و گمان در مسائل گذشته در حکم شک است، و باید مطابق حکم شک عمل کند.

مسألة ۴۸۹- مانعی ندارد که انسان برای شمردن دورهای طواف به رفیق و همراه خود اعتماد کند (در صورتی که فرد مورد اعتمادی باشد).

مسألة ۴۹۰- بعضی برای حفظ عدد دورهای طواف، دعای

توسّل و مانند آن را شروع می‌کنند، تا به هفتمین معصوم علیهم السلام برسند. این کار مناسب نیست؛ به خصوص اگر با صدای بلند خوانده شود. بهتر است از اذکار دیگر استفاده شود.

سؤال ۴۹۱- اگر فردی در طواف‌های متعدد هر بار در یک مورد شک می‌کند (در اشواط، در بطلان، طهارت، هل دادن) چه تکلیفی دارد؟

جواب: هرگاه کثیر الشک محسوب شود، اعتنا به شکش نکند.

سؤال ۴۹۲- اگر در هنگام طواف در صحت دور سابق، یا قسمتی از دور فعلی - که مشغول انجام آن است و محل آن گذشته - شک کند، چه حکمی دارد؟ مثلاً مشغول انجام دور چهارم است و از حجر اسماعیل هم گذشته، ولی در صحت دور سوم شک دارد، یا در مورد دور چهارم شک دارد که از داخل حجر طواف کرده، یا از خارج آن دور زده است. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: طوافش صحیح است.

سؤال ۴۹۳- شخصی به هنگام انجام طواف در تعداد دورهای

طواف شک کرد، و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود بنا را بر آن طرف گذاشت. پس از انجام اعمال، یقین به صحت طواف پیدا کرد. آیا طوافش صحیح است؟

جواب: صحیح است.

سؤال ۴۹۴- اگر حاجی در حال طواف، یا سعی، شک کند که دور چندم طواف یا سعی است، و با همین حال عمل خویش را ادامه دهد، سپس به یک طرف شک یقین پیدا کرده، و عمل را تمام نماید، آیا چنین عملی صحیح می‌باشد؟

جواب: اگر طواف یا سعی را به امید انجام وظیفه شرعی ادامه دهد، و بعد یقین پیدا کند اشکالی ندارد، و طواف و سعی او صحیح است.

سؤال ۴۹۵- گاه انسان شک می‌کند که فلان شوط طواف را درست انجام داده، یا نه؟ آیا جایز است بعد از طواف یک شوط دیگر به عنوان احتیاط به جا آورد، سپس نماز طواف را بخواند؟

جواب: با قصد مذکور مانعی ندارد.

سؤال ۴۹۶- شخصی در پایان یکی از دورهای طواف آن را رها کرده، و لحظه‌ای استراحت می‌کند. هنگامی که برای

تکمیل آن برمی‌گردد شک می‌کند که شوط پنجم بوده، یا ششم؟ وظیفه‌اش را بیان فرمائید.

جواب: احتیاط واجب آن است که آن طواف را رها کند، و از نو شروع نماید.

سؤال ۴۹۷- معیار و ملاک کثیر الشک بودن در طواف چیست؟

جواب: کثیر الشک بودن یک امر عرفی است؛ یعنی مردم بگویند او بسیار شک می‌کند.

سؤال ۴۹۸- کسی که با کاروان طواف می‌کند اگر همراهان می‌گویند هفت دور شده و خودش فکر می‌کند که شش دور انجام داده است یا بالعکس وظیفه او چیست؟

جواب: اگر از گفته دیگران اطمینان به تعداد دورها حاصل نکند باید به یقین خود عمل نماید، ولی اگر با گفته دیگران شک برایش حاصل شود طواف او باطل است.

نیابت در طواف:

مسأله ۴۹۹- طواف دادن شخصی که خود می‌تواند طواف کند با چرخ یا تخت روان مانعی ندارد.

سؤال ۵۰۰- آیا کسانی که قادر به انجام طواف نیستند باید نایب بگیرند؟ یا لازم است توسط چرخ، یا تخت‌های مخصوص طواف داده شوند؛ هر چند آنها را در خارج از محدوده، یا از طبقه بالا، طواف دهند؟

جواب: نیابت لازم نیست، و طواف به شکل مزبور صحیح است، و طواف از طبقه بالا به هنگام ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۵۰۱- آیا قسمتی از طواف، برای کسانی که قادر نیستند تمام آن را خودشان انجام دهند، قابل نیابت هست؟

جواب: در صورت امکان آنها را در باقیمانده سوار بر چرخ و مانند آن طواف دهند، در غیر این صورت، برای تمام طواف نایب بگیرند.

سؤال ۵۰۲- شخص ناتوانی که به خاطر گرانی نمی‌تواند طواف را بوسیله تخت روان و مانند آن انجام دهد، آیا می‌تواند نایب بگیرد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۵۰۳- آیا مُحرم می‌تواند قبل از انجام طواف واجب خود به نیابت از معذور طواف انجام دهد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۵۰۴- آیا کسی که فقط نیابت در طواف یا سعی می‌کند لازم است لباس احرام بپوشد؟
جواب: لازم نیست.

دیگر احکام طواف:

مسئله ۵۰۵- سخن گفتن و خندیدن در حال طواف، و حتی خوردن چیزی، طواف را باطل نمی‌کند؛ ولی بهتر است در حال طواف (خواه واجب باشد، یا مستحب) سخنی جز ذکر خدا و دعا نداشته باشد، و با حضور قلب این عبادت بزرگ را انجام دهد، و از هر کاری که حضور قلب را می‌کاهد، پرهیز کند.

سؤال ۵۰۶- اگر طواف، یا نماز طواف، یا سعی شخصی در عمره به جهتی باطل شده، و آن شخص بدون توجه به این مطلب تقصیر نموده، و از احرام خارج شده باشد، سپس متوجه بطلان عمل مذکور گردد، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: باید عمل باطل شده را جبران کند، ولی ظاهراً از احرام خارج شده، و کفاره‌ای ندارد.

سؤال ۵۰۷- شخصی طواف عمره خویش را غلط انجام داده، و پس از آن، چندین طواف نیابی نیز به همان صورت به جا آورده است. تکلیف او در مورد طوافهای مذکور چیست؟

جواب: اگر از روی سهو و فراموشی باشد عمره او صحیح است، و اگر عمدتاً یا جهلاً بوده، عمره او اشکال دارد. طوافهای نیابی نیز همین حکم را دارد.

سؤال ۵۰۸- هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و اعمال عمره، نظیر طواف و سعی، را جهلاً یا عمدتاً با لباس دوخته انجام دهد، اعمالش چه حکمی دارد؟

جواب: طواف و سعی مزبور صحیح، و عمره مذکور مُجزی است، ولی اگر عمدتاً باشد کفاره دارد.

سؤال ۵۰۹- به هنگام طواف، و بر اثر فشار و ازدحام، بعضی از وسائل طواف کنندگان مثل ساعت، انگشتر، احرامی، شانه و مانند آن، روی زمین و زیر دست و پای طواف کنندگان می‌افتد، که برداشتن آن خطرناک است. بعضی از طواف کنندگان پا روی آن می‌گذارند. آیا این عمل ضرری به طواف آنها می‌زند؟

جواب: اشکالی ندارد، ولی عمدتاً پا روی آن نگذارند.

سؤال ۵۱۰- اگر انسان هنگام طواف پا روی احرامی دیگران بگذارد، و بداند این کار موجب اذیت و آزار صاحب آن می‌شود، طوافش چه حکمی دارد؟

جواب: به طواف ضرری نمی‌زند، ولی عمدتاً این کار را نکند.

سؤال ۵۱۱- حجاج اهل سنت هنگام طواف وقتی به محاذی حجرالاسود می‌رسند، دستها را بلند کرده و تکبیر می‌گویند، و سپس به طواف خود ادامه می‌دهند. آیا این کار طبق نظر علمای شیعه نیز سفارش شده است؟

جواب: این کار سفارش نشده است.

سؤال ۵۱۲- گاه در حال طواف تماس با بدن نامحرم حاصل می‌شود آیا ضرری برای طواف ندارد؟

جواب: طواف او باطل نمی‌شود، و کفاره‌ای هم ندارد، حتی اگر خدای نکرده از روی عمد باشد، ولی باید مراقب دام‌های شیطان بود.

سؤال ۵۱۳- نظر به اهمّیت اعمال حج، به خصوص طوافها و نماز آن، بعضی از حجاج پاره‌ای از اعمال را، هر چند ظاهراً

نقصی ندارد، احتیاطاً چند بار انجام می‌دهند. چه حکمی دارد؟
جواب: نباید گرفتار وسواس شد؛ ولی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانعی ندارد.

۳- نماز طواف

مسأله ۵۱۴- واجب است بعد از طواف واجب، دو رکعت نماز بخواند، و احتیاط واجب آن است که این نماز را پشت مقام ابراهیم بجا آورد، ولی لازم نیست متصل به آن باشد؛ بلکه همین اندازه که بگویند پشت مقام ابراهیم بجا آورده کافی است.

محلّ نماز طواف:

مسأله ۵۱۵- محلّ نماز طواف واجب - چنانکه گفتیم - پشت مقام ابراهیم است، ولی اگر فشار جمعیت زیاد باشد، می‌تواند در یکی از دو طرف مقام ابراهیم، یا عقب‌تر از مقام، نماز بخواند، به خصوص در مواقعی که جمعیت طواف کننده به قدری زیاد

است که صفوف طواف کنندگان به پشت مقام ابراهیم می‌رسد، و خواندن نماز در آنجا مشکل می‌شود، در این حال نباید اصرار بر خواندن نماز در نزدیکی مقام ابراهیم داشت، بلکه باید در جایی که این مشکل وجود ندارد خوانده شود، و کارهایی که بعضی از عوام انجام می‌دهند، مانند این که گروهی دست به دست هم می‌دهند، و حریمی برای نمازگزاران مورد نظر درست می‌کنند، هیچ ضرورتی ندارد و اگر برای طواف کنندگان، یا سایر نمازگزاران ایجاد مزاحمت کند، خالی از اشکال نیست بلکه باید عقب‌تر برود تا جایی که مزاحم طواف کنندگان نباشد.

سؤال ۵۱۶- این که فرموده‌اید: «واجب آن است که نماز طواف را پشت مقام بجا آورند» پشت مقام تا چه اندازه است، آیا می‌توان حدّ معینی برای آن فرض کرد؟

جواب: این امر عرفی است؛ یعنی مردم بگویند نماز او پشت مقام است.

سؤال ۵۱۷- شخصی با اعتقاد به این که حجر اسماعیل مقام ابراهیم است، نمازش را در آنجا بجا آورده است. وظیفه‌اش چیست؟ اگر بعد از تقصیر متوجه شود، آیا اعمال بعد از نماز هم باید اعاده گردد؟

جواب: باید نمازش را در پشت مقام ابراهیم اعاده کند، و اعاده اعمال بعد لازم نیست.

سؤال ۵۱۸- آیا نماز در پشت مقام ابراهیم حکم تکلیفی است، یا وضعی؟ به عبارت دیگر، اگر کسی (مثلاً) نمازش را نزدیک دیوار زمزم بخواند، آیا نمازش باطل است، یا فقط معصیت کرده، ولی نماز صحیح است؟

جواب: خواندن نماز طواف واجب پشت مقام ابراهیم جزء شرایط است، و جنبه حکم وضعی دارد، ولی اگر بر اثر ازدحام نتواند نماز را پشت مقام بخواند، تا جایی که مزاحمتی برای طواف کنندگان نداشته باشد عقب‌تر می‌رود.

سؤال ۵۱۹- هرگاه فردی به خاطر ازدحام یا نزدیک شدن وقت نمازهای واجب نتواند نماز طواف را پشت مقام بخواند، آیا باید صبر کند تا خلوت شود، یا می‌تواند فوراً نمازش را در جایی که مقدور است بخواند، ولو در ساعت‌های بعد، در جای نزدیکتر می‌تواند اعاده نماید؟

جواب: می‌تواند در جایی که مقدور است بخواند، و صبر کردن برای نزدیکتر خواندن لازم نیست.

سؤال ۵۲۰- اگر کسی نماز طواف را در مکانی غیر از مقام ابراهیم بخواند، و با اعتقاد به صحت آن، بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟

جواب: فقط باید نماز را اعاده کند.

سؤال ۵۲۱- در یکی از روزنامه‌های عربستان مقاله‌ای تحت عنوان: «آیا جایجایی مقام ابراهیم مناسب است؟» به چاپ رسیده، و مطالبی در مورد لزوم این کار به منظور رفع مانع برای طواف کنندگان مطرح شده است. لطفاً بفرمائید:

(الف) چنین اقدامی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: جایجایی مقام ابراهیم ضرری به امر طواف نمی‌زند؛ زیرا جایز است طواف در دو طرف مقام ابراهیم انجام شود؛ اما از آنجا که مقام ابراهیم معیاری برای محل نماز «طواف واجب» است، و این تغییر سبب می‌شود که معیار مزبور به هم بخورد، تغییر آن شرعاً مجاز نیست.

(ب) در صورت عملی شدن این طرح، تکلیف حجّاج در مورد طواف و نماز طواف چیست؟

جواب: همان طور که گذشت برای طواف مشکلی ایجاد

نمی‌شود؛ زیرا طواف در پشت مقام نیز جایز است؛ اما اگر خدایی نکرده آنها اقدام به چنین کار خلافی کنند، زائران باید محلّ تقریبی فعلی آن را برای نماز «طواف واجب» در نظر بگیرند، و طبق آن عمل کنند.

سؤال ۵۲۲- گاه انسان می‌داند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف کنندگان او را حرکت داده، جا بجا می‌کنند؛ ولی در عین حال نماز را شروع می‌کند. اگر این نماز را تمام کند صحیح است؟

جواب: اگر به امید این که بتواند آن را کامل کند انجام داده، و او را جا به جا نکردند، نماز او صحیح است، و اگر کمی جا به جا کنند، به طوری که صورت نماز به هم نخورد، و در حال جا به جایی سکوت کند، آن نیز مانعی ندارد.

سؤال ۵۲۳- شخصی مشغول نماز طواف بود که طواف کنندگان او را حرکت دادند. پس از استقرار ذکر را که در حال حرکت خوانده بود تکرار کرد، ولی دوباره او را حرکت دادند، او نیز ذکر را تکرار کرد. آیا نمازش صحیح است؟

جواب: اگر طوری حرکت داده‌اند که استقرار او از بین

رفته، تکرار ذکر مانعی ندارد؛ در غیر این صورت، تنها به قصد احتیاط تکرار کند، به شرط آن که از روی وسواس نباشد.

سؤال ۵۲۴- هنگامی که قسمتی از زمین مسجد الحرام نجس می‌شود، کارکنان آنجا اقدام به تطهیر آن به روش غیر صحیح می‌کنند. آیا نماز خواندن بر روی آن قسمت از زمین، که به روش فوق تطهیر شده و هنوز مرطوب است، جایز است؟
جواب: احتیاط آن است که در مکان دیگری نماز بخواند؛ ولی اگر یقین به نادرستی روش آنها ندارد اشکالی ندارد، و جستجو در این امور لازم نیست.

سؤال ۵۲۵- آیا در نماز طواف رعایت تقدّم و تأخّر بین مرد و زن لازم است؟

جواب: لازم نیست ولی اگر به سهولت بتوان این مطلب را رعایت کرد، احتیاط رعایت آن است.

سؤال ۵۲۶- در موقع نماز طواف امکان ندارد که مردان و زنان طوری بایستند که محاذی هم نباشند، یا زنان جلوتر از مردان مشغول نماز نشوند. در این صورت نماز چه حکمی دارد؟

جواب: در این شرایط اشکالی ندارد.

سؤال ۵۲۷- آیا طواف عمره مفرده مستحب، حکم طواف واجب را دارد، که باید نماز آن پشت مقام ابراهیم باشد یا حکم طواف مستحبی را دارد که می‌توان در هر جای مسجد الحرام آن را خواند؟

جواب: حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن پشت مقام ابراهیم باشد، البته به مقداری که میسر است.

کیفیت نماز طواف:

مسألة ۵۲۸- نماز طواف را می‌توان بلند یا آهسته خواند، و اذان و اقامه ندارد، و در چیزهای دیگر شبیه نماز صبح است؛ ولی بنا بر احتیاط واجب، جماعت در نماز طواف مشروع نیست.

مسألة ۵۲۹- در نماز طواف هر سوره‌ای، جز سوره‌های سجده را می‌توان خواند؛ ولی مستحب است در رکعت اول پس از حمد سوره «توحید» و در رکعت دوم سوره «کافرون» را بخواند.

سؤال ۵۳۰- اگر خانمی اذکار نماز طواف را به قدری بلند بخواند که نامحرم بشنود، چه حکمی دارد؟

جواب: مانعی ندارد، ولی بهتر است آهسته تر بخواند.

سؤال ۵۳۱- آیا روحانی کاروان، که نماز طوافش را به صورت فرادی خوانده، می تواند همان نماز را مانند نمازهای یومیته، به نیت جماعت برای افراد کاروان امامت کند؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب نماز طواف را نمی توان با جماعت خواند.

اصلاح قرائت نماز:

مسأله ۵۳۲- بر هر مکلفی واجب است قرائت نماز خود را یاد بگیرد؛ یعنی حمد و سوره و سایر ذکرهای نماز را به طور صحیح بخواند؛ ولی اگر به علت بیسوادی، یا علل دیگر، بعد از تلاش لازم نتوانست قرائت را به طور کامل بخواند، همان مقدار که می تواند کافی است، و اگر می تواند یاد بگیرد، اما کوتاهی کند، معصیت نموده است، ولی اگر وقت تنگ باشد، و فرصت برای یاد گرفتن نباشد، باید به همان مقدار که توانایی دارد نمازها و از جمله نماز طواف را بخواند، و نایب گرفتن لازم نیست.

مسأله ۵۳۳- اگر کسی نمی داند که قرائت نمازش درست نیست، و در نادانی خود معذور باشد، نمازش صحیح است، و اعاده ندارد؛ اما اگر مقصر بوده، لازم است پس از درست کردن قرائت، نمازش را اعاده کند؛ وگرنه معصیت کرده است.

مسأله ۵۳۴- همه نمازها را باید با قرائت صحیح انجام داد. زائران خانه خدا باید از فرصت استفاده کنند، و به هنگام اراده این سفر بزرگ روحانی، قرائت نماز خود را برای اهل علم بخوانند، و اگر ایرادی دارد برطرف نمایند، تا اعمال آنها از هر نظر خالی از اشکال باشد.

مسأله ۵۳۵- برای صحیح بودن قرائت، دقتهای علمای تجوید شرط نیست؛ همین اندازه که در عرف عرب بگویند کلمات را صحیح ادا می کند کافی است.

سؤال ۵۳۶- شخصی که نمازش غلطهای فراوانی دارد، و به احرام عمره مفرده محرم شده، و وارد مکه می شود، و (مثلاً) هفت روز در مکه توقف می کند. آیا واجب است تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح نماید، سپس شروع به طواف و نماز کند، یا وظیفه دیگری دارد؟

جواب: لازم است صبر کند، و نمازش را به مقداری که می تواند اصلاح کند.

سؤال ۵۳۷- هرگاه شخصی مطمئن بوده که قرائت و اذکار نمازش را به طور صحیح انجام می داده، و نماز طواف را بر همان اساس خوانده است، اکنون معلوم شده که اشتباهاتی در قرائت نماز دارد. چه باید بکند؟

جواب: اگر احتمال غلط بودن آن را نمی داده، نمازش صحیح بوده است، ولی برای نمازهای روزانه آینده اشتباهاتش را اصلاح کند.

ترک نماز طواف:

مسئله ۵۳۸- هرگاه کسی از روی عمد نماز طواف را ترک کند، باید برگردد و بجا آورد، ولی اگر به موقع بجا نیاورد، عمره او باطل نیست؛ بلکه فقط گناه کرده و باید آن را جبران کند.

مسئله ۵۳۹- اگر شخصی نماز طواف را بجا نیاورد و بمیرد، بر پسر بزرگ او واجب است که قضای آن را بجا آورد؛ و اگر شخص دیگری نیز بجا آورد کفایت می کند.

مسئله ۵۴۰- هرگاه شخصی از روی سهو، یا جهل و ندانستن مسئله، نماز طواف واجب را ترک کند، در صورت امکان باید برگردد و نماز را پشت مقام بجا آورد، و اگر برگشتن برای او مشقت دارد، هر جا که هست نماز را بجا آورد؛ حتی اگر در وطن خود باشد.

مسئله ۵۴۱- هرگاه نماز طواف را فراموش کند، و در حال سعی یادش بیاید، سعی را رها می کند، و برمی گردد نماز طواف را بجا می آورد، سپس سعی را از همان جا که رها کرده ادامه می دهد.

مسئله ۵۴۲- هرگاه نماز طواف را فراموش کند، و اعمال پس از نماز را بجا آورد، و پس از توجه نماز طواف را انجام دهد، اعاده اعمال پس از نماز برای او لازم نیست؛ هر چند احتیاط مستحب در اعاده آن اعمال است.

زمان نماز طواف:

مسئله ۵۴۳- احتیاط واجب آن است که نماز طواف را بلافاصله بعد از طواف بجا آورد؛ مگر این که یادش برود، که حکم آن گفته شد.

مسأله ۵۴۴- نماز طواف را در همه اوقات می‌توان خواند، مگر این که با وقت نماز واجب مزاحمت کند، به گونه‌ای که خواندن نماز طواف در آن وقت باعث از دست رفتن نماز واجب شود، که در این صورت باید نماز روزانه را مقدم داشت.

مسأله ۵۴۵- هرگاه به واسطه مانعی - مثل باطل شدن وضو، یا نجس شدن لباس و بدن، یا ازدحام جمعیت برای نماز جماعت روزانه، و مانند آن - نتواند نماز طواف را بلافاصله پس از طواف بجا آورد، بعد از رفع مانع بجا می‌آورد، و طواف و نمازش صحیح است.

مسأله ۵۴۶- در احکامی که ذکر شد، جاهل به مسأله در حکم کسی است که فراموش کرده است.

مسأله ۵۴۷- اگر مُحرم نماز طواف را قبل از طواف خوانده، باید پس از انجام طواف آن را اعاده کند.

سؤال ۵۴۸- آیا جایز است در میان طواف و نماز طواف، نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگری بجا آورد؟

جواب: احتیاط در ترک آن، و اقدام به انجام نماز طواف است.

سؤال ۵۴۹- آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز آن، به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد، و اصولاً چه مقدار فاصله ضرر دارد؟
جواب: این مقدار اشکال ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است، و در صورت تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست.

سؤال ۵۵۰- در مناسک فرموده‌اید باید نماز طواف را پس از طواف بدون فاصله بجا آورد؛ آیا فوریت نماز بعد از طواف، وضعی است یا تکلیفی و اگر شخص به فاصله مثلاً یک ساعت بعد از طواف نماز را بخواند، چه حکمی دارد؟

جواب: ظاهراً حکم وضعی است و اگر عمداً فاصله زیادی بیندازد، احتیاط آن است که طواف را اعاده کند و بعد از آن نماز طواف را بجا آورد.

شک در نماز طواف:

مسأله ۵۵۱- شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است، و باید اعاده کند، و احتیاط واجب در ظنّ به رکعات اتمام، سپس اعاده است، و در ظنّ در افعال نماز، باید نمازگزار احتیاط کند، و در سایر احکام، نماز طواف همانند نماز یومیّه است.

وظیفه زنان حائض :

سؤال ۵۵۲- خانمی برای عمره مفرده محرم شد و پس از ورود به مکه و انجام طواف و قبل از بجا آوردن نماز طواف حائض گردیده است، وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر وقت دارد، صبر کند تا پاک شود و نماز طواف را بخواند و پس از آن بقیه اعمال را بجا آورد و چنانچه وقت تنگ است، کسی در نماز از او نیابت می‌کند، سپس سعی و تقصیر را انجام داده و برای طواف و نماز طواف نساء نیز نایب می‌گیرد.

مسائل دیگر:

سؤال ۵۵۳- آیا محمول نجس (همراه داشتن دستمال نجس، و امثال آن) در طواف و نماز طواف جایز است؟

جواب: پوشیدن لباسهایی که به تنهایی ستر عورت نمی‌کند، در طواف و نماز طواف اشکالی ندارد؛ همچنین محمول نجس و متنجس.

سؤال ۵۵۴- وضوی شخصی پس از طواف باطل می‌شود، ولی بر اثر خجالت وضو نمی‌گیرد، و به همان شکل نماز

طوافش را به جا آورده، و به دنبال آن سعی و تقصیر نموده، و از احرام خارج می‌شود. وظیفه او چیست؟

جواب: باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

سؤال ۵۵۵- گاه در پشت مقام ابراهیم ازدحام زیاد است، و چون زن و مرد در کنار هم هستند احیاناً مورد فشار ازدحام قرار می‌گیرند. در صورتی که خوف فسادی نرود، آیا به نماز طواف ضرری می‌زند؟

جواب: در فرض سؤال برای نماز ضرر ندارد.

طوافهای مستحبی

مسألة ۵۵۶- یکی از مستحبات بسیار مؤکد برای کسانی که در مکه هستند طواف خانه خداست، که مانند طواف واجب هفت دور است، و بعد از آن دو رکعت نماز طواف خوانده می‌شود؛ ولی سعی صفا و مروه ندارد، و این از افضل عبادات در مسجدالحرام است. در حدیثی، امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «در اطراف کعبه صد و بیست رحمت الهی وجود دارد. نیمی از آن مخصوص طواف کنندگان، و چهل قسمت از آن مربوط به نمازگزاران، و بیست قسمت دیگر، از آن نگاه کنندگان به کعبه است.»^۱

مسألة ۵۵۷- انسان می‌تواند به نیت خود، یا به نیت دوستانی

که در مکه نیستند، اعمّ از اموات و غیر اموات، این طواف را به جا آورد.

مسأله ۵۵۸- طوافهای مستحب، بر عمره‌های متعدّد در یک ماه که به قصد رجا بجا می‌آورند، ترجیح دارد.

مسأله ۵۵۹- طواف مستحب مانند طواف واجب است؛ ولی در موارد زیر تفاوت دارد:

۱- در طواف مستحب وضو شرط نیست؛ هر چند افضل آن است که با وضو باشد، ولی برای نماز طواف باید وضو بگیرد.

۲- نماز طواف مستحب را در هر جایی از مسجد الحرام می‌توان به جا آورد، و لازم نیست پشت مقام ابراهیم باشد؛ حتّی در حال اختیار.

۳- موالات در طواف مستحب لازم نیست، و می‌تواند میان شوطهای آن جدایی بیندازد.

۴- قطع طواف نافله بدون عذر و ضرورت جایز است؛ اگر چه نخواهد بقیه اشواط را بجا آورد؛ امّا طواف واجب، بنا بر احتیاط واجب، نباید در غیر موارد ضرورت قطع شود.

۵- شک در نقصان دوره‌های طواف مستحب اشکالی ندارد، و بنا را بر کمتر می‌گذارد.

ع- «قران» در طواف واجب جایز نیست؛ یعنی دو طواف را پشت سر هم بدون نماز نمی‌توان انجام داد، ولی در طواف مستحب جایز و مکروه است.

۷- قطع طواف مستحب در غیر موارد ضرورت نیز جایز است، و بعداً از هر کجا قطع کرده بقیه را به جا می‌آورد، و احتیاج به گذشتن از دور چهارم نیست.

مسأله ۵۶۰- بهتر است در مواقعی که گروه زیادی مشغول انجام طواف واجب هستند، و ازدحام شدید است، از طواف مستحب خودداری شود. تا محلّ طواف در اختیار کسانی که طواف واجب می‌کنند قرار گیرد.

مسأله ۵۶۱- طواف مستحب وقت و تعداد معینی ندارد، و در هر موقع از شب یا روز می‌توان انجام داد. ولی هر طواف باید هفت دور باشد.

مسأله ۵۶۲- طواف مستحب لباس احرام نمی‌خواهد، و سخن گفتن در آن (مانند طواف واجب)، جایز است. هر چند بهتر است که مشغول ذکر خدا باشد، یا دعا بخواند.

مسأله ۵۶۳- بلند خواندن دعاها در طواف مستحب و واجب،

به طوری که مزاحمت برای دیگران فراهم شود، کار درستی نیست.

سؤال ۵۶۴- هرگاه زنان در طوافهای مستحبی بدانند که چشم آنها به بدن مردان می‌افتد، و امکان دارد در بین فشار مردان هم قرار گیرند، طوافشان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر عمداً و از روی اختیار نگاه نکنند اشکال ندارد؛ ولی بهتر است در ازدحام مراعات کنند.

سؤال ۵۶۵- آیا در طوافهای مستحبی هم ختنه شرط است؟
جواب: آری، شرط است.

سؤال ۵۶۶- آیا می‌توان فقط طواف مستحبی انجام داد و نماز آن را نخواند؟

جواب: احتیاط آن است که نماز آن هم خوانده شود.

سؤال ۵۶۷- آیا می‌توان هر دور از دورهای هفت گانه طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین به جا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یکی نفر انجام داد؟

جواب: نیابت در یک شوط صحیح نیست، ولی می‌تواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد؛ و ثواب هر شوط را به یک نفر اهدا کند.

۴- سعی صفا و مروه

مسألة ۵۶۸- سعی صفا و مروه از واجبات «عمره مفرده» است، و منظور از آن رفت و آمد میان این دو کوه کوچک است. از «صفا» به سوی «مروه» می‌رود، و از «مروه» به «صفا» باز می‌گردد، تا هفت دور تمام شود (رفتن از یکی به دیگری یک دور حساب می‌شود). بنابراین، چهار بار از صفا به مروه می‌رود، و سه بار باز می‌گردد، و دفعه چهارم باز نمی‌گردد، که در مجموع هفت دور می‌شود.

واجبات سعی:

مسألة ۵۶۹- در سعی چند چیز واجب است:
اول: نیت، دوم: شروع از صفا، سوم: ختم کردن به مروه،

چهارم: هفت دور تمام، پنجم: سعی داخل در مسعی انجام گیرد، ششم: به صورت متعارف انجام گیرد، هفتم: غصبی نبودن لباس، ستر عورت در مردان و حجاب در زنان.

۱- نَبْت

مسألة ۵۷۰- واجب است سعی را با «قصد» و برای رضای خدا انجام دهد، و همین اندازه که اجمالاً بداند چه می‌کند، و برای حج یا عمره سعی می‌نماید، کافی است، و گفتن به زبان لازم نیست.

۲- شروع از «صفا»

مسألة ۵۷۱- اگر سعی را سهواً از مروه شروع کند، هر وقت فهمید باید اعاده نماید، و در صورتی که در بین سعی بفهمد، چنانچه آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد، و بقیه را تکمیل کند، کفایت می‌کند.

سؤال ۵۷۲- اگر شخصی سعی خود را از مروه شروع کند و به صفا ختم نماید، و پس از چند روز به اشتباه خود پی ببرد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: چنانچه به خاطر ندانستن مسأله باشد، باید سعی را از نو به جا آورد، و اگر از روی سهو و فراموشی باشد، کافی است یک دور از صفا به مروه برود، و احتیاط مستحب آن است که هفت دور به قصد ما فی الذمه بجا آورد.

سؤال ۵۷۳- وظیفه کسی که سعی را از مروه آغاز کرده چیست؟

جواب: در صورتی که شوط اول را اسقاط کند، سپس بقیه را تکمیل نماید تا این که هفت دور به مروه خاتمه یابد، سعی او صحیح است.

۳- ختم کردن به «مروه»

مسألة ۵۷۴- رفتن از صفا به مروه^۱ یک دور، و بازگشت از آن، دور دوم حساب می‌شود. بنابراین، دور هفتم به مروه ختم می‌شود.

۱. چنانکه گفته شد صفا و مروه دو کوه کوچک نزدیک مسجد الحرام است، که هنگام بیرون آمدن از مسجد از طرف صفا و مروه «صفا» در طرف راست، و «مروه» در سمت چپ قرار دارد. بنابراین، حاجی نخست به صفا آمده، و از آن شروع می‌کند.

۴- سعی هفت دور تمام باشد

مسئله ۵۷۵- باید سعی صفا و مروه هفت دور تمام باشد؛ نه کمتر و نه بیشتر.

مسئله ۵۷۶- باید تمام فاصله میان این دو کوه کوچک را ببیماید، و با توجه به این که در حال حاضر قسمتی از دامنه این دو کوه با سنگ پوشانیده شده، همین اندازه که سر بالایی را ببیماید کافی است. بنابراین، لازم نیست به قسمت لخت کوه برود، و پای خود را به آن بچسباند، و کارهای نادرستی را (مانند بالا رفتن از کوه) که بعضی عوام انجام می‌دهند، انجام دهد.

مسئله ۵۷۷- اگر کسی عمداً سعی را کم یا زیاد کند، سعی او باطل است، و اگر سهواً باشد، در صورت نقصان، پیش از آن که موالات از بین برود کامل می‌کند، و در صورت زیادی، زیادی سهوی ضرری ندارد.

مسئله ۵۷۸- کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند، و با همین نیت از صفا شروع کرده، ولی رفت و برگشت را یک دور حساب نموده، و در نتیجه چهارده دور سعی کرده، احتیاط آن است سعی را اعاده کند، و این احتیاط ترک نشود.

مسئله ۵۷۹- هرگاه سعی را عمداً زیادتر از هفت مرتبه به قصد سعی واجب بجا آورد، سعی او باطل است، و اگر سهواً یک دور یا کمتر یا بیشتر اضافه کند، و بعد به خاطرش بیاید اعتنا نمی‌کند، و سعی او صحیح است، و نیازی نیست که مقدار زیادی را تا هفت دور تمام کند؛ بلکه احتیاط در ترک این کار است.

مسئله ۵۸۰- هرگاه از روی ندانستن مسئله چیزی بر هفت دور اضافه کند، حکمش مانند صورت عمد است؛ یعنی سعی را از نو بجا می‌آورد.

مسئله ۵۸۱- هرگاه از روی سهو و فراموشی چیزی از سعی را کم کند، خواه قبل از اتمام چهار دور باشد یا پس از آن، هر وقت به خاطرش آمد کمبود را به جا می‌آورد، و سعی او صحیح است، و اگر از مکه خارج شده یا به وطن بازگشته، و برگشتن به مکه برای او مشقت دارد، نایب می‌گیرد، و کفاره‌ای هم ندارد؛ هر چند کارهایی را که بر محرم حرام است انجام داده باشد.

مسئله ۵۸۲- هرگاه شخصی کمتر از یک دور سعی کرد و بقیه را فراموش نمود، احتیاط واجب آن است که هر وقت یادش آمد

سعی را از سر بگیرد، و اگر یک دور را کامل نمود و بقیه را فراموش کرد، جایز است همان سعی را تکمیل کند، ولی اگر چهار دور را تمام نکرده، احتیاط مستحب آن است که سعی را تکمیل کند، سپس از سر بگیرد.

مسأله ۵۸۳- هرگاه یقین داشته باشد که سعی را ناقص بجا آورده، مثلاً شش دور یا کمتر بوده، بر می‌گردد و آنچه را می‌داند ناقص گذاشته تکمیل می‌کند، و سعی او صحیح است.

سؤال ۵۸۴- شخصی به اعتقاد این که رفتن از صفا به مروه، و بازگشت به صفا مجموعاً یک دور حساب می‌شود، سعی خود را شروع کرده، ولی در دور سوم متوجه خطایش می‌شود، و سعی را به هفت دور (طبق آنچه در مناسک آمده) خاتمه می‌دهد. سعی او چه حکمی دارد؟

جواب: سعی او صحیح است.

سؤال ۵۸۵- ابتدای کوه صفا و مروه بر اثر تعمیرات و سنگ فرش درست روشن نیست. کارکنان مسجد الحرام با گرفتن حق الزحمه از حجاج پیر و مریض، آنها را با چرخ سعی می‌دهند؛ ولی زودتر از دور حجاج پیاده دور می‌زنند. تکلیف این افراد چیست؟

جواب: قسمت سربالائی مفروش جزء کوه است، و مسیری را که چرخها طی می‌کنند قطعاً روی کوه صفا و مروه است، و هیچ اشکالی ندارد.

سؤال ۵۸۶- تصور می‌کردم رفتن بالای کوه صفا و مروه لازم است، و چون این مقدار مسافت را بر اثر فشار جمعیت بی اختیار بالا رفته بودم، به محلّ سعی برگشتم، و آن قسمت را دوباره انجام دادم، و در حقیقت مقداری از مسافت را دو بار طی کردم. آیا سعی من صحیح است؟

جواب: اگر به نیت احتیاط عمل کرده‌اید ضرری ندارد؛ ولی رفتن روی کوه و حتی بالای کوه واجب نیست.

سؤال ۵۸۷- شخصی رفت و برگشت بین صفا و مروه را یک دور حساب کرده، و بدین شکل پنج بار، که در مجموع ده شوط می‌شود، سعی کرده است، سپس متوجه مسأله شده، و سعی را از همان جا قطع کرده، و تقصیر نموده است. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: سعی او باطل است، و سعی را باید از نو شروع کند.

سؤال ۵۸۸- هرگاه شخصی سهواً سعی را بیش از هفت دور انجام دهد، باید چه کند؟

جواب: به زیادی اعتنا نمی‌کند، و سعی او صحیح است.
سؤال ۵۸۹- زیادی در سعی بر اثر چهل به مسأله، حکم زیادی سهوی را دارد، یا در حکم زیادی عمدی است؟

جواب: حکم زیادی عمدی را دارد، و باید از نو به جا آورد.

سؤال ۵۹۰- اگر شخصی یقین کند هفت شوط سعی را تمام کرده و تقصیر کند؛ ولی پس از آن متوجه شود که تنها پنج شوط بجا آورده است. آیا باید کل سعی را دوباره بجا آورد، یا انجام همان دو شوط کافی است؟ آیا لازم است تقصیر را نیز اعاده کند؟

جواب: باید همان سعی را تکمیل کند، و بنا بر احتیاط واجب تقصیر را اعاده نماید.

سؤال ۵۹۱- شخصی سه شوط سعی را بجا آورده، سپس آن را رها کرده، و با فاصله اندکی هفت شوط دیگر انجام داده، سپس تقصیر نموده است. آیا سعی وی صحیح است؟
جواب: آری صحیح است.

۵- سعی در داخل مسعی انجام گیرد

مسألة ۵۹۲- سعی میان صفا و مروه باید از طریق معمول باشد. بنابراین، اگر قسمتی از سعی را از داخل مسجد الحرام، یا فضای بیرون انجام دهد، درست نیست.

مسألة ۵۹۳- سعی از طبقه بالا، که امروز ساخته شده و بالاتر از دو کوه صفا و مروه قرار دارد، اشکال دارد؛ مگر این که بر اثر ازدحام یا غیر آن، نتواند از طبقه پائین سعی را به جا آورد، در این صورت سعی در طبقه بالا جایز است، و احتیاط این است که در این صورت برای طبقه پایین هم نایب بگیرد.

مسألة ۵۹۴- اگر طبقه زیرزمینی درست شود، و کوه صفا و مروه ریشه‌دار باشد، و سعی بین آن دو کوه واقع شود، صحیح است، ولی احتیاط آن است که حتی الامکان از طبقه همکف سعی کند.

سؤال ۵۹۵- همان گونه که اطلاع دارید در سعی صفا و مروه، حجاج از یک طرف می‌روند و از سمت دیگر باز می‌گردند؛ یعنی انتهای مسیر رفت با ابتدای مسیر بازگشت چند متر فاصله دارد، اگر شخصی از همان مسیری که رفته بازگردد چه حکمی دارد؟
جواب: اشکالی ندارد؛ ولی نباید مزاحم دیگران شود.

سؤال ۵۹۶- با توجه به این که در روزهای شلوغ، بر اثر ازدحام زیاد حجاج، مامورین مانع می‌شوند که معذورین را با چرخ در طبقه پایین سعی دهند، آیا می‌توان آنها را در طبقه بالا با چرخ سعی داد؟

جواب: در فرض سؤال مانعی ندارد.

۶- سعی به صورت متعارف انجام گیرد

مسأله ۵۹۷- واجب است هنگام رفتن به مروه رو به مروه، و هنگام برگشتن به صفا، رو به صفا باشد.

مسأله ۵۹۸- اگر کسی به هنگام رفتن به مروه به عکس باشد (یعنی موقع رفتن به سوی مروه پشت به آن کرده عقب عقب برود، یا روی دست راست یا دست چپ حرکت کند) سعی او صحیح نیست؛ اما این مسأله نباید موجب وسواس شود؛ بلکه همین اندازه که مطابق معمول حرکت کند کافی است، هر چند صورت خود را به راست و چپ برگرداند، یا مثلاً برای ملاحظه همراهان گاهی به عقب سر نگاه کند.

سؤال ۵۹۹- شخصی به هنگام سعی، جهت کنترل همراهان

خود گاهی به عقب بر می‌گشته، و مجدداً همان مسافت را طی می‌کرده است. آیا سعی او اشکال دارد؟

جواب: اشکال ندارد و اعاده لازم نیست؛ ولی بهتر است این کار را نکند.

سؤال ۶۰۰- شخصی به هنگام سعی، گاهی عقب عقب به طرف مروه یا صفا حرکت کرده است. تکلیفش چیست؟

جواب: می‌تواند برگردد و جبران نماید، و سعی او اشکال ندارد.

سؤال ۶۰۱- کودکی، که محرم به احرام عمره مفرده بوده، گاه به هنگام سعی می‌دویده، و گاه به عقب بر می‌گشته، و با همین وضعیّت اعمال عمره را به پایان برده، ولی قصد سعی را داشته است. اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

۷- غصبی نبودن لباس، ستر عورت در مردان و حجاب

در زنان

مسأله ۶۰۲- برای صحّت سعی احتیاط واجب آن است که لباس انسان غصبی نباشد، و ستر عورت در مردان و حجاب برای زنان لازم است.

زهان انجام سعی:

مسأله ۶۰۳- واجب است سعی را پس از انجام نماز طواف بجا آورد.

مسأله ۶۰۴- لازم نیست سعی را بلافاصله بعد از طواف و نماز آن بجا آورد؛ بلکه اگر خسته شود، یا هوا گرم باشد، می‌تواند آن را تا ساعتها به تأخیر اندازد. حتی بدون خستگی و گرما نیز تأخیر جایز است؛ ولی تأخیر آن تا فردا بدون ضرورت جایز نیست، و اگر تأخیر انداخت، گناه کرده، ولی سعی او باطل نخواهد شد.

مسأله ۶۰۵- اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله سعی را بر طواف مقدم دارد، احتیاط واجب آن است بعد از انجام طواف و نماز طواف سعی را دوباره بجا آورد.

سؤال ۶۰۶- یکی از دوستانم طواف و نماز طواف را انجام داد، و سعی را به روز بعد، یا روزهای آینده، محوّل کرد. آیا این تأخیر ضرر دارد، و باید طواف و نماز آن را دوباره بجا آورد؟

جواب: اعاده لازم نیست، ولی کار خلافی کرده؛ زیرا نباید سعی را اختیاراً به روز بعد موکول کند.

احکام سعی

ترک سعی:

مسأله ۶۰۷- سعی از ارکان است، اگر کسی عمداً آن را ترک کند، اعمال مترتبه باطل است و بر احرام باقی است تا آن را بجا آورد.

مسأله ۶۰۸- اگر ترک سعی از روی جهل و نادانی نسبت به مسأله بوده، احتیاط واجب آن است که همان حکم عمد را - که در مسأله قبل گفته شد - اجرا کند؛ اما اگر از روی سهو و فراموشی ترک کند، باید هر وقت یادش آمد برگردد و آن را به جا آورد؛ و اگر برگشتن برای او مشقت دارد، نایب می‌گیرد تا برای او به جا آورد؛ و در این مدت چیزی بر او حرام نیست.

سؤال ۶۰۹- شخصی در دور پنجم سعی عمره مفرده بیمار

شده، و نتوانسته اعمال عمره را به پایان برساند. بیماری اش شدت یافته، و به ایران منتقل می‌شود، و پس از بهبودی نتوانسته به مکه بازگردد، و وظیفه او چیست؟

جواب: در صورتی که خودش نتواند به مکه بازگردد، شخصی را نایب می‌کند که سعی ناتمام او را تمام نموده، و سپس آن را اعاده نماید، و بعد از آن به منوب عنه اطلاع دهد تا تقصیر کند، و نایب پس از تقصیر منوب عنه طواف نساء و نماز آن را انجام می‌دهد.

قطع کردن سعی:

مسئله ۶۱۰- هرگاه مشغول سعی صفا و مروه است و مقداری از آن را انجام داده - خواه کم باشد یا زیاد - و وقت نماز فرا رسد، سعی را قطع می‌کند، و نماز را بجا آورده، سپس باقیمانده سعی را انجام می‌دهد.

مسئله ۶۱۱- هرگاه حاجت ضروری برای او، یا یکی از برادران و خواهران دینی پیدا شود، می‌تواند سعی را قطع کرده و به دنبال آن برود، و پس از بازگشت از همان جا که رها کرده

ادامه می‌دهد، و سعی او صحیح است. همچنین کسی که خسته شده می‌تواند برای استراحت در وسط سعی بنشیند، و بعد برخیزد و ادامه دهد؛ خواه در صفا باشد، یا در مروه، یا در میان آن دو، ولی بهتر است که بدون خستگی ننشیند، و استراحت نکند.

مسئله ۶۱۲- هرگاه مشغول سعی باشد و یادش بیاید که نماز طواف را بجا نیاورده، بر می‌گردد و نماز طواف را نزد مقام ابراهیم می‌خواند، سپس سعی را از همان جا که رها کرده ادامه می‌دهد.

مسئله ۶۱۳- احتیاط آن است که در غیر مواردی که در بالا گفته شد موالات را در سعی مراعات کند؛ یعنی هفت دور را بدون فاصله زیادی پشت سر هم بجا آورد.

سؤال ۶۱۴- شخصی به هنگام سعی برای خوردن آب از مسیر منحرف شده، و پس از نوشیدن آب به سعی خود ادامه داده است. چه حکمی دارد؟

جواب: سعی او صحیح است، مشروط بر این که از همان جا که قطع کرده ادامه دهد.

سؤال ۶۱۵- آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است، یا اختصاص به قسمتی از آن دارد؟

جواب: احتیاط آن است که در غیر موارد استثنا شده، موالات عرفیه رعایت گردد.

سؤال ۶۱۶- آیا موالات در سعی مانند طواف است؟

جواب: استراحت و نشستن در وسط سعی برای کسی که خسته شده، جایز است، ولی احتیاط واجب آن است که زیاد فاصله نشود.

شک در سعی:

مسأله ۶۱۷- هرگاه بعد از اتمام سعی و انجام تقصیر شک کند آیا هفت دور را صحیح بجا آورده، یا نه؟ یا سایر شرایط موجود بوده، یا نه؟ اعتنا نمی‌کند، ولی اگر قبل از تقصیر شک کند که ناقص بجا آورده یا کامل، باید سعی را از اول اعاده کند؛ اما اگر می‌داند هفت دور کامل را بجا آورده و شک در بیشتر دارد، سعی او صحیح است و اعتنا نمی‌کند.

مسأله ۶۱۸- اگر بعد از اتمام سعی، یا اتمام هر دوری، شک

کند که آن را درست بجا آورده، یا نه؟ اعتنا نمی‌کند، و سعی صحیح است. همچنین اگر در بین رفت و آمد، در صحیح بجا آوردن جزء پیش شک کند اعتنا ننماید.

مسأله ۶۱۹- هرگاه در مروه شک کند هفت دور سعی نموده، یا زیادتر (مثل این که شک بین هفت شوط و نه شوط نماید) اعتنا نمی‌کند، و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفتم است یا کمتر، سعی او باطل است. همچنین در هر شک که کمتر از هفت دور باشد، مثل شک بین یک و سه، یا دو و چهار و مانند آن، سعی باطل است.

مسأله ۶۲۰- اگر طواف را (مثلاً روز شنبه) بجا آورد، و روز بعد شک کند که سعی کرده یا نه، احتیاط انجام سعی است، مگر آن که پس از تقصیر شک نماید، که در این صورت لازم نیست سعی کند.

سؤال ۶۲۱- اینجانب پس از تمام شدن شوط ششم در سعی، گمان کردم هفت دور بجا آورده، و تقصیر نمودم، ولی دوستانم فوراً تذکر دادند که باید یک دور دیگر بجا آورم. آن دور را بجا آورده، و بار دیگر تقصیر نمودم. آیا سعی من صحیح است؟ اگر صحیح نبوده، کفاره‌ای دارد؟

جواب: عمل شما صحیح بوده، و کفاره‌ای ندارد.

سؤال ۶۲۲- اگر کسی قبل از رسیدن به مروه شک کند دور هفتم است، یا دور نهم، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: سعی او باطل است، و باید از نو شروع کند.

سؤال ۶۲۳- یکی از مقلدین حضرت عالی در عدد دورهای سعی شک می‌کند، و با حال تردید به سعی خود ادامه داده، در عین حال فکر می‌کند تا عدد صحیح را به دست آورد. پس از طی حدود صد متر، یا یک دور، یقین به عدد صحیح پیدا نموده، بقیه سعی را انجام می‌دهد. آیا سعی او صحیح است؟

جواب: آری سعی او صحیح است؛ مشروط بر این که در حال شک و تردید به امید روشن شدن واقع مسأله سعی را ادامه دهد.

انجام محرمات احرام بعد از سعی:

مسأله ۶۲۴- هیچ یک از محرمات احرام، یعنی آن چه به واسطه احرام بر محرم حرام شده بود، با انجام سعی حلال نمی‌شود، بلکه باید تقصیر کند.

مسأله ۶۲۵- هرگاه قبل از تقصیر گمان کند سعی خود را کامل کرده، باید به این گمان قناعت نکند، و تحقیق نماید، و اگر فکرش به جایی نرسید، مقداری را که اطمینان به انجامش ندارد، به جا آورد، و اگر بدون تحقیق تنها به گمان این که سعی خود را کامل کرده، تقصیر کند (موی سر را کوتاه کند) و پس از آن با همسر خود نزدیکی نماید، احتیاط واجب آن است که علاوه بر تکمیل سعی خود، یک گاو قربانی کند (قربانی را اگر بتواند در مکه، و اگر نتواند در شهر خود ذبح می‌کند).

مسأله ۶۲۶- اگر قسمتی از سعی را در عمره مفرده فراموش کند، سپس به گمان این که اعمال عمره تمام شده از احرام خارج شود و با همسرش نزدیکی کند، احتیاط واجب آن است که برگردد و سعی را تمام کند و یک گاو به عنوان کفاره قربانی نماید.

طهارت از حدف:

مسأله ۶۲۷- بهتر است در حال سعی وضو داشته باشد، ولی واجب نیست. حتی زنان حائض می‌توانند سعی بین صفا و مروه را انجام دهند.

سؤال ۶۲۸- اینجانب به تصوّر این که سعی هم نیاز به وضو دارد، بعد از یک شوط و نیم، سعی را قطع کرده، و پس از وضو هفت شوط دیگر بجا آوردم. آیا سعی من اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۶۲۹- آیا خانم‌هایی که به علت عادت ماهانه برای طواف نایب می‌گیرند، در سعی هم می‌توانند نایب بگیرند؟

جواب: محلّ سعی مسجد نیست، و رفتن زن حائض در آنجا اشکالی ندارد. بنابراین، باید خودشان سعی را بعد از طواف و نماز طواف نایب، بجا آورند.

سؤال ۶۳۰- بر اثر ازدحام زیاد حجّاج، گاه انسان ناچار است برای رفتن به محلّ سعی از مسجد الحرام عبور کند، و از این راه خودش را به صفا برساند، و از آنجا سعی را در مسیر معمولی شروع کند. در این صورت تکلیف زن حائض یا نفساء چیست؟

جواب: در صورتی که ممکن باشد از راه دیگری برود، باید خودش سعی را بجا آورد، و اگر ممکن نیست نایب می‌گیرد؛ ولی چنانچه مرتکب خلاف شود، و خودش از مسجد الحرام عبور کند، باید سعی را بجا آورد و سعیش صحیح است؛ هر چند گناه کرده است.

لمور باقی مانده در سعی:

مسأله ۶۳۱- مستحبّ است بعد از تمام کردن طواف و نماز آن - اگر ازدحام مانع نشود - دست بر «حجر الاسود» بگذارد، یا آن را بیوسد، سپس به سراغ آب زمزم برود، مقداری از آن بنوشد، و کمی بر سر و بدن خود بریزد، و پس از آن شروع به سعی نماید، ولی اگر بوسیدن، یا دست گذاردن بر حجر الاسود، بر اثر ازدحام موجب آزار دیگران یا خودش گردد، بهتر است از آن صرف نظر کند.

مسأله ۶۳۲- سعی را می‌توان پیاده یا سواره انجام داد، خواه سالم و توانا باشد، یا بیمار و ناتوان؛ اما اشخاصی که توانایی دارند بهتر است پیاده بروند.

مسأله ۶۳۳- سخن گفتن، و حتی خوردن آب، یا چیزی از غذا، در حال سعی جایز است؛ ولی بهتر آن است که در این حال مشغول دعا و ذکر خدا باشد، و با سکینه و وقار و توجه به ذات پاک خداوند سعی را به جا آورد، و حالت روحانی خود را حفظ کند.

مسأله ۶۳۴- مستحبّ است مردان به هنگام رفتن از صفا به

مروه، یا هنگام بازگشت، وقتی به محلّ علامتگذاری شده - که امروزه با چراغ سبز مشخص شده - می‌رسند «هَرَوَلَه»^۱ کنند؛ ولی اگر موجب ناراحتی آنهاست آن را ترک کنند.

مسأله ۶۳۵- هروله کردن برای زنان مستحب نیست؛ و مردان نیز اگر فراموش کنند احتیاط آن است که برنگردند.

سؤال ۶۳۶- قسمتی که هروله در آن مستحب است را به طور عادی راه رفتم. با توجه به این که خیال می‌کردم هروله واجب است، آن قسمت را دوباره و به صورت هروله تکرار نمودم. آیا سعی من اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد و صحیح است، ولی این کار را تکرار نکنید.

سؤال ۶۳۷- شخصی بدون استفاده از چرخ نمی‌تواند سعی کند، و از سوی دیگر، تمکن مالی جهت کرایه آن ندارد. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر می‌تواند با چرخ سعی کند، هر چند با وام

۱. هروله به معنی حرکت سریع است، و حالتی بین راه رفتن و دویدن محسوب می‌شود.

گرفتن از دیگران، این کار مقدم است، و نیابت گرفتن صحیح نیست؛ مگر آن که موجب عُسر و حرج گردد که در این صورت نایب می‌گیرد.

سؤال ۶۳۸- اگر بچه‌های کوچک در حال طواف یا سعی به خواب روند، چه کمی دارند؟

جواب: حج آنها صحیح است، انشاءالله.

سؤال ۶۳۹- کسی که در حال سعی سوار بر چرخ بوده، به علت خستگی زیاد در بعضی از حالات رفت و برگشت به خواب رفته است. آیا سعی او صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۶۴۰- اگر شخصی در سعی صفا و مروه سوار بر چرخ باشد، و تمام هفت دور را در خواب باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که اعاده کند، ولی در مورد کودکان اشکالی ندارد.

سؤال ۶۴۱- هرگاه زنی به هنگام سعی، عمداً حجاب کامل نداشته باشد، آیا ضرری به سعی او می‌زند؟

جواب: ضرری به سعی او نمی‌زند؛ ولی اگر عمداً باشد گناه کرده است.

سؤال ۶۴۲- شخصی پس از تقصیر در عمره متوجه شد که طواف و سعی باطل بوده، و آنها را با لباس دوخته اعاده کرد. آیا لازم است تقصیر را نیز اعاده کند؟

جواب: طواف و سعی او صحیح است، و احتیاط آن است که تقصیر را نیز اعاده کند، ولی کفاره‌ای ندارد.

سؤال ۶۴۳- آیا علاوه بر سعی واجب، سعی صفا و مروءه مستحبی نیز داریم؟

جواب: سعی مستحبی نداریم، سعی فقط سعی واجب است.

سؤال ۶۴۴- آیا قسمتی از سعی، برای کسانی که قادر نیستند تمام آن را خودشان انجام دهند، قابل نیابت است؟

جواب: در صورت امکان آنها را در باقیمانده، سوار بر چرخ و مانند آن سعی دهند، در غیر این صورت برای تمام سعی نایب بگیرند.

۵- تقصیر

چگونگی تقصیر:

مسأله ۶۴۵- پنجمین واجب عمره تقصیر است؛ یعنی کوتاه کردن موی سر، یا صورت (ریش یا سیل) و گرفتن مقداری از ناخن، و کافی است تنها کمی از موی سر، یا صورت را کوتاه کند، و از کوتاه کردن ناخن صرفنظر نماید، ولی احتیاط واجب آن است که به کوتاه کردن ناخن به تنهایی قناعت نکند؛ همانگونه که قناعت کردن به کوتاه نمودن موی زیر بغل و مانند آن نیز مشکل است.

مسأله ۶۴۶- مردان در عمره مفرده مخیرند بین کوتاه کردن مو و تراشیدن سر.

مسأله ۶۴۷- کسی که برای تقصیر، تراشیدن سر را انتخاب

می‌کند، احتیاط آن است که تمام سر را بتراشد و به قسمتی از آن قناعت نکند.

مسئله ۶۴۸- تراشیدن موی سر مخصوص مردان است، و در مورد زنان تراشیدن موی سر جایز نیست، و تنها کوتاه کردن مقداری از آن واجب است.

مسئله ۶۴۹- حاجی مخیر است که برای تقصیر موی سر را کوتاه کند یا موی صورت را؛ و اگر در سر و صورت هیچ مویی ندارد تیغ را به سر می‌کشد، و مقداری از ناخن را می‌گیرد، و اگر ناخن هم نداشت، کافی است تیغ را آهسته به سر بکشد.

مسئله ۶۵۰- تراشیدن ریش کفایت از تقصیر نمی‌کند.

مسئله ۶۵۱- کسی که می‌داند اگر سرش را بتراشد زخمی می‌شود (و زخمی کردن بدن در حال احرام خلاف احتیاط است) احتیاط آن است که اول مقداری از آن را کوتاه کند، سپس سرش را بتراشد.

مسئله ۶۵۲- کوتاه کردن موی سر، یا صورت، با هر وسیله‌ای باشد فرق نمی‌کند؛ ولی کندن مو کافی نیست.

مسئله ۶۵۳- تقصیر عبادت است، و باید با قصد قربت و برای

خدا انجام شود، و اگر ریا کند عمره‌اش باطل می‌گردد؛ مگر آن که جبران کند و مجدداً به قصد قربت انجام دهد.

سؤال ۶۵۴- آیا جایز است مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد، و بقیه را ماشین کند؟ البته پس از ماشین کردن، دوباره آن قسمت را تیغ می‌کشد. آیا به این ترتیب حلق صدق می‌کند؟
جواب: این گونه افراد بهتر است اول تمام سر خود را ماشین کنند و بعد چنانچه مایل به احتیاط باشند تمام سر را حلق کنند.

سؤال ۶۵۵- تخییر بین حلق و تقصیر ابتدایی است، یا استمراری؟ به عبارت دیگر، اگر شخص حلق را انتخاب کرد و قسمتی از سرش را تراشید و سپس پشیمان شد، آیا می‌تواند آن را رها کند، و با کوتاه کردن کمی از موی سر از احرام خارج شود؟

جواب: مانعی ندارد.

زمان تقصیر:

سؤال ۶۵۶- اگر کسی در اثناء سعی تقصیر نماید، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: باید سعی را تمام کند، و تقصیر را تکرار نماید. و چنانچه از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله این کار را کرده، احتیاطاً تقصیر را اعاده کند، و در هر حال کفاره ندارد، و اگر از ابتدای سعی قصد هفت دور نداشته، باید سعی را دوباره انجام دهد.

محلّ تقصیر:

مسأله ۶۵۷- تقصیر در عمره محلّ معینی ندارد؛ بنابراین می‌تواند در پایان سعی در همان محل (مروه) تقصیر کند، یا پس از مراجعت به منزل این کار را انجام دهد، و نیز تفاوت نمی‌کند که خودش کوتاه کند، یا از دیگری که محرم نیست بخواهد کمی از موی او را کوتاه نماید و در هر حال خودش باید نیت کند.

شرایط تقصیر کننده:

سؤال ۶۵۸- آیا تقصیر اهل سنت برای شیعیان کفایت می‌کند؟ یعنی اگر در پایان عمره از آنها خواهش کنیم مقداری از

موی ما را کوتاه کنند، اشکالی دارد؟
جواب: اشکال ندارد.

احکام تقصیر:

مسأله ۶۵۹- کسی که محرم به احرام عمره مفرده شود، همه محرمات احرام بر او حرام می‌گردد، و هنگامی که تقصیر کرد، یا سر را تراشید همه چیز، جز مسائل جنسی، بر او حلال می‌شود، و پس از انجام طواف نساء و نماز آن، مسائل جنسی نیز بر او حلال می‌گردد.

مسأله ۶۶۰- حاجی بعد از تقصیر عمره از احرام خارج می‌شود، و تمام آنچه بر محرم حرام بود بر او حلال می‌شود؛ مگر صید و شکار کردن که همچنان بر او حرام است؛ زیرا صید حرام برای همه حرام است.

سؤال ۶۶۱- شخصی پس از انجام تقصیر شک می‌کند که آن را صحیح به جا آورده، یا نه؟ اکنون وظیفه‌اش چیست؟
جواب: اگر در حال انجام تقصیر عالم به مسأله بوده، و توجه به آن داشته، اشکالی ندارد.

سؤال ۶۶۲- شخصی بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرده، سپس سعی را بجا آورده، و دوباره تقصیر نموده است. چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که حکم مسأله را نمی دانسته، یا فراموش کرده، اشکالی ندارد.

سؤال ۶۶۳- اگر حاجی تقصیر عمره مفرده را فراموش کند، و به وطن خود بازگردد، آیا می تواند در هر مکانی تقصیر کند؟ آیا نیازی به انجام دوباره طواف نساء نیز هست؟

جواب: در فرض سؤال می تواند تقصیر را در هر جا انجام دهد؛ ولی احتیاط واجب آن است که طواف نساء را دوباره انجام دهد، و اگر خودش نمی تواند برود، نایب بگیرد.

سؤال ۶۶۴- هرگاه شخصی بر اثر جهل و بی اطلاعی از مسأله، یا از روی نسیان و فراموشی، یا عمد، تقصیر عمره مفرده را ترک کند، و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: اکنون باید تقصیر کند، و بنا بر احتیاط واجب طواف نساء و نماز آن را مجدداً به جا آورد، و فرقی بین

صورت عمد و سهو و علم و جهل نیست.

سؤال ۶۶۵- کسی که تقصیر او باطل بوده، و پس از آن محرمات احرام را به جا آورده، و جاهل به مسأله نیز بوده، آیا باید کفاره‌ای بپردازد؟

جواب: در صورتی که جاهل بوده کفاره ندارد، مگر در شکار به تفصیلی که در کتب فقهی ذکر شده است.

سؤال ۶۶۶- جنابعالی فرموده‌اید: «اگر کسی تقصیر را به قصد ریا انجام دهد، عمره اش باطل است» منظور از این عبارت چیست؟ وظیفه چنین شخصی چه می باشد؟

جواب: منظور این است که در تقصیر ریا کند، و وظیفه او این است که تقصیر را با قصد قربت تکرار کند.

۶ و ۷ - طواف نساء و نماز آن

مسألة ۶۶۷- پس از تقصیر یا حلق، واجب است هفت دور به نیت طواف نساء به دور خانه کعبه بگردد و پس از آن دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم به نیت نماز طواف نساء بجا آورد.

مسألة ۶۶۸- طواف نساء و نماز آن با طواف عمره و نماز آن تفاوتی ندارد، بجز در نیت؛ بنابراین، این طواف نیز باید از حجرالاسود شروع شود و به همانجا ختم گردد و هنگام طواف سمت چپ او به سمت کعبه باشد و شرایطی را که برای طواف عمره گفته شد، مراعات کند.

مسألة ۶۶۹- طواف نساء بر مرد و زن، پیر و جوان، متأهل و

مجرّد، و حتّی کودکان ممیّز و خنثی واجب است، و بدون آن زن بر مرد و مرد بر زن حلال نمی‌شود، بلکه احتیاط واجب آن است که اگر کودک غیر ممیّز را به حج آورده، و محرم کرده‌اند، ولیّ او همراه او طواف نساء را بجا آورد.

مسأله ۶۷۰- اگر «طواف نساء» را ترک کند، خواه از روی عمد باشد، یا جهالت، یا فراموشی عمره مفرده او باطل نیست و کفاره هم ندارد ولی همسر بر او حرام است، تا بازگردد و طواف کند. و اگر بازگشت ممکن نیست، یا مشکل است، نایب بگیرد. و اگر از دنیا برود، ولیّ او قضای آن را به جا می‌آورد.

مسأله ۶۷۱- اگر شخصی، طواف نساءهای متعدّدی را ترک کرده باشد، یک طواف نساء برای همه آنها کافی است، و در این حکم (ترک طواف نساء) فرقی میان زن و مرد و کودک نیست؛ زیرا طواف نساء بر همه لازم است، و بدون آن همسر برای او حلال نمی‌شود.

مسأله ۶۷۲- در عمره حجّ تمتّع طواف نساء واجب نیست، ولی در عمره مفرده طواف نساء واجب است.

مسأله ۶۷۳- طواف نساء و نماز آن رکن نیست، و ترک

عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی‌گردد، هر چند انجام آن در عمره مفرده واجب است، و اگر بجا نیآورد همسر بر او حلال نمی‌شود؛ بلکه به خواستگاری رفتن و شاهد عقد شدن نیز بنا بر احتیاط واجب بدون طواف نساء جایز نیست.

مسأله ۶۷۴- هرگاه زنی که طواف نساء را بجا نیآورد، گرفتار عادت ماهانه شود، و پیش از پاک شدن ناچار به ترک مکّه باشد (مثل این که کاروان مهلت نمی‌دهد تا پاک شود) لازم است برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد (همچنین کسان دیگری که به سبب بیماری یا عذر دیگر قادر به انجام طواف و سعی نباشند باید نایب بگیرند).

مسأله ۶۷۵- هرگاه طواف نساء را فراموش کند و از عمره مفرده بازگردد، در صورت امکان باید خودش برگردد و بجا آورد، و چنانچه ممکن نباشد، یا مشقت داشته باشد نایب می‌گیرد، و پس از آن که نایب طواف نساء و نماز آن را انجام داد، مرد بر زن و زن بر مرد حلال می‌شود.

مسأله ۶۷۶- کسی که طواف واجب (اعمّ از طواف عمره، یا طواف نساء) را فراموش کند، و به وطن بازگردد، و با همسر خود

نزدیکی نماید، هرگاه از روی فراموشی و جهل به مسأله باشد کفاره ندارد، ولی اگر مسأله را می‌دانسته و عمداً مرتکب آن شده باید کفاره بدهد، و کفاره آن در محرمات احرام گذشت. و مانند مسأله قبل عمل می‌نماید.

سؤال ۶۷۷- آیا بر نایب لازم است علاوه بر طواف نساء که به نیت منوب عنه بجا می‌آورد، برای خود نیز طواف نساء انجام دهد؟

جواب: واجب نیست.

سؤال ۶۷۸- نیت نایب در طواف نساء چگونه است؟

جواب: احتیاط آن است که نیت ما فی الذمه کند؛ هر چند می‌تواند به نیت منوب عنه انجام دهد.

سؤال ۶۷۹- آیا می‌توان چند روز پس از سعی و تقصیر، طواف نساء را بجا آورد، یا باید بلافاصله پس از سعی و تقصیر بجا آورد؟

جواب: تأخیر انداختن طواف نساء مانعی ندارد.

سؤال ۶۸۰- مردی به همسرش گفت: «وظیفه من طواف نساء است، ولی تو باید طواف رجال بجا آوری!» زن نیز به

همین نیت طواف کرد. آیا کفایت می‌کند؟

جواب: چون منظورش انجام وظیفه مربوط به حج بوده، مانعی ندارد (هر چند چیزی به نام طواف رجال نداریم).

سؤال ۶۸۱- شخصی پس از بازگشت از مکه شک می‌کند که طواف نساء عمره مفرده را بجا آورده یا نه، وظیفه‌اش چیست؟
جواب: اگر اجمالاً توجه به وجوب طواف نساء داشته، می‌گوید انجام داده‌ام، و اگر از وجوب آن اطلاع نداشته، احتیاط واجب آن است که طواف نساء را انجام دهد، و اگر خودش نمی‌تواند، نایب بگیرد.

سؤال ۶۸۲- شخصی قبل از انجام طواف نساء با همسرش ملاعبه نموده، و از روی شهوت به او دست زده است. آیا کفاره دارد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب کفاره دارد؛ ولی در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله کفاره ندارد.

سؤال ۶۸۳- اگر نایب طواف نساء را بجا نیاورد، آیا فقط همسر بر او حرام می‌شود، یا علاوه بر آن ذمه‌اش نیز مشغول است، که حتی اگر فوت کرده باشد باید از طرف او قضا کنند؟

جواب: ذمه او مشغول است؛ باید خودش در حال حیات انجام دهد، و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.

سؤال ۶۸۴- آیا طواف نساء بر پیرمردان و پیرزنانی که عرفاً قادر بر آمیزش جنسی نیستند و ازدواج نمی‌کنند، و نیز کسانی که عنین هستند، واجب است؟

جواب: همه باید انجام دهند.

سؤال ۶۸۵- زن و شوهری به مکه مشرف شده، و مناسک را بجا آورده‌اند، ولی چون زن شوهرش را دوست نداشته، طواف نساء و نماز آن را ترک کرده، و شوهر هم آنها را بجا نیاورده، و به وطن بازگشته‌اند. حکم این زوجین از نظر محرمیت و زندگی در یک خانه چیست؟

جواب: این زن و شوهر فقط نمی‌توانند با هم مناسبات و استمتاع جنسی داشته باشند، تا زمانی که برگردند و طواف نساء و نماز آن را بجا آورند، و اگر خودشان نمی‌توانند، لازم است برای طواف نایب بگیرند؛ یعنی از کسانی که به مکه می‌روند خواهش کنند که به نیابت از آنها طواف نساء و نماز آن را بجا آورند.

سؤال ۶۸۶- آیا منظور از این که می‌فرمایید: «بدون طواف نساء زن بر مرد، و مرد بر زن حلال نمی‌شود». فقط آمیزش جنسی است، یا سایر استمتاعات را هم شامل می‌شود؟

جواب: سایر استمتاعات را نیز شامل می‌شود.

سؤال ۶۸۷- هرگاه کسی که طواف نساء را ترک کرده با همسرش آمیزش کند و فرزندی به وجود آید، آیا حلال زاده است و از آنها ارث می‌برد؟

جواب: در هر حال فرزند او مشروع است، و از آنها ارث می‌برد.

سؤال ۶۸۸- کسی که طواف نساء را انجام نداده، و در این حال زنی را عقد کرده، آیا عقد او صحیح است؟

جواب: عقد او باطل است، و چنانچه علم به حکم داشته، آن زن بر او حرام ابدی می‌شود.

سؤال ۶۸۹- کسی که طواف نساء عمره مفرده را بجا نیاورده، و پس از آن حج افراد بجا آورده است، آیا طواف نساء حج افراد کفایت می‌کند؟

جواب: آری کفایت می‌کند.

سؤال ۶۹۰- شخصی طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده، و برای عمره تمتع محرم شده است. طواف مذکور را پس از انجام عمره تمتع بجا آورد، یا قبل از آن؟
جواب: می تواند بعد از انجام اعمال عمره تمتع بجا آورد، و اگر تأخیر بیندازد طواف نساء حج کافی است.

احکام مصدود و محصور

مسأله ۶۹۱- «مصدود» به کسی گفته می شود که شخصی (خواه دشمن، یا مأمور دولت) او را بعد از احرام برای عمره یا حج، از انجام اعمال باز دارد. و «محصور» به کسی گفته می شود که بر اثر بیماری یا شکستگی اعضا، یا مجروح شدن، و امثال آن نتواند اعمال حج یا عمره را بجا آورد.

مسأله ۶۹۲- کسی که احرام عمره یا حج بست، باید عمره و حج را تمام کند، و اگر انجام ندهد به احرام باقی خواهد ماند، ولی اگر مصدود یا محصور شد، باید به دستورهای آینده عمل کند تا از احرام بیرون آید.

مسأله ۶۹۳- شخصی که محرم به احرام «حج» یا «عمره» شود، و دشمن یا فرد دیگری، مانند مأموران دولت، یا سارقین،

یا غیر آنها، او را از رفتن به مکه باز دارند، و راه دیگری برای رفتن به مکه نداشته باشد، یا اگر راهی باشد هزینه آن را ندارد، در همان جا یک قربانی می‌کند و از احرام خارج می‌شود، و احتیاط آن است که قربانی را به قصد خروج از احرام انجام دهد. همچنین احتیاط آن است که موی سر خود را کوتاه کند، و اگر دسترسی به قربانی پیدا نکرد، همان جا نیت خارج شدن از احرام می‌کند، و احتیاط آن است که به جای قربانی، ده روز (به شرحی که قبلاً گفته شد) روزه بگیرد، و اگر در آنجا به آن صورت نتوانست بگیرد، تمام آن را در بازگشت روزه بگیرد.

مسئله ۶۹۴- اگر کسی با احرام عمره وارد مکه شد، و دشمن، یا کس دیگری او را از انجام اعمال باز داشت، حکم مسئله قبل را دارد.

مسئله ۶۹۵- هرگاه شخصی را به خاطر بدهکاری، یا اتهام دیگری زندانی کنند، یا به ظلم حبس نمایند، حکم مسئله سابق را دارد.

مسئله ۶۹۶- اگر بعد از احرام، برای رفتن به مکه، یا اجازه بجا آوردن اعمال پولی مطالبه کنند، چنانچه تمکن دارد باید

بپردازد؛ مگر این که موجب عسر و حرج گردد، و اگر تمکن ندارد، یا حرجی است، حکم «مصدود» را دارد.

مسئله ۶۹۷- اگر یک راه بسته باشد، و راه دیگری هست که می‌تواند از آن برود، و هزینه آن را هم دارد، به احرام باقی می‌ماند تا از آن راه برود.

مسئله ۶۹۸- مصدود اگر امید برطرف شدن مانع را داشته باشد احتیاط آن است که صبر کند؛ ولی اگر گمان برطرف نشدن آن را داشته باشد، می‌تواند به دستوری که برای «مصدود» گفته شد عمل کند.

مسئله ۶۹۹- «محصور» یعنی کسی که بر اثر بیماری، یا مجروح شدن، یا شکستگی اعضاء و مانند آن، نتواند اعمال حج و عمره را بجا آورد، اگر محرم به احرام عمره مفرده باشد، ولی بر اثر بیماری و مانند آن مجبور است به وطن بازگردد، یا در همان جا بستری شود، و در هر حال قادر به انجام عمره نیست. چنین کسی باید پول یک قربانی را به مکه بفرستد، و با دوستان خود قرار بگذارد که در فلان روز و فلان ساعت در مکه برای او قربانی کنند، سپس در همان موعد معین تقصیر

می‌کند، و از احرام بیرون می‌آید، و همه چیز بر او حلال می‌شود مگر همسر، تا زمانی که حالش خوب شود، و عمره مفرده بجا آورد، و اگر حالش خوب شد و نتوانست عمره بجا آورد، نایب می‌فرستد، و چنانچه کسی نباشد که برای او در مکه قربانی کند، در همان جا که هست قربانی می‌کند و از احرام خارج می‌گردد، و اگر آن هم ممکن نشد، در بازگشت به وطن قربانی می‌کند.

مسئله ۷۰۰- هرگاه شخص بیمار پس از فرستادن قربانی یا پول آن، بهبود یافت، به طوری که قادر به رفتن به سوی مکه شد، باید به مکه برود، و اعمال را انجام دهد.

مسئله ۷۰۱- کسانی که مریض نیستند، ولی به علت دیگری بعد از احرام نتوانسته‌اند به مکه بروند (مثل کسی که کمر یا پایش شکسته، یا بر اثر خونریزی ضعف بر او مستولی شده) حکم مریض را دارند.

سؤال ۷۰۲- آیا تصادف به هنگام احرام، داخل در عنوان محصور است، و شخصی که تصادف کرده باید احکام محصور را بجا آورد؟

جواب: آری، هرگاه شرایط حصر حاصل شود، حکم «محصور» بر آن مترتب می‌شود.

سؤال ۷۰۳- کسی که دعای شرط را، که مستحب است هنگام نیت احرام خوانده شود، بخواند و شرط خروج از احرام را در صورت وجود موانعی کند، آیا در صورتی که محصور یا مصدود شود احکام مصدود و محصور بر او جاری می‌شود، یا به مجرد حدوث این دو حالت، بدون قربانی از احرام خارج می‌گردد؟

جواب: می‌تواند از احرام خارج شود، ولی قربانی بر او واجب است، و اثر شرط در جهات دیگر ظاهر می‌شود.

سؤال ۷۰۴- شخصی در مدینه مصدوم می‌گردد. او را به مسجد شجره می‌برند، و محرم می‌شود. آیا احرام چنین شخصی صحیح است؟ در صورت صحت، اگر نتواند مناسک عمره را به جا آورد تکلیفش چیست؟

جواب: احرامش صحیح است. اگر بتواند عمره را، هر چند با کمک نایب در طواف و سعی، انجام دهد عمره او صحیح است، و اگر نتواند بجا آورد، احتیاط آن است که به حکم محصور عمل کند.

مسائل متفرقه

شرکت در نماز جماعت اهل سنت:

مسألة ۷۰۵- هنگامی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت برگزار می‌گردد، مؤمنین نباید از آن اماکن مقدّسه خارج شوند، و نماز جماعت را ترک کنند. بلکه باید به همراه بقیّه مسلمانان به نماز جماعت بایستند.

مسألة ۷۰۶- نماز جماعت‌های کاروانی و بزرگ در مسافرخانه‌ها و هتل‌های مگه و مدینه توسط شیعیان در صورتی که بتوانند در نماز جماعت حرمین شرکت کنند، اشکال دارد، ولی نماز جماعت چند نفری اشکال ندارد.

مسألة ۷۰۷- کسی که نمازش را در مسجدالحرام به شکل استداره (دایره وار) خوانده، به گونه‌ای که رو به روی امام

جماعت، یا در سمت راست، یا در طرف چپ او ایستاده بوده، نمازش صحیح است، و نیاز به تکرار آن نیست؛ مشروط بر این که امام به حسب دایره یعنی از جهت فاصله به کعبه از دیگران جلوتر باشد.

مسألة ۷۰۸- رعایت اتصال صفوف در نماز جماعت با اهل سنت لازم است، بنابراین هرگاه عده‌ای از آنها با فاصله بایستند، به سراغ گروهی بروید که با امام اتصال دارند.

مسألة ۷۰۹- کسانی که برای شرکت در نماز مغرب یا ظهر به مساجد مکه و مدینه می‌روند، و در جماعت آنها شرکت می‌کنند، می‌توانند بعد از نماز جماعت، نماز عشا یا عصر خود را به طور فرادی بجا آورند.

مسألة ۷۱۰- نمازهایی که همگام با سایر مسلمین به امامت اهل سنت اقامه می‌گردد صحیح است، و حتی در وسعت وقت نیاز به اعاده ندارد.

مسألة ۷۱۱- هرگاه رعایت اتصال صفوف جماعت مستلزم سجده بر فرش باشد، و اصرار نسبت به سجده بر سنگفرش مسجد مستلزم عدم رعایت اتصال باشد، باید اتصال را مراعات

کند؛ هر چند بر فرش سجده نماید.

مسألة ۷۱۲- هرگاه با کمی تأخیر به نماز جماعت برسد، به گونه‌ای که مسلمین نماز خود را بسته، و با صفوف جلو اتصال معتبر نزد شیعه را ندارند، و امکان عبور از صفوف و رفتن به جایی که اتصال برقرار است نیز نمی‌باشد، یا مأمورین اجازه چنین کاری را نمی‌دهند، در همان جا که ممکن است اقتدا نموده، و همین نماز کفایت می‌کند و نیازی به اعاده نیست.

مسألة ۷۱۳- نمازهایی که بر اثر ازدحام جمعیت در پشت بام مسجدالحرام یا مسجدالتبی به جماعت برگزار می‌شود، کافی نیست و باید اعاده گردد.

مسألة ۷۱۴- نماز جمعه با اهل سنت نیز کفایت از نماز ظهر می‌کند، و اعاده آن لازم نمی‌باشد، و اینها دستوراتی است که ائمه طاهرين علیهم‌السلام برای حفظ وحدت مسلمین به ما داده‌اند.

مسألة ۷۱۵- هرگاه مؤمنین زمانی به مسجد برسند که نماز جماعت تمام شده، ولی صفها هنوز به هم نخورده، اذان و اقامه ساقط است، و از این جهت تفاوتی با نماز جماعت شیعیان ندارد.

مسألة ۷۱۶- خواندن نماز قضا با نماز جماعت اهل سنت، مانعی ندارد.

مسألة ۷۱۷- با توجه به این که اگر اهل سنت یک رکعت از امام عقب بیفتند تجافی نمی کنند (و به صورت نیم خیز نمی نشینند)، انجام این کار برای شیعیان لازم نیست.

سجده گاه:

مسألة ۷۱۸- سجده کردن بر تمام انواع سنگها جایز است؛ چه مرمر باشد، یا سنگهای سیاه معدنی، یا سنگ گچ و آهک قبل از آن که پخته شود. بنابراین، سجده کردن بر تمام سنگفرشهای «مسجدالحرام» و «مسجدالتبی» که از این قبیل است اشکالی ندارد.

مسألة ۷۱۹- سجده کردن بر فرشهای مسجدالتبی و سایر مساجد مکه و مدینه مانعی ندارد، بلکه مهر گذاشتن جایز نیست، ولی اگر به سهولت به جایی که فرش نیست و برای سجده مناسب است دسترسی دارد و سبب حساسیت برادران اهل سنت نمی شود آن را مقدم دارد؛ اما تأکید می شود از هر

عملی که موجب هتک و انگشت نما شدن می گردد اجتناب ورزند، ولی سجده بر فرش در هتلها جایز نیست.

مسألة ۷۲۰- سجده بر حصیرهایی که در مکه و مدینه مورد استفاده حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می شود، و حصیر مزبور با نخ مخلوط است، مانعی ندارد؛ مشروط بر این که موجب هتک و انگشت نما شدن نگردد.

مسألة ۷۲۱- چنانچه حاجی شیعه نمازش را به گونه ای انجام دهد که معلوم نباشد حتی موافق نظر اهل سنت است، مثل این که بر پشت نمازگزاران صف جلو سجده کند (آن گونه که بعضی از عوام اهل سنت به هنگام ازدحام انجام می دهند)، یا اتصال صفوف را مراعات ننماید، باید نمازش را اعاده کند.

مسألة ۷۲۲- نمازهای شخصی که خیال می کرده سجده بر سنگفرشهای مسجدالحرام یا مسجدالتبی صحیح نیست، و بر پشت دست خود سجده نموده، صحیح نیست؛ مگر این که جاهل قاصر باشد.

مسألة ۷۲۳- حاجی مخیر است نماز را در محلی که ثواب فراوانی دارد (مانند روضه مطهره مسجدالتبی)، اما مجبور است

بر فرش سجده کند بجا آورد، یا در جایی که ثواب کمتری دارد، ولی می‌تواند بر سنگ سجده نماید.

مسئله ۷۲۴- حجاج محترمی که در نماز جماعت اهل سنت بر روی ویلچر یا صندلی نماز می‌خوانند، به هنگام رکوع کمی خم می‌شوند، و به هنگام سجده کمی بیشتر، و نمازشان صحیح است، و لازم نیست کفشهای خود را بیرون آورند، یا مهر به پیشانی بچسبانند.

نماز مسافر:

مسئله ۷۲۵- مسافران مختیرند نماز خود را در مسجد الحرام و مسجدالتبی، بلکه در تمام شهر مکه و مدینه، تمام یا قصر به جا آورند، و نماز تمام افضل است، و فرقی بین مکه و مدینه قدیم و امروز نیست.

مسئله ۷۲۶- با توجه به این که قصد اقامه عشره باید در یک محل، یا دو محلّ نزدیک به هم باشد (مثلاً با فاصله سه یا چهار کیلومتر) حجاج محترم نمی‌توانند با احتساب ایام عرفات و مشعر و منی قصد ده روز کنند، ولی چنانچه قصد ده روز توقف

در مکه کنند، و پس از گذشت ده روز به عرفات و مشعر و منی بروند، یا بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد برگردند، و به آن امکان مقدسه بروند، نمازشان در همه این مکانها کامل است. زیرا در شرایط فعلی فاصله مکه تا عرفات به مقدار مسافت شرعیّه نیست.

مسئله ۷۲۷- هرگاه مدیر کاروان، با توجه به این که می‌داند توقف زائران در مکه یا مدینه کمتر از ده روز است، اعلام کند که ده روز می‌مانیم، و زوار با اعتماد به گفته او نمازشان را تمام بخوانند و روزه بگیرند، و قبل از ده روز از آنجا بروند، نماز و روزه زائران صحیح است؛ ولی مدیر کاروان نباید دروغ بگوید.

مسئله ۷۲۸- شخصی که قصد کرده تا پایان روز ترویبه (هشتم ذی الحجه) در مکه اقامت کند، و به تصوّر این که از آغاز ورودش تا روز هشتم ذی الحجه ده روز خواهد بود نمازهایش را تمام خوانده، سپس متوجه می‌شود که ده روز اقامت نخواهد داشت، باید نمازها را شکسته بخواند، و آنچه را تمام خوانده قضا کند.

روزه مستحبی:

مسئله ۷۲۹- حاجی می‌تواند برای برآورده شدن حاجات خود سه روز در مدینه روزه بگیرد و سزاوار است این سه روز چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه باشد.

مسئله ۷۳۰- نذر روزه در سفر اشکال دارد ولی اگر نذر کرد احتیاط آن است که به نذر خود عمل کند.

وقت نماز و روزه:

مسئله ۷۳۱- نماز خواندن با اذان اهل تسنن در نماز صبح و ظهر، چنانچه یقین یا گمان قابل ملاحظه‌ای به دخول وقت حاصل شود مانعی ندارد؛ ولی در مورد نماز مغرب احتیاط آن است کمی صبر شود تا حمزه زائل گردد. این در صورتی است که بخواهند در محل سکونت نماز فرادی بخوانند، ولی اگر با آنها نماز جماعت بخوانند رعایت این احتیاط لازم نیست، و اذان آنها کافی است.

مسئله ۷۳۲- کسانی که در ماه مبارک رمضان توفیق انجام عمره مفرده پیدا می‌کنند، هرگاه جهت نماز اول وقت به

مسجدالحرام یا مسجدالنبی بروند، و قبل از زوال حمزه به آنها اصرار کنند که افطار نمایند، مجاز هستند افطار کنند، و روزه آنها صحیح است، و نیازی به قضا ندارد.

اعلان عید:

مسئله ۷۳۳- هرگاه از سوی قاضی اهل سنت حکم شود که فلان روز عید قربان است، و ما یقین بر خلاف آن نداشته باشیم، متابعت از آنان جایز است. بلکه اگر یقین بر خلاف داشته باشیم (که غالباً چنین یقینی حاصل نمی‌شود)، نیز باید تبعیت کنیم، و نیازی به احتیاط نیست، و حج صحیح است.

حج و خمس:

مسئله ۷۳۴- هرگاه شخصی هزینه حج دیگری را بپردازد، و باذل اهل وجوهات شرعیه نباشد، چنانچه یقین به وجود خمس در پول مزبور نباشد حج او اشکالی ندارد، و اگر یقین به وجود خمس در آن دارد، لازم است خمس آن را بپردازد.

مسئله ۷۳۵- هرگاه کسی بدون این که خمس مال خود را

بپردازد به عمره یا حج برود، و پس از بازگشت متوجه خطای خود شود، حج یا عمره او صحیح است، ولی در اولین فرصت اقدام به پاکسازی اموال خود کند.

مسئله ۷۳۶- شخصی که حساب خمسی ندارد هرگاه بخواهد به حج مشرف شود باید به اموال خود رسیدگی کند. چنانچه تاریخ اولین درآمدش را بداند، آنچه از اموال و دارایی‌ها که بر مبنای اولین درآمد در آمد، سال بر آن گذشته خمس دارد، و اگر تاریخ اولین درآمد را نداند، آنچه در طول سال نزد او بوده خمس دارد، و آنچه مشکوک است خمس ندارد، و تخمیس لباس احرام کفایت نمی‌کند، بلکه باید تمام هزینه حج یا عمره تخمیس گردد. و بسیار بجاست که حجاج محترم از این فرصت الهی استفاده کرده و آنها که تا کنون تمام اموالشان را تخمیس نکرده‌اند خمس آن را بپردازند تا هم به وظیفه واجب خویش عمل کنند و هم مشمول برکات الهی شوند.

لقطه (گمشده) حرم:

مسئله ۷۳۷- هرگاه حاجی چیزی در حرم پیدا کند، احتیاط واجب آن است که بر ندارد.

مسئله ۷۳۸- اگر لقطه (گمشده) حرم را برداشت، چنانچه قیمت آن کمتر از یک درهم^۱ باشد می‌تواند آن را تملک و مصرف نماید، و اگر تملک نکرد و کوتاهی ننمود ضامن نیست، ولی اگر بدون قصد تملک آن را نزد خود نگاه داشت، و در نگهداری آن کوتاهی و تفریط کرد، ضامن است، و اگر قصد تملک کرد و قبل از آن که آن را مصرف کند صاحبش پیدا شد، باید آن را به صاحبش بازگرداند.

مسئله ۷۳۹- هرگاه لقطه حرم را، که یک درهم یا بیشتر ارزش دارد بردارد، باید اگر می‌تواند آن را به شخصی مطمئن بسپارد تا یک سال در جستجوی صاحبش باشد و اعلام کند^۲، و اگر بعد از یک سال صاحبش پیدا نشد، و امیدی به پیدا شدن صاحبش ندارد، آن را صدقه می‌دهد، ولی چنانچه پس از صدقه دادن، صاحبش پیدا شود و راضی به صدقه نگردد، احتیاط واجب آن است که قیمت آن را به او بدهد، و در هر حال تملک

۱. یک درهم ۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار است، که قیمت فعلی آن حدود ۴۰۰ تومان است.

۲. چنانچه از روزی که آن را پیدا کرده تا یک هفته هر روز، و پس از آن تا یک سال هفته‌ای یک بار، در محل اجتماع مردم اعلام کند، کافی است.

چنین لقطه‌ای جایز نیست، و چنانچه تملک کند مالک نمی‌شود، و ضامن آن است، و اگر از ابتدا نسبت به پیدا کردن صاحبش کاملاً مایوس باشد می‌تواند بلافاصله آن را به شخص نیازمندی از طرف صاحب اصلی صدقه دهد.

مسئله ۷۴۰- هرگاه زائرین در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کنند، و ندانند که متعلق به زوار ایرانی است یا غیر ایرانی، در صورتی که از یافتن صاحبش مایوس باشند، احتیاط واجب آن است که آن را از طرف صاحبش به فقیری صدقه دهند.

استفتائات مرتبط با مسائل عمره:

سؤال ۷۴۱- شخصی که مقلد هیچ یک از مراجع بزرگوار تقلید نبوده، اکنون می‌خواهد تقلید نماید. در این مدت مکه هم رفته است. آیا عبادت‌هایش صحیح است؟

جواب: هرگاه اعمالش مطابق فتوای مرجعی که فعلاً وظیفه‌اش تقلید از اوست باشد، صحیح است.

سؤال ۷۴۲- قرآنهایی در مسجدالحرام وجود دارد که بر روی بعضی از آنها جمله «وقف لله تعالی» نوشته شده، و بر تعدادی

نیز این جمله نوشته نشده است. لطفاً در مورد قرآنهایی مذکور به دو سؤال زیر پاسخ فرمائید:

الف) در بین حجاج مشهور است که برداشتن قرآنهایی که جمله مذکور در آن وجود ندارد، جایز است. آیا این سخن صحیح است؟

جواب: خارج کردن قرآن از مساجد بدون اجازه مسؤولین مربوطه جایز نیست، و باید فوراً آن را بازگردانند. (ب) گاهی از اوقات مسؤولین مسجدالحرام قرآنهایی که جمله مذکور روی آن نوشته شده را به حجاج هدیه می‌کنند. آیا گرفتن چنان قرآنهایی جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۷۴۳- آیا می‌توان قطعه‌ای از سنگ کوه صفا و مروه، یا صحرای مشعر را به عنوان تبرک برداشت؟

جواب: برداشتن سنگ از صفا و مروه جایز نیست؛ و برداشتن از مشعر نیز احتیاط در ترک آن است.

سؤال ۷۴۴- گاه دیده می‌شود که برخی از حجاج محترم به عنوان تبرک مقداری از خاک قبرستان بقیع را برداشته، و همراه

خود به ایران می‌آورند. آیا این کار از نظر شرعی صحیح است؟ اگر جایز نباشد، وظیفه فعلی آنها چیست؟
جواب: این کار جایز نیست، و احتیاط آن است که آن را برگردانند.

سؤال ۷۴۵- سال گذشته یکی از دوستان، که به حج مشرف شده بود، دو قطعه سنگ از غار حرا به عنوان هدیه برایم آورد. سنگها را در مکان مناسبی نهاده، و هر چند روز یک بار به عنوان تبرک آنها را می‌بوسم و زیارت می‌کنم. آیا این عمل شرک محسوب می‌شود؟

جواب: این کار ذاتاً حرام نیست؛ اما از این جهت که ممکن است منشأ برداشتهای سوء بدخواهان، یا بدعت گردد، از این کار خودداری کنید.

سؤال ۷۴۶- آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی، که در بازار مسلمین از جمله مکه و مدینه به فروش می‌رسد، جایز است؟

جواب: اگر ندانند از کجا وارد شده، یا بدانند از کشورهای اسلامی است، مانعی ندارد، و اگر یقین داشته

باشند از کشورهای غیر اسلامی وارد شده، در صورتی استفاده از آن جایز است که وارد کننده آن مسلمان باشد، و احتمال داده شود که او شرایط شرعی ذبح را احراز کرده، و در دسترس مسلمانان قرار داده است، یا روی آن جمله «ذبح شرعی» نوشته شده باشد.

سؤال ۷۴۷- اگر شخصی مبلغی ارز به فردی بدهد، و عوض آن را پول ایرانی بگیرد چه حکمی دارد؟
جواب: در صورتی که مخالف مقررات نباشد، و با رضایت همدیگر باشد مانعی ندارد.

سؤال ۷۴۸- هنگامی که قسمتی از مسجدالحرام نجس می‌شود، مأمورین به شکل زیر آن را تطهیر می‌کنند: «ابتدا عین نجاست را برطرف نموده، سپس ظرف آب قلیلی بر روی محل نجس می‌ریزند، و در مرحله سوم آبهای ریخته شده را جمع می‌کنند». با توجه به این نوع تطهیر انسان به نجاست تمام مسجدالحرام یقین پیدا می‌کند. آیا سجده بر سنگهای مذکور در فرض سؤال جایز است؟

جواب: علم به نجاست تمام مسجد پیدا نمی‌شود، و به

شک نباید اعتنا کرد، و این نیز نوعی تطهیر است.

سؤال ۷۴۹- اگر شخصی در مسجدالحرام یا مسجدالنبی محتلم شود، برای تیمم چه نیتی کند؟

جواب: باید فوراً خارج شود، و برای خروج از مسجد تیمم بدل از غسل جنابت می‌کند؛ مگر این که زمان خروج کمتر از زمان تیمم باشد، که بدون تیمم فوراً خارج می‌شود.

سؤال ۷۵۰- آیا عبور و مرور حائض و جنب، از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالنبی جایز است؟

جواب: جایز نیست، و فرقی میان قسمت قدیم و جدید نیست.

سؤال ۷۵۱- منظور از مشقت یا عُسر و حرج، که در بعضی از مسائل به آن اشاره کرده‌اید چیست؟ آیا مشقت و عُسر و حرج شخصی ملاک است، یا نوعی؟

جواب: منظور از عُسر و حرج شخصی است.

سؤال ۷۵۲- آیا قصد باطل کردن عمره، یا قسمتی از مناسک آن (بدون آن که هنگام قصد ابطال عمل را ادامه دهد) موجب بطلان آن می‌گردد؟

جواب: قصد ابطال موجب بطلان نمی‌گردد.

سؤال ۷۵۳- غسل احرام، زیارت و مانند آن، تا چه زمانی اعتبار دارد؟ و با چه چیزهایی باطل می‌شود؟

جواب: تا یک روز معتبر است؛ و اگر حدث اصغر از او سرزند، به قصد رجا آن را اعاده می‌کند، ولی واجب نیست.

سؤال ۷۵۴- آیا طلب رحمت برای بانیان، حافظان و خدمتکاران مسجدالحرام و مسجدالنبی، که زحمات فراوانی را متحمل می‌شوند، جایز است؟

جواب: برای آنها طلب هدایت کنید.

سؤال ۷۵۵- بعضی از حجاج سهمیه موادّ خوراکی و مصرفی خود (مانند نوشابه، موز، پرتغال، سیب، پنیر، آمیوه، صابون، شامپو و مانند آن را) که در ایام سفر مورد استفاده قرار نداده‌اند، با خود به ایران می‌آورند. این کار چه حکمی دارد؟ آیا استفاده از آن مواد جایز است؟

جواب: در صورتی که واقعاً جنبه سهمیه داشته باشد مانعی ندارد؛ ولی اگر فقط جنبه اباحت تصرف دارد، فقط حق دارند در آنجا مصرف کنند، ولی با خود بردن جایز نیست.

سؤال ۷۵۶- انجام حج با مال حرام، یا مال مشتبه به حرام چگونه است؟

جواب: با مال حرام جایز نیست؛ ولی اگر مال او مشتبه به حرام است، ولی یقین به حرمت آن ندارد، می‌تواند آن را صرف حج کند. مشروط بر این که از نظر ظاهر محکوم به حلال بودن باشد؛ یعنی از طریق ظاهراً حلال به دست آورده است.

سؤال ۷۵۷- شک در اعمال عمره چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه پس از شروع در عملی که بعد از آن است شک کند، اعتنا ننماید؛ چه شک در انجام آن داشته باشد، یا شک در صحیح بجا آوردن آن.

چند مسأله مهم و محلّ ابتلا در عمره

۱- استفاده از ماشینهای سرپوشیده در حال احرام در شبها، یا بین الطلوعین، یا روزهای کاملاً ابری، که سایبان تأثیری برای حفظ از آفتاب و باران ندارد، جایز است، همچنان که سوار ماشین سرپوشیده شدن در حال احرام در داخل شهر مکه مانعی ندارد (خواه در روز باشد، یا در شب)، ولی بهتر است در آن قسمت که از حرم بیرون است (یعنی آن طرف که از مسجد تنعیم فراتر می‌رود) احتیاط کند، ولی با توجه به این که قسمتهای بعد از تنعیم هم جزء شهر مکه است، احتیاط مذکور واجب نیست.

۲- اگر بدون اختیار چشم مُحرم به آینه بیفتد، اشکالی ندارد، و بهتر است که در ایام احرام حج یا عمره، در اطاق‌هایی

که افراد مُحرم سکونت دارند، و همچنین در مسیر رفت و آمد آنها، مانند داخل آسانسورها، روی آینه‌ها چیزی بیندازند، که نگاه غیر اختیاری نیز به آن نیفتد.

۳- احتیاط واجب آن است که مُحرم حشرات (مانند پشه، زنبور، مگس، ملخ و امثال آن را) نکشد؛ چه روی بدن یا لباس او باشد، یا جای دیگر، و نیز هیچ جنبنده‌ای را به قتل نرساند، مگر این که مایهٔ آزار او شود، یا حیوان موذی و خطرناکی باشد؛ (مانند مار و عقرب). و اگر عمداً آنها را بکشد کفاره دارد، و کفارهٔ آن مقداری غذا است؛ (مثلاً یک نان به فقیر بدهد)، بنابراین باید موقع راه رفتن مواظب ملخها و مورچه‌ها و مانند آن باشد.

۴- لازم نیست طواف در فاصلهٔ بین مقام ابراهیم و خانهٔ کعبه باشد؛ بلکه در تمام مسجدالحرام طواف جایز است؛ (به خصوص هنگام ازدحام جمعیت) ولی در صورت امکان بهتر است از فاصلهٔ مزبور تجاوز نکند.

۵- لازم نیست شانهٔ چپ در تمام حالات محاذی کعبه باشد؛ بلکه همین اندازه که مطابق معمول همهٔ مردم، خانهٔ کعبه را دور بزند کافی است.

۶- هرگاه جمعیت طواف کننده به قدری زیاد باشد که انسان را با فشار و بدون اختیار به پیش ببرد، ضرری برای طواف ندارد، و همین اندازه که از آغاز نیت می‌کند که برای طواف به میان جمعیت برود کافی است. هر چند می‌داند فشار جمعیت او را به جلو می‌برد.

۷- طواف در طبقهٔ دوّم و پشت بام مسجدالحرام اشکال دارد؛ ولی کسانی که مجبور هستند از آنجا طواف کنند طوافشان صحیح است، و نایب گرفتن لازم نیست.

۸- محلّ نماز طواف واجب، پشت مقام ابراهیم است؛ ولی اگر ازدحام جمعیت زیاد باشد، می‌توان عقب‌تر نماز خواند. به خصوص، در مواقعی که جمعیت طواف کننده به قدری زیاد است که به پشت مقام ابراهیم می‌رسد، در این صورت نباید مزاحم طواف کنندگان شد، و اصرار بر خواندن نماز در پشت مقام داشت، و کارهایی که بعضی از عوام انجام می‌دهند، و دستها را زنجیر می‌کنند، و مزاحم طواف کنندگان می‌شوند، صحیح نیست؛ اما نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد می‌توان خواند.

۹- خواندن نماز طواف به جماعت اشکال دارد، حتی به عنوان احتیاط، و افراد باید حمد و سوره را به قدر امکان اصلاح کنند، و خودشان بخوانند.

۱۰- سعی صفا و مروه در طبقه بالا جایز نیست؛ مگر این که ازدحام به قدری زیاد باشد که سعی در طبقه پایین مشقت شدید داشته باشد.

۱۱- هنگام سعی صفا و مروه کافی است مقداری از سربالایی صفا و مروه را طی کند، و لازم نیست به قسمت لخت کوه برسد، و پای خود را به آن بچسباند. زیرا سربالایی مفروش در صفا و مروه جزء کوه است.

۱۲- نشستن در حال طواف واجب، برای رفع خستگی مانعی ندارد؛ ولی احتیاط آن است که موالات عرفی به هم نخورد، یعنی فاصله زیاد نشود؛ اما نشستن در حال سعی، برای رفع خستگی و مانند آن به هر مقدار مانعی ندارد؛ خواه در صفا باشد، یا در مروه، یا در میان آن دو.

۱۳- بهتر است هنگام ازدحام جمعیت، طواف متسحبی را ترک کرد، و محل طواف را برای کسانی که طواف واجب

می‌کنند آزاد گذاشت.

۱۴- نماز خواندن با اهل سنت و شرکت در جماعات آنها در ایام حج و مانند آن، برای حفظ وحدت مسلمین از مستحبات مؤکد و موجب تقویت صفوف در برابر دشمنان است، و در روایات معصومین علیهم السلام تأکیدات فراوانی درباره آن شده است، و چنین نمازی کفایت از نماز واجب می‌کند، و اعاده آن لازم نیست.

۱۵- حُجَّاج محترم می‌توانند در مسأله وقت نماز و مانند آن از آنها پیروی نمایند، و با آنها نماز بخوانند، و برای سجده اگر بتوانند، روی سنگهای کف مسجد سجده نمایند (زیرا سجده بر تمام آن سنگها جایز است) و اگر نتوانند، روی فرش سجده می‌کنند، و لازم نیست دست بسته نماز بخوانند، یا بعد از حمد آمین بگویند.

۱۶- کسانی که به هنگام افطار روزه در مسجد الحرام یا سایر مساجد آنان حضور دارند، هرگاه به آنها اصرار بر افطار کنند، مانعی ندارد همزمان با اهل سنت افطار نمایند، و روزه آنها صحیح است.

۱۷- استفاده از بادبزن، یا حصیرهای بدون نخ، یا حصیرهای معمولی که نخ نازکی دارد، برای سجده کردن در همه حال جایز است، و لزومی ندارد از مهر استفاده شود که مخالفان به خاطر تبلیغات نادرست روی آن حساسیت دارند. بلکه استفاده از مهر در بعضی از مواقع - که باعث بدبینی و اعتراض می‌شود - اشکال دارد.

۱۸- نایب و اجیر باید اعمال حج را مطابق اجتهاد یا تقلید خودش بجا آورد، نه اجتهاد یا تقلید شخصی که برای او نیابت می‌کند.

۱۹- زوّار خانه خدا می‌توانند نماز خود را در مسجدالحرام و مسجدالتّبی، بلکه در همه شهر مکه و مدینه، تمام یا قصر بخوانند، و نماز تمام افضل است، و فرقی میان مکه و مدینه قدیم و جدید نیست.

۲۰- مسافر می‌تواند برای گرفتن حاجت سه روز در مدینه روزه مستحبی بگیرد؛ (هر چند قصد ده روز نکند) و احتیاط لازم آن است که روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه و جمعه را انتخاب کند.

۲۱- احرام بستن از تمام آنچه امروز جزء مسجد شجره است جایز می‌باشد، حتی از کنار مسجد شجره نیز می‌توان احرام بست.

۲۲- حاجیان شیعه و پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نباید در ایام حج و مانند آن، نماز جماعت جداگانه به طور گروهی در کاروانها یا مسجدالحرام یا مسجدالتّبی، تشکیل بدهند، و چنین نماز جماعتی خالی از اشکال نیست، مگر این که نماز چند نفری باشد.

۲۳- زوّار خانه خدا باید از تمام کارهایی که موجب وهن مذهب است اجتناب ورزند؛ مانند:

الف) بازگشت از مسجدالحرام و مسجدالتّبی و صفوف جماعت، هنگام اذان یا نزدیک اذان.

ب) پرداختن به خرید و فروش در بازارها و خیابانها، یا بازگشتن با اجناس خریداری شده به سمت کاروانها در چنان ساعاتی؛ بلکه این کارها را کنار بگذارند، و به جماعت بپیوندند.

ج) اجتماع پشت دیوار بقیع برای زیارت قبور معصومین علیهم‌السلام، هنگام نماز جماعت.

(د) پوشیدن لباسهای نامناسب که مایه وهن در انظار عموم است.

هـ) برخورد خشونت آمیز در سخن یا رفتار با سایر زوارخانه خدا، یا ساکنان مکه و مدینه.

خلاصه پیروان مکتب اهل البیت علیهم السلام باید چنان رفتار کنند که همه احساس نمایند آنها به برکت پیروی از اهلبیت علیهم السلام از تربیت بالایی برخوردارند، و هیچ گونه بهانه‌ای به دست مخالفان ندهند که این کار اجر و ثواب حج آنها را انشاء الله مضاعف می‌سازد.

آداب و مستحبات عمره

در روایات اسلامی، و کلمات فقهای عظام (رضوان الله تعالی علیهم) آداب و مستحبات بسیاری برای هر یک از اعمال «عمره» ذکر شده که قسمت قابل توجهی از آن را عیناً در اینجا می‌آوریم، ولی از آنجا که بعضی از آنها دلیل کافی ندارد (و ما اصل تسامح در ادله سنن و مستحبات را صحیح نمی‌دانیم) بهتر است همه را به قصد «رجاء»، یعنی به امید این که مطلوب شرع مقدس و دارای ثواب باشد، به جا آورد.

«نکته مهم دیگر» این که انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما، و در آن انبوه جمعیت، برای بسیاری از مردم غیر ممکن است؛ بنابراین آنچه را ممکن است انجام می‌دهند، و آنچه را نمی‌توان انجام داد اگر مورد علاقه حاجی باشد و نیت

انجام آن راه، در صورت امکان داشته باشد، طبق روایات معصومین علیهم السلام خداوند مطابق نیتش به او پاداش خواهد داد.

مستحبات سفر:

کسی که قصد سفر مکه، یا سفر دیگری دارد، مستحب است امور زیر را انجام دهد:

۱- از خداوند متعال طلب خیر کند.

۲- وصیت بنماید.

۳- صدقه دهد، تا به آن صدقه سلامت خود را خریداری نماید.

۴- هنگامی که برای مسافرت مهیا می‌شود، در خانه خود چهار رکعت نماز به جا آورد. در هر رکعت سوره حمد، و توحید (قل هو الله) را بخواند، و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِهِنَّ، فَاجْعَلُنَّ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَ مَالِي».

۵- بر در خانه خود ایستاده، و سه مرتبه از پیش رو، و از طرف راست، و طرف چپ، سوره حمد، و به همین ترتیب سه مرتبه

آیه‌الکرسی را بخواند، سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ، وَ سَلِّمْ عَلَيَّ وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ، وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ، بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ».

مستحبات احرام:

مستحبات احرام چند چیز است:

۱- قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده، و ناخن و شارب (سبیل) خود را بگیرد، و موی زیر بغل و اطراف عورت را زایل کند.

۲- کسی که قصد عمره مفرده دارد پیش از یک ماه، موی سر و ریش را رها کند، و بعضی از فقها قائل به وجوب آن شده‌اند، و این قول هر چند ضعیف است، ولی موافق احتیاط می‌باشد.

۳- پیش از احرام در میقات غسل احرام کند، و این غسل از زن حائض و زنی که وضع حمل کرده نیز صحیح است، و تقدیم این غسل، به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود، جایز است، و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید، و هر

گاه مکلف پس از انجام غسل احرام لباسی بپوشد، یا چیزی بخورد که بر محرم حرام است، تکرار غسل مستحب است، و اگر در روز غسل نماید، آن غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند. همچنین اگر در شب غسل کند، تا آخر روز آینده کافی است؛ ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام وضوی او باطل شد، غسل را اعاده نماید.

۴- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوْرِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأُوْدِي فِيهِ فَرْضِي، وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي، وَأَرَدْتُهُ فَأُعَانَنِي، وَقَبَلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي، وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي. فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْنِي وَحِزْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي.»

۵- دو حوله احرام از جنس پنبه باشد.

۶- احرام را به ترتیب زیر ببندد:

در صورت امکان بعد از نماز ظهر، و اگر ممکن نبود، پس از نماز واجب دیگر، و چنانچه آن هم امکان‌پذیر نبود، بعد از شش

یا دو رکعت نماز نافله، که در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون را بخواند، و شش رکعت افضل است، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی به جا آورد، و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد؛ آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ، وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَأَتَى عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أُعْطَيْتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتُ الْحَجَّ فَاسْأَلُكَ أَنْ تَعْرِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ تُقَوِّبَنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يَسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ رَضِيتَ وَ ارْتَضَيْتَ، وَ سَمَّيْتَهُ وَ كَتَبْتَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَ انْقَفْتُ مَالِي إِنْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمْرَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَخَلَّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي، بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةً فَعُمْرَةً أَحْرَمُ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مَخِي وَ عَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ، أَبْتَغِي

بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الآخِرَةَ».

۷- نیت احرام را بر زبان جاری کند، و تنها به نیت قلبی قناعت نکند، و برای مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند.

۸- سابقاً گفتیم که تلبیه واجب، که احرام به آن حاصل

می شود، بنا بر احتیاط چنین است:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ».

و مستحب است پس از آن بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُبَدِيُّ وَ الْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَ يُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْعُوبًا وَ مَرْهُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النِّعْمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ».

۹- تلبیه‌ها را در حال احرام، و در موارد زیر تکرار کند:

الف) هنگام برخاستن از خواب، ب) بعد از هر نماز واجب و

مستحب، ج) وقت رسیدن به زوار دیگر که سواره هستند، د) هنگام بالا رفتن از بلندی، یا سرازیر شدن از آن، ه) وقت سوار شدن یا پیاده شدن، و) در اوقات سحر تلبیه بسیار بگوید.

۱۰- زنان حائض و نفساء (زنی که وضع حمل کرده) نیز این

تلبیه‌ها را بگویند.

شخصی که عمره به جا می آورد تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا خانه‌های مکه را ببیند، و پس از آن قطع خواهد شد.

مکروهات احرام:

مکروهات احرام چند چیز است:

۱- احرام در احرامی مشکى، و احتیاط ترک آن است، و

بهتر احرام در جامه سفید است.

۲- احرام بستن در جامه چرکین، و اگر لباس احرام کثیف

شود بهتر است مکلف مادام که در حال احرام است آن را

نشوید؛ ولی می تواند تبدیل کند.

۳- احرام بستن در جامه راهراه.

۴- استعمال حنا پیش از احرام.

مستحبات دخول حرم:

۱- برای تواضع و فروتنی در برابر خداوند متعال یا برهنه شده، و کفشهای خود را در دست گرفته، داخل حرم شود. این عمل ثواب زیادی دارد.

۲- هنگام دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ: «وَ أَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُونَكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُوا أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَ قَدْ جِئْتُ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَ فَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعًا لِنِدَائِكَ، وَ مُسْتَجِيبًا لَكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، وَ كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ الرِّزْقَةَ عِنْدَكَ، وَ الْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَ الْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي، وَ التَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنَّاكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ، وَ أَمْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

مستحبات ورود به مکه معظمه و آداب مسجد الحرام:

- ۱- برای دخول به مکه معظمه غسل کردن مستحب است.
- ۲- هنگام ورود به مکه، با حالت تواضع وارد شود.
- ۳- مستحب است برای دخول به مسجدالحرام غسل نماید.
- ۴- مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود.

۵- بهتر است از باب السلام که محاذی باب بنی شیبه سابق

است وارد شده، و جلوی در مسجد الحرام ایستاده، و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَآءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

ع سپس داخل مسجدالحرام شود، و رو به کعبه دستها را

بلند نموده، بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَ فِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، وَ أَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ

هَذَا بَيْتِكَ الْحَرَامُ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ، وَ أَمَّا مُبَارَكًا، وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَ أَوْمُ طَاعَتِكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقُدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

و در روایت دیگر آمده که بر در مسجد چنین بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَ عَلَى أَنْبِيَاءِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ، وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُورِهِ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَ عَلَى كُلِّ مَاتِي حَقٌّ لِمَنْ أَنَاهُ وَ زَارَهُ، وَ أَنْتَ خَيْرُ مَاتِي وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ حَدِّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ، بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا مُجَادُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِثَابِي بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ، أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

سپس سه مرتبه می گوید: «اللَّهُمَّ فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

سپس می گوید: «وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيْطَانِ الْبَحْنِ وَ الْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

۷- مستحب است وقتی که به محاذات حجرالأسود رسید

بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى، وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ، وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

۸- سپس نزدیک حجرالأسود رفته، و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ. سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَحْسَى وَأَخَذَرُ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَكَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۹- صلوات بر پیغمبر و آل او علیهم السلام بفرستد، و سلام

بر پیغمبران بدهد، همان گونه که هنگام دخول مسجد سلام می دهد.

۱۰- سپس بگوید: «إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُوْفِي بِعَهْدِكَ».

۱۱- در روایت معتبر آمده است: هنگامی که نزدیک

حجرالأسود رسیدی دستهای خود را بلند کن، و حمد و ثنای

إلهی به جا آور، و بر پیامبر اسلام ﷺ صلوات بفرست، و از

خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند. پس از آن، در صورت

امکان حَجَرَ را بوسیده، و اگر بوسیدن ممکن نشد با دست لمس

کن، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن، و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا، وَ مِيثَاقِي تَغَاهَدْتُه، لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ. اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ، وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَّى صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى، وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ، وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

آداب و مستحبات طواف:

انجام اعمال زیر در حال طواف مستحب است:

۱- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشِي بِهِ عَلَى ظَلَلِ

الْمَاءِ، كَمَا يَمْشِي بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

يَهْتَرُ لَهُ عَرْشُكَ، وَ اسْتَلَّكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ
مَلَائِكَتِكَ، وَ اسْتَلَّكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ
الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ اَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَ اسْتَلَّكَ بِاسْمِكَ
الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ
وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ اَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا»، و
به جای «کذا و کذا» حاجت خود را از خداوند متعال بخواهد.

۲- مستحب است هنگام طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِرٌ، وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُغَيِّرْ
جِسْمِي، وَ لَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».

۳- صلوات بر محمد و آل او بفرستد، به خصوص هنگامی
که به در خانه کعبه رسید.

۴- هنگامی که به حجر اسماعیل رسید، به ناودان نگاه کند و
بگوید:

«اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي الْجَنَّةَ، وَ اجْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، وَ عَافِنِي
مِنَ السُّقْمِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ
فَسَقَةِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

۵- به هنگام عبور از حجر بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ، يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكِرَمِ، إِنَّ عَمَلِي
ضَعِيفٌ، فَضَاعِفُهُ لِي، وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».
عمره هنگامی که به رکن یمانی برسد دستها را بلند کند، و
بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ، وَ
الْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْأَمْنَانَ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ
عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَ تَسَامَ الْعَافِيَةَ وَ
شُكْرَ الْعَافِيَةِ، فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۷- سپس سر را به سمت کعبه کند، و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ
مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ جَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خِيَارَ خَلْقِكَ، وَ جَنِّبْهُ
شِرَارَ خَلْقِكَ».

۸- هنگامی که بین رکن یمانی و حجرالأسود رسید، بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنَا
عَذَابَ النَّارِ».

۹- در شوط هفتم، وقتی که به مستجار^۱ رسید، مستحب است - در صورت امکان - دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید، و شکم و صورت خود را به دیوار کعبه بچسباند، و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنَكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

۱۰- سپس به گناهان خود اعتراف نموده، و از خداوند عالم آمرزش بطلبد که انشاءالله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرَّوْحُ وَالْفَرْجُ وَالْغَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفْهُ لِي، وَ اغْفِرْ لِي مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، اسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

۱۱- و هرچه خواهد دعا کند، و دست بر رکن یمانی - که قبل از رکن حجرالاسود قرار دارد - بگذارد، سپس نزد حجرالاسود آمده، و طواف خود را تمام کند، و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقْنَعِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي».

۱. مستجار، پشت کعبه نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه واقع شده است.

۱۲- برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه کعبه (چهار گوشه آن)، و حجرالاسود را استلام نماید.^۱ و در وقت استلام حجر بگوید:

«أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا، وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لِي بِالمُؤَافَاةِ».

دعاهای اشواط طواف:

خواندن دعاهای زیر در هر یک از شوطهای طواف به ترتیبی که می آید، شایسته است:

شوط اول

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ وَ حُدَّهُ، أَنْجَزَ وَعَدَّهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ، وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَ حُدَّهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، رَبَّنَا آتِنَا فِي

۱. منظور از استلام لمس کردن آن است.

الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، وَ صَلَّى
اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ.

شوط دوّم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ
عِنْدِكَ، وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَ أَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ،
وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اغْفِرْ لِي
ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعاً، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ
أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا،
وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الآخِرَةِ، وَ أَعُوذُ
بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ عِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ، وَ قُدْرَتِكَ الَّتِي لَا
يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

شوط سوّم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَحْزُونِ الطَّاهِرِ
الطَّهْرِ الْمُبَارَكِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَ سُلْطَانِكَ
الْقَدِيمِ، يَا وَاهِبِ الْعَطَايَا، يَا مُطْلِقَ الْأَسَارِي، يَا فَكَّكَ

الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،
وَ أَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِماً، وَ
تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ آمِناً، وَ أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي أَوْلَهُ فَلَاحاً، وَ أَوْسَطَهُ
نَجَاحاً، وَ آخِرَهُ صَلَاحاً، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ.

شوط چهارم

اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجَى مِنْ عَمَلِي، وَ إِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ
مِنْ ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ ذَنْبِي عِنْدَكَ عَظِيماً فَغْفُوكَ أَعْظَمُ مِنْ
ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلاً أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَكَ، فَرَحْمَتِكَ أَهْلٌ
أَنْ تَبْلُغَنِي وَ تَسْعَنِي، لِإِنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، بِرَحْمَتِكَ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ،
سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ
الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُوراً وَ بَصَراً وَ
فَهْماً وَ عِلْماً، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

شوط پنجم

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ
الْكَرِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ
رَحْمَتِكَ، وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَ الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَ السَّلَامَةَ

مِنْ كُلِّ إِثْمٍ. اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا سُقْمًا إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا خَوْفًا إِلَّا أَمَنْتَهُ، وَلَا سُوءًا إِلَّا صَرَفْتَهُ، وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا، وَلِي فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

شوط ششم

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَاضِعٌ فَقِيرٌ بَائِسٌ مُسْكِبٌ مُسْتَكْبِئٌ مُسْتَجِيرٌ، لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَوَةً وَلَا نُشُورًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ صَلَوةٍ لَا تَرْفَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ، وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ، وَالرِّخَاءَ بَعْدَ الشَّدَّةِ، اللَّهُمَّ مَا بَنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ.

شوط هفتم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَ

مُلْكِكَ الْقَدِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمِ، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالرِّضْوَانَ فِي دَارِ السَّلَامِ، وَجِوَارِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ مَا بَنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلِ التَّوْرَ فِي بَصْرِي، وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي، وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي، وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

البته انجام بسیاری از این امور در این ایام امکان پذیر نیست، و موجب مزاحمت برای زوار است، آنچه می‌تواند و مزاحمت ندارد، انجام دهد.

مستحبات نماز طواف:

مستحب است امور زیر را در نماز طواف به قصد رجا بجا آورد:

۱- پس از قرائت سوره حمد، در رکعت اول «سوره توحید»، و در رکعت دوم «سوره قل یا ایها الکافرون» را بخواند.

۲- پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورده، و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و از خداوند عالم طلب قبول نماید.

۳- در بعضی از روایات آمده، که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته، و چنین راز و نیاز می‌کردند:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعَبُداً وَرِقاً، لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ حَقّاً حَقّاً، الْاَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَا أَنَا ذَابِسِينَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، فَاعْفِرْ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفِرْ لِي، فَإِنِّي مُقَرَّبٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

و پس از سجده آثار گریه و زاری بر چهره مبارک آن حضرت ظاهر بود.

۴- پس از انجام نماز طواف، و پیش از سعی مستحب است نزد زمزم رفته، و کمی آب بر سر و پشت و شکم خود بریزد، و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً، وَرِزْقاً وَاسِعاً، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ».

مستحبات سعی:

پس از نماز طواف نزد حجرالأسود بیاید، و مستحب است از در محاذی حجرالأسود به سوی صفا برود، و با آرامش بالای صفا رفته، و به خانه کعبه نظر کند، و به رکنی که حجرالأسود در آن است رو نماید، و حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و نعمتهای خداوند را در نظر بگیرد، سپس این اذکار را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه. «الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْاِحْمَدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه.

سپس سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَأَنَا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» و سه مرتبه آن را تکرار کند.

پس از آن سه مرتبه بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ

رَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

سپس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْغَافِيَةَ، وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

سپس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

سپس صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید.

سپس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ، وَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِمْنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

«أَسْتَوِدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ، دِينِي

وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي. اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ، وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ، وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

سپس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و اگر قادر بر انجام تمام

این عمل نباشد، هر قدر که می تواند بخواند.

و نیز مستحب است که این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدُّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي، وَ إِنْ تَعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِّ عَذَابِي، وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ إِرْحَمْنِي. اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي، أَصَبِحْتُ أَتَقِي عَذْلَكَ وَ لَا أَخَافُ جَوْرَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ إِرْحَمْنِي».

دعاهای لشواط سعى:

خواندن دعاهای زیر در هر یک از دورهای سعى، به ترتیبی

که می آید، شایسته است:

دور اوّل (از صفا به مروه)

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ الْكَرِيمِ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً، وَ مِنْ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، لَا شَيْءَ قَبْلَهُ وَ لَا بَعْدَهُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَ لَا يَفُوتُ أَبَدًا، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اغْفُ وَ تَكَرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ تَعَلَّمْ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، رَبِّ نَجِّنَا مِنَ النَّارِ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، فَرَحِمِنَ مُسْتَبْشِرِينَ، مَعَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ، وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، وَ حَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا، ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ، وَ كَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.

و نزدیک مروه این آیه خوانده می شود:

إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

دور دوّم (از مروه به صفا)

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ، الْفَرْدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ، وَ كَبْرُهُ تَكْبِيرًا. اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»، دَعُونَاكَ رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا كَمَا أَمَرْتَنَا، إِنَّكَ لَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ، رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا، رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ، رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ، رَبَّنَا عَلَيْنَا تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ آتَيْنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ، وَ لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا، رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ، رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اغْفُ وَ تَكَرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ تَعَلَّمْ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ

مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ، أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

دور سوّم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، رَبَّنَا أَتَمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ، عَاجِلَهُ وَ آجِلَهُ، وَ اسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِي، وَ أَسْأَلُكَ رَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اعْفُ وَ تَكَرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ تَعَلَّمَ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا، وَ لَا تُرِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. اللَّهُمَّ غَافِي فِي سَمْعِي وَ بَصَرِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَ بِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى.

إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

دور چهارم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعَلَّمَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعَلَّمَ، وَ اسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ مَا تَعَلَّمَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعَلَّمَ، وَ اسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ مَا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ الصَّادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِينُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ كَمَا هَدَيْتَنِي لِلْإِسْلَامِ أَنْ لَا تُنْزِعَهُ مِنِّي، حَتَّى تَتَوَفَّأَنِي عَلَيْهِ وَ أَنَا مُسْلِمٌ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَ فِي سَمْعِي نُورًا، وَ فِي بَصَرِي نُورًا. اللَّهُمَّ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ وَسَاوِسِ الصِّدْرِ، وَ شَتَاتِ الْأَمْرِ، وَ فِتْنَةِ الْقَبْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي اللَّيْلِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي النَّهَارِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا تَهَبُّ بِهِ الرِّيحُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ يَا اللَّهُ، سُبْحَانَكَ مَا ذَكَرْنَاكَ حَقَّ ذِكْرِكَ يَا اللَّهُ، رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ

اغْفُ وَ تَكَرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ، إِنَّكَ تَعَلَّمْ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ
أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

إِنَّ الصَّافَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ
شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

دور پنجم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، سُبْحَانَكَ مَا
شَكَرْنَاكَ حَقَّ شُكْرِكَ يَا اللَّهُ، سُبْحَانَكَ مَا أَعْلَى شَأْنِكَ يَا اللَّهُ،
اللَّهُمَّ حَبِّبِ الْإِيمَانَ، وَ زَيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا، وَ كَرِّهِ الْكُفْرَ وَ
الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ، وَ اجْعَلْنَا مِنَ الرَّشِيدِينَ. رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ،
وَ اغْفُ وَ تَكَرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ، إِنَّكَ تَعَلَّمْ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ
أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. اللَّهُمَّ قِنِّي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ،
اللَّهُمَّ اهْدِنِي بِالْهُدَى، وَ نَقِّنِي بِالتَّقْوَى، وَ اغْفِرْ لِي فِي الْآخِرَةِ وَ
الْأُولَى، اللَّهُمَّ أَبْسِطْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ فَضْلِكَ وَ
رِزْقِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ التَّعِيمَ الْمُقِيمَ، الَّذِي يَحُولُ وَ لَا يَزُولُ
أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَ فِي سَمْعِي نُورًا، وَ فِي

بَصَرِي نُورًا، وَ فِي لِسَانِي نُورًا، وَ عَن يَمِينِي نُورًا، وَ مِنْ
فَوْقِي نُورًا، وَ اجْعَلْ فِي نَفْسِي نُورًا، وَ عَظِيمٌ لِي نُورًا. رَبِّ
اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي.

إِنَّ الصَّافَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ
شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

دور ششم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَ حُدَّهُ، صَدَقَ وَعْدُهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَ حُدَّهُ، لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ
الْكَافِرُونَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَ التَّقَى وَ الْعِفَاةَ وَ الْغِنَى،
اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ، وَ خَيْرًا مِمَّا تَقُولُ، اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَ الْبِحْتَةَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ النَّارِ، وَ مَا
يَقْرَبُنِي إِيَّاهَا مِنْ قَوْلٍ وَ فِعْلٍ أَوْ عَمَلٍ، اللَّهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا، وَ
بِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا، وَ فِي كَنَفِكَ وَ إِعْطَامِكَ وَ عَطَائِكَ وَ إِحْسَانِكَ
أَصْبَحْنَا وَ أَمْسَيْنَا، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَ الْآخِرُ فَلَا

بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ، وَ البَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ، نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفُلْسِ وَ الْكَسَلِ وَ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَ فِتْنَةِ الْغِنَى، وَ نَسْتَلُكَ الْفُوزَ بِالْجَنَّةِ، رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اغْفُ وَ تَكَرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ تَعَلَّمْ مَا لَا نَعَلَّمْ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

إِنَّ الصِّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلَيْهِمُ.

دور هفتم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ الْإِيمَانَ وَ زَيِّنْهُ فِي قَلْبِي، وَ كَرِّهْ إِلَيَّ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الرَّشِيدِينَ. رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اغْفُ وَ تَكَرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ تَعَلَّمْ مَا لَا نَعَلَّمْ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، اللَّهُمَّ احْتِمِ بِالْخَيْرَاتِ آجَالَنَا، وَ حَقِّقْ بِفَضْلِكَ آمَالَنَا، وَ سَهِّلْ لِبُلُوغِ رِضَاكَ سُبُلَنَا، وَ حَسِّنْ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ أَعْمَالَنَا. يَا مُنْفِذَ الْعَرَقِي، يَا مُنْجِي الْهَلْكَى، يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى،

يَا مُتْتَهِي كُلِّ شَكْوَى، يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ، يَا دَائِمَ الْمَعْرُوفِ، يَا مَنْ لَا غِنَى بِشَيْءٍ عَنْهُ، وَ لَا يُدُّ لِكُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ، يَا مَنْ رَزَقَ كُلَّ شَيْءٍ عَلَيْهِ، وَ مَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَائِدُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْطَيْتَنَا، وَ مِنْ شَرِّ مَا مَنَعْتَنَا. اللَّهُمَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ، وَ الْخِيفَةَ بِالصَّالِحِينَ، غَيْرَ خَزَايَا وَ لَا مَفْتُونِينَ، رَبِّ يَسِّرْ وَ لَا تُعَسِّرْ، رَبِّ أَتِمِّمْ بِالْخَيْرِ.

إِنَّ الصِّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلَيْهِمُ.

مستحب است پیاده سعی نماید، و از آنجا که علامت گذاری شده هروله کند؛ یعنی کمی تندتر برود، و اگر سوار چرخ باشد این مقدار را فی الجمله تند نماید، و بعد از آن به طور عادی تا مروه راه برود، و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب عمل نماید، و از برای زنها هروله نیست، و مستحب است بر درگاه خداوند گریه کند، و در حال سعی دعا بسیار نماید.

مستحبات دیگر مکه معظمه:

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱- زیاد ذکر خدا کند، و قرآن بخواند.

۲- ختم نمودن یک قرآن.

۳- خوردن آب زمزم، و خواندن دعای زیر پس از آن:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَ رِزْقًا وَاسِعًا، وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ» «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الشُّكْرِ لِلَّهِ».

۴- نگاه کردن به کعبه.

۵- هرگاه مزاحم طواف کنندگان واجب نشود، هر قدر که

می‌تواند طواف کند.

طواف وداع:

کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع بجا آورد، و در هر شوطی حجرالأسود و رکن یمانی را - در صورت امکان - استلام نماید، و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد، و آنچه خواهد دعا نماید، بعداً حجرالأسود را استلام نموده، و حمد و ثنای الهی نماید، و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و این دعاء را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ، وَ صَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَ أُوذِيَ فِي جَنْبِكَ، وَ عَبْدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ. اللَّهُمَّ أَقْلِنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَ الْبَرَكَاتِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْعَافِيَةِ».

و مستحب است وقت بیرون آمدن، از مقابل رکن شامی بیرون رود، و از خداوند متعال توفیق مراجعت بطلبد، و وقت بیرون رفتن معادل یک درهم خرما خریده و آن را به فقرا صدقه دهد.

قسمتی از مستحبات مدینه طیبه:

از جمله مستحبات که بسیار بر آن تأکید شده این است که هنگام برگشتن از مکه، به مدینه طیبه برگردد. تا به زیارت حضرت رسول ﷺ و حضرت صدیقه طاهره ع و ائمه ع بقیع ع مشرف شود.

زیارت حضرت رسول اکرم ﷺ :

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عِبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

زیارت حضرت صدیقه علیها السلام :

«يَا مُمْتَحَنَةَ اِمْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَ رَعَيْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءَ، وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ ﷺ وَ أَتَانَا بِهِ وَصِيَّتُهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقِّتْنَا بِتَصَدِّيقِنَا لَهُمَا، لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّ قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ».

اللَّهُ وَ أَحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقْرِّينَ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَدِلَاءِ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنَ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَ مَنَ غَادَاهُمْ فَقَدْ غَادَى اللَّهُ، وَ مَنَ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ، وَ مَنَ جَهَلَهُمْ فَقَدْ جَهَلَ اللَّهُ، وَ مَنَ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَ مَنَ تَحَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَحَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. أَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلِمٌ لِمَن سَالَمْتُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَن حَارَبْتُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ، مِنَ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ، مِنَ الْأَوْلِيَيْنَ وَ الْآخِرِينَ، وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ».

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام :

مستحب است که زائر بهترین لباس نظیف خود را بپوشد، و به بهترین عطر خود را خوشبو کند، و با آرامش و وقار به زیارت

زیارت جامعه که هر یک از ائمه علیهم السلام را می توان با آن زیارت نمود:

«السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصْفِيَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمَنَاءِ

آن بزرگواران برود، و چون نزدیک آن بارگاه شد بایستد، و با خواندن دعای زیر اجازه ورود بگیرد:

«یا مَوَالِیَّ یا اَبْنَاءَ رَسُوْلِ اللّٰهِ، عِبْدُكُمْ وَ ابْنِ اَمْتِكُمْ، اَلذَّلِیْلُ بَیْنَ اَیْدِیْكُمْ، وَ الْمُضْعِفُ فِی عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَكُمْ مُسْتَجِیْباً بِكُمْ، فَاصِداً اِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّباً اِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلاً اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰی بِكُمْ، ءَاَدْخُلُ یا مَوَالِیَّ؟ ءَاَدْخُلُ یا اَوْلِیَاءَ اللّٰهِ؟ ءَاَدْخُلُ یا مَلَائِكَةَ اللّٰهِ الْمُحَدِّقِیْنَ بِهَذَا الْحَرَمِ، الْمُتَقِیْمِیْنَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ؟»

سپس پای راست را پیش بگذارد، و با خشوع و خضوع وارد

شود، و بگوید:

«اللّٰهُ اَكْبَرُ كَبِیْرًا، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِیْرًا، وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ بُكْرَةً وَ اَصِیْلًا، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الْمَاجِدِ الْاَحَدِ، الْمُنْفَضْلِ الْمَنَّانِ، الْمَتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ، الَّذِیْ مَنْ بَطُوْلِهِ، وَ سَهَّلَ زِیَارَةَ سَادَاتِیْ بِاِحْسَانِهِ، وَ لَمْ یَجْعَلْنِیْ عَنْ زِیَارَتِهِمْ مَمْنُوْعًا، بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ.»

و سپس پشت به قبله و رو به آن قبور مطهر دعای زیر

بخواند:

«اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَمَّةَ الْهُدٰی، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَهْلَ التَّشْوٰی، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَیُّهَا الْحَجَّجُ عَلٰی اَهْلِ الدُّنْیَا، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَیُّهَا الْقَوَّامُ فِی الْبَرِیَّةِ بِالْقِسْطِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَهْلَ الصَّفْوَةِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَلْ رَسُوْلِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَهْلَ النَّجْوٰی، اَشْهَدُ اَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فِی ذَاتِ اللّٰهِ، وَ كَذَّبْتُمْ وَ اُسِیءَ اِلَیْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ الْاَنْمَّةَ الرَّاشِدُوْنَ الْمُهْتَدُوْنَ، وَ اَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوْضَةٌ، وَ اَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَ اَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوْا، وَ اَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوْا، وَ اَنَّكُمْ دَعَايْتُمُ الدِّیْنَ وَ اَرْكَانُ الْاَرْضِ، لَمْ تَزَالُوْا بِعَیْنِ اللّٰهِ یَنْسَخُكُمْ مِنْ اَصْلَابِ كُلِّ مَطَهَّرٍ، وَ یَنْقُلُكُمْ مِنْ اَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدْنَسْكُمْ الْجَاهِلِیَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَ لَمْ تَشْرِكْ فِیْكُمْ فِی سَنِّ الْاَهْوَاءِ، طِبْتُمْ وَ طَابَ مَبِیْتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَیْنَا دِیَانُ الدِّیْنِ، فَجَعَلَكُمْ فِیْ بُیُوتِ اَذْنِ اللّٰهِ اَنْ تُرْفَعَ وَ یُذَكَّرَ فِیْهَا اسْمُهُ، وَ جَعَلَ صَلَاتِنَا عَلَیْكُمْ رَحْمَةً لَّنَا، وَ كَفَّارَةً لِذُنُوْبِنَا، اِذْ اِخْتَارَكُمْ اللّٰهُ لَنَا، وَ طَیَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنْ عَلَیْنَا مِنْ وَّلَائِكُمْ، وَ كُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّیْنَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِیْنَ بِتَصَدِیْقِنَا اِیَّاكُمْ، وَ هَذَا مَقَامٌ مَنْ اَسْرَفَ وَ اَخْطَا وَ

اسْتَكَانَ وَ أَقْرَبَ بِمَا جَنَى، وَ رَجَى بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ، وَ أَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكَى مِنَ الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغَبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَ اتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا، وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا. يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنْ بِيَا وَفَّقْتَنِي، وَ عَرَفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ، وَ جَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتِ الْإِمْنَةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِيَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا، مَذْكُورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِي مَا دَعَوْتُ، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

سپس قبور فاطمه بنت اسد و ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سایر بزرگان بقیع را زیارت کند، و بر آنها درود و رحمت فرستد، و بر ایشان فاتحه بخواند.

زیارت حضرت حمزه:

و سزاوار است مساجد هفتگانه و مسجد قبا و قبور شهدای اُحد را زیارت کند، و به هنگام زیارت قبر حضرت حمزه، عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اُحد بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَ نَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَ كُنْتَ فِي مَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي، مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَضَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَزِعًا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي، آتِيْتُكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، طَالِبًا فَكَأكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ قَدْ أَوْقَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَ آتَيْتُ مَا أَسْحَطَ رَبِّي، وَ لَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْرَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فُقْرِي وَ حَاجَتِي، فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَ آتَيْتُكَ مَكْرُوبًا، وَ سَكَبْتُ

عَبْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِياً، وَ صِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرِداً، وَ أَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي
اللَّهُ بِصَلَاتِهِ، وَ حَثَّنِي عَلَى بِرِّهِ، وَ دَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَ هَدَانِي
لِحُبِّهِ، وَ رَغَّبَنِي فِي الْوِفَادَةِ إِلَيْهِ، وَ أَلْهَمَنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ
عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْفِي مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَ لَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاهُمْ،
وَ لَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ، وَ لَا يَسْعَدُ مَنْ عَادَاهُمْ».

زیارت وداع پیامبر ﷺ:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ
تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَنَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ
فِي حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، وَ
أَنَّكَ قَدِ اخْتَرْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، ثُمَّ اخْتَرْتَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةَ
الطَّاهِرِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرُّجْسَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً،
فَاخْشَرْنَا مَعَهُمْ، وَ فِي زُمْرَتِهِمْ، وَ تَحْتَ لُؤَائِهِمْ، وَ لَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا
وَ بَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
لَا جَعَلَ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

زیارت وداع ائمه بقیع علیهم السلام:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةَ الْهُدَى وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ،
أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ
بِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَ دَلَلْتُمْ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَاصْبِرْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ»، و سپس
می گوید:

«وَ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

پایان